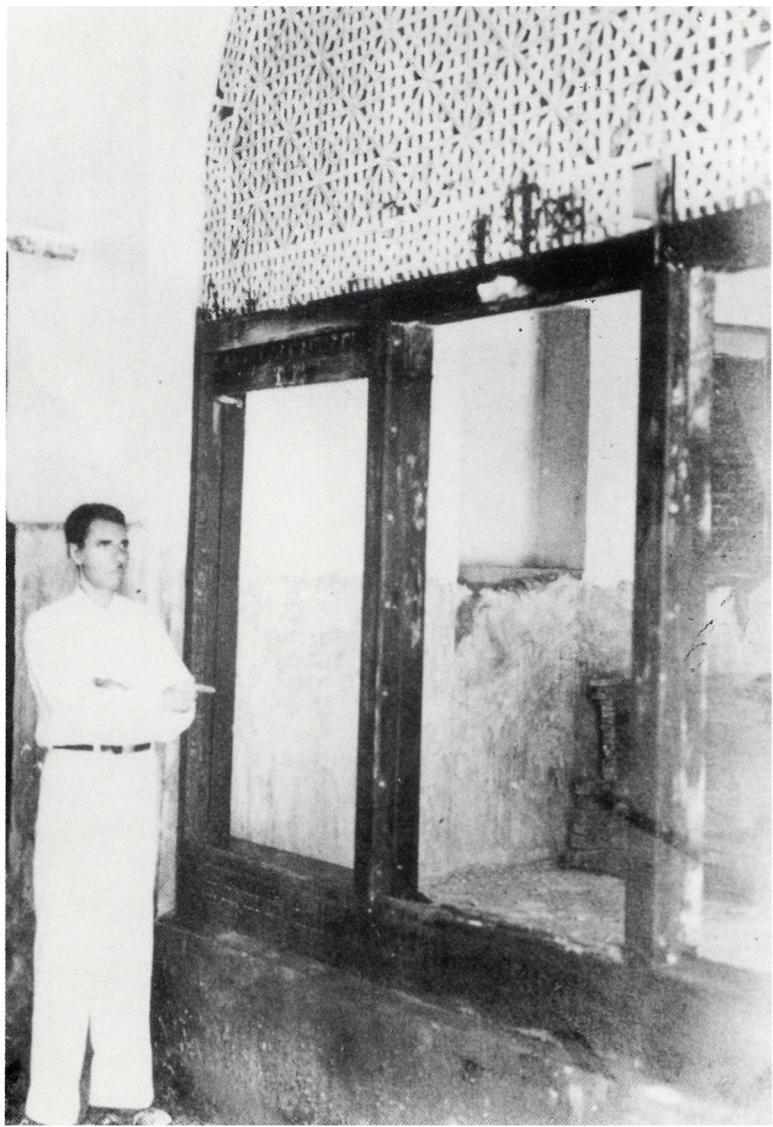


عندليب





عبدالیب

نشریه محلی و ملی بسانان کانادا
بربان فارسی

شماره ۵۹ «مسل»

No. 59

سال پانزدهم

volume 15

تابستان ۱۳۷۵ شمسی
بریج ۱۵۲ شیخ

Summer 1996

'Andalib

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAIL SALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

صفحه	
۲	۱ - لوح جمال قدم جل جلاله
۴	۲ - الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء
۶	۳ - پیامهای بیت العدل اعظم
۱۷	۴ - آخرین سالهای قرن انوار
۲۵	۵ - نامه‌ای از یک طبیب عالیقدار
۲۶	۶ - پیشرفتهای قوس کوه کرمل
۲۸	۷ - تلگراف معهد اعلی و پیام حرم مبارک و جناب علی نخجوانی بمناسبت صعود خانم فردوس افنان
۲۹	۸ - شعر شوریده شیرازی و شعری از الهام
۴۰	۹ - هرمس در لوح حکمت
۴۹	۱۰ - شعر مادر
۵۰	۱۱ - یادی از گذشتگان (جناب سیف الله موزون)
۵۶	۱۲ - توقیع منیع حضرت ولی امرالله
۵۷	۱۳ - استدلال
۶۲	۱۴ - شعر (آزادی)
۶۲	۱۵ - شرح حال لقائی کاشانی شاعر بهائی
۶۹	۱۶ - نظری کوتاه به پیام معهد اعلی (جوانان)
۷۰	۱۷ - شعر تو
۷۱	۱۸ - اخبار و بشارات امیریه
۷۴	۱۹ - اخبار مصوّر
۷۸	۲۰ - نامه هائی از دوستان

عکسها :

روی جلد : خارج : امة البها روحیه خانم در پارلمان برزیل (از راست بچپ رئیس مجلس ملی برزیل امة البها روحیه خانم مترجم و جناب شاپور منجم عضو دارالتبلیغ بین المللی مرحمتی سرکار خانم ویولت نخجوانی)
 داخل : حجره حضرت اعلی در بوشهر (فرستنده جناب بدیع ندیمی)
 پشت جلد : خارج : عده‌ای از احبای عشق آباد
 داخل : احبای قزوین «فرستنده مراکز خانم پریوش خوشبین»

نام مقصود عالمیان

حمد محبوی رالایق و سراست که لم نزل بوده ولا زال خواهد بود . حمتش جمیع من فی الوجود
اخطه نموده و این رحمت در رتبه اولیه اطهار بران است که از مشرق غایت رحم طاهر شود
تمکن بعرفان آن بحر قدم که مقصود اصلی از خلق عالم است فائز شوند و در رتبه ثانیه او را
لحسیه بوده تمکن باین مرقات عظیم بمحامن قدس تحرید و موقع عز توحید رفعاً جوید
طوبی از برای نفسیکه ایوم با خلاق روحانیه و اعمال طیبه نبضرت امر مالک بر قیام نمای
ان شاء الله باید جمیع احباب بالکمال محبت و داده باشند و در اعانت یکدیگر کو تا هی
نمایند و معنی مواسات که در کتاب آنی نازل شده است که هر یک از مونین سایرین
شیل خود مشاهده نمایند یعنی خود را علی شمرند و عنیماً فقر از مال خود محروم ننمایند
و آنچه از برای خود از امورات حیرتیار نمایند از برای سایر مونین هم همان را
خستید کنند . است معنی مواسات . وحد مواسات تا این مقام بوده و تجاوز از آن
از شومات ہوایه و شهیت نفیعت نہ مذکور . اعاده نمایه و آیا کم عن کل مال لایحه
ان شاء الله باید جمیع بکمال تقدیس و تزیی بذکرش ذکر باشند . و آن لهوا لامر اسماعیل علیهم .

هولاکو

بهره طجه جنوب زاره آضي دنه - جنوب ها فخر تقریب لاد عیوب آلس

بُو الْلَّهِ

ای مطهی کلمه تقوی ، تقوای حقیقی از عظم مو احباب آی است
و آن خشیت نه است این خوف نه از عذاب و عقاب بلکه یم
محرومی از عنایت پروردگار . انسان اگر از الطاف حق بی بهره
و نصیب گردد و از پرتو عنایت محروم و محظوظ شود اینسته این غذا
اعظم از نیزان ولی اگر دان او فطیں و حکیم شد و الا صد هزار محرومیت را
به جان قبول نماید و به ذره از عذاب جسمانی راضی گردد و علیک

التحمیه ولشناده عرع

هُوَ الْأَعْجَمُ

ت - جناب استاد ابراهیم خیاط عیّب حب آللله الْأَعْجَمُ مَدْحُلُه نَبِيٌّ

هُوَ الْأَجْمَعُ

ای ناظر بمنظار که به اگر تو ای از دیسای ایقان و پرند و پرینان
عرفان و سنس در پنیر کاری و استبرق تقوای آنی بر قامت امکان
و اندام اکوان جامه بپرس و بخیط غرده و شفی و جل نه له میشین که عهد و میثاق
آنی و ایمان و پیمان باتی است بدوز ، ابره این خیاط حقیقی لسان
ناطق وزبان صادق و قلب طهور روح ناظر افق علی و مستبشر
ملکوت ایمی است . پس ای مخصوص در دین الله بکوش و بجوش که
خیاط حقیقی گردی و درزی روحا فی شوی و ایمان علیک
علی کل من تمکن بجل نه له حکم میشین .

ع ع

ترجمه پیام ۶ اگست ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم

که با وسایط الکترونی به عموم بهائیان عالم مخابره شده است

یاران عزیز الهی :

وصول اخباری که حاکی از پاسخ مشتاقانه آن یاران عزیز به نقشه چهارساله است بی نهایت سبب اطمینان خاطر گردید . آنچه مخصوصاً مایه خوشوقتی است کوشش های محافل روحانی ملی در سراسر جهان به منظور تأسیس مؤسسات آموزشی و پرورش نیروی انسانی بنحوی منظم است . تعداد مؤسسات ملی و منطقه ای بسرعت رو به افزایش است و دلالت بر آن دارد که تا انتهای سال اول نقشه احتمال دارد متجاوز از یکصد مؤسسه مشغول فعالیت باشند . امید چنانست که هریک از این مراکز آموزشی بنحوی روز افزون گروه هایی از احباء را آماده نمایند که لیاقت و توانانی لازم برای انجام خدمات بسیار متنوعی به امر الهی را دارا باشند و بدین ترتیب در هر کشور امکان ادامه و تقویت دخول افواج مقبلین فراهم آید .

در بعضی از جوامع ملی شرایط اقتصادی چنانست که مؤسسات آموزشی ممکن است از ابتداء نیازمندیهای مالی خود را تأمین نمایند . اما اکثر جوامع قادر به تأمین هزینه های مربوط به فعالیت مؤسسات آموزشی خود نیستند . این هزینه ها شامل مواد درسی ، لوازم اداری و آموزشی ، مخابرات ، نگاهداری و تعمیر ابزار و وسائل ، و گاهی حمل و نقل دانشجویان و تأمین محل سکنی و خوراک آنهاست .

اما مهمترین رقم در بودجه این مؤسسات در بسیاری از کشورها کمک مالی برای کارمندان نیمه وقت و تمام وقت جهت اداره امور آموزشی و تدریس در مقر مرکزی مؤسسه و در شهرها و روستاهای اطراف آن است . با در نظر گرفتن این نیازمندی توجه یاران الهی را در پیام رضوان به این دعوت حضرت بهاء الله جلب نمودیم که احبابی الهی باید قوای خود را حاضر در انتشار امر الهی نمایند و به این حکم الهی اشاره کردیم که میفرمایند : « هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الا آن یاخذ و کیلا لنفسه فی اظهار هذا الامر » در پیام مذکور سپس آمده است که توکیل یک معلم برای خدمت در این قبیل مؤسسات یکی از طرقی خواهد بود که این مسؤولیت انجام پذیرد و توصیه شده است که یاران الهی می توانند برای این منظور تبرعات خود را به صندوق های قاره ای و نیز صندوق های محلی و ملی و بین المللی تقدیم دارند .

برای تسريع در این امر حیاتی این هیأت تبرعی معادل سیصد هزار دلار منظور داشته تا بین پنج صندوق قاره ای متناسب با شرایط و احوال هر قاره توزیع شود ، گرچه این مبلغ در قبال مبالغی که برای

این منظور لازم است مبلغی جزئی است اما امیدوار چنانیم که یاران الهی ، مخصوصاً آنان که توانائی دارند ، به پیروی از این اقدام به این نیاز ضروری توجه کافی مبذول فرمایند . چون نیازمندیهای مالی هر کشور با کشور دیگر تفاوت دارد مشاورین قاره ای بهترین منبع برای کسب اطلاع در باره میزان توکیل مورد نیاز برای مناطق مختلف جهان خواهند بود . از مشاورین تقاضا شده است که اطلاعات لازم را در اختیار اعضای هیأت معاونت قرار دهند تا آنها نیز به نوبه خود بتوانند نفوسي را که مایل به تقديم تبرعات برای این مشروع مهم جهانی در جامعه بهائي هستند راهنمائي نمایند .

با تقديم تحيات ابدع ايهي - بيت العدل اعظم

ترجمه مرقمه مورخ ۲ جولای ۱۹۹۶ دارالانشاء بيت العدل اعظم الهی خطاب به يكى از یاران الهی

یار عزيز روحاني،
مكتوب مورخ ۱۹ می ۱۹۹۶ به ساحت رفيع معهد اعلى واصل گردید و صراحتی که در بيان
نگرانی های عميق خود ابراز داشته ايد مورد توجه وتقدير بيت العدل اعظم قرار گرفت و مقرر فرمودند
مراتب ذيل در پاسخ نama مزبور ابلاغ گردد.
مقصد اين نيشت که در اين نامه رفتار و اظهارات دوستانی که به آنها اشاره نموده ايد مورد بررسی
قرار گيرد يا پاسخ هائی که آنان در طی چندين سال از مؤسسات امری دریافت داشته اند مورد بحث قرار
داده شود. بلکه بيت العدل اعظم مایلند اين وضعیت را به جنبه های معینی از معتقدات بهائي مرتبط
نمایند، به اين اميد که در نتیجه چنین بررسی بتوانيد پاسخ برخی از پرسش هائي که ذهن شما را به خود
مشغول داشته بیابيد.

در محور اهداف امر بهائي استقرار عدالت و وحدت در جهان و رفع تعصّب و دشمنی از میان
مردمان و بیدار نمودن حس محبت و تفاهم در دل همه مردان و زنان و ارتقاء همه نفوس به مرتبه والاتری
از رفتار روحاني در اثر نفوذ حیات بخش شریعت الهی قرار دارد . راهی که حضرت بهاء الله برای حصول
این اهداف تعیین فرموده اند وظيفة دوگانه به وجود آوردن جامعه ای ممتاز همراه با کمال بخشیدن به
اخلاق و رفتار افراد آن جامعه است. برای ایجاد چنین تقلیب دوگانه و متقابلی، آن حضرت نه تنها
قوانين و اصول و حقایقی را اعلان فرمودند که با نیازهای این زمانه هم آهنگ است، بلکه هسته مرکزی و
نمونه مؤسساتی را تأسیس فرمودند که مقتدر است مراحل تکامل را پیماید و به اراده الهی به جامعه ای
جهانی با هدفی روحاني تبدیل شود.

نکته اساسی در آنچه از اظهارات یارانی که از آنان سخن می گویند استنباط نموده ايد این است که
تاكيد می کنند که کاملاً معتقد به عهد و ميثاق به معنای حقیقی و مطیع مؤسسات امری اند، و فقط
اختلاف نظرشان را با بعضی قرارها و خط مشی های آن مؤسسات ابراز می دارند و نسبت به اقدامات غیر
عادلانه یا نادرست برخی افراد که مقام اداری مهمی را احراز نموده اند اعتراض دارند و برای جلوگیری از
آنچه که به عقيدة آنان سوء استفاده از موقعیت و مقام است تغییرات و اصلاحاتی را در نظامات بهائي
پیشنهاد می نمایند. واضح است که در ابراز این قبیل اظهارات بعضی اصول مهم امری، یعنی اصولی که

نحوه و مسیر ابراز نگرانی و شکایت را مشخص می‌نماید و حل آین گونه مسائل را در عین حفظ وحدت جامعه میسر می‌سازد، نادیده گرفته شده است.

چندین سال است که معدودی از یاران امریکا بجای آن که اعتراضات خود را نسبت به آنچه که سوءاستفاده از قدرت بوسیله تشکیلات بهائی می‌دانند به مجازی و مؤسسات فراوانی که برای این منظور در نظم اداری بهائی پیش‌بینی شده محدود نمایند، مؤسسات امرالله را در تماس‌های خصوصی و اجتماعی خودمورد حمله قرار داده اند و تهمت بی‌عدالتی را در موارد خاص چنان تعیین داده اند که به نظر می‌رسد تشکیلات امری را بطور کلی، نه تنها در عمل بلکه در اساس و بنیادهای نظری آن، به فساد متهم می‌نمایند. از جمله عواقب این سلسله انتقادات منفی تبدیل تدریجی تهمت‌های ثابت نشده به "واقعیت‌های" پذیرفته شده در ذهن بعضی از شنووندگان بوده است.

این دوستان، بر اثر این فعالیت‌ها و حمایت‌های متقابلی که از یک دیگر می‌نمایند، بتدریج بصورت گروهی از مخالفین جلوه گر شده اند که قصد دارند نا رضائی و رنجش عمومی را در جامعه برانگیزنند و به این نحو تغییراتی در ساختمان و اصول نظم اداری بهائی به وجود آورند و آن را به افکار و اعتقادات شخصی خود نزدیک تر نمایند. این کوشش‌ها با برنامه‌های احزاب سیاسی مشابهت بسیار دارد و فعالیتی است که در اغلب جوامع پذیرفته شده و حتی مورد تحسین قرار می‌گیرد، ولکن کاملاً با روح دیانت بهائی تناقض دارد. چنین کوششی مرrog جوستیزه جوئی است در حالی که حضرت بها‌الله بالصرّاحه فرموده اند: "نزاع و جدال را نهی فرمود نهیا عظیماً فی الكتاب".

قوانين، احکام، اوامر و بیاناتی که همه ما به عنوان افراد بهائی پذیرفته ایم و متعهد شده ایم که آنها را اطاعت کنیم و به کار بندیم، شامل روشی روشن در زمینه "تصمیم‌گیری" و نحوه تنفيذ آن تصمیم‌ها است. بی‌شک آن حبیب معنوی با جنبه‌های گوناگون این موضوع آشنا هستید چه که بر پایه این اعتقاد بنا شده که وحدت تنها راهی است که ما را به تمدنی که حضرت بها‌الله و عده فرموده اند رهمنون می‌گردد. تأکید به وحدت آنقدر شدید است که برای مثال هرگاه محفل روحانی تصمیمی اتخاذ نماید، انتظار از همگی افراد جامعه آن است که صمیمانه از آن تصمیم پشتیبانی نمایند و با اطمینان به وعده حضرت عبد‌البهاء متکی شوند که فرموده اند حتی اگر تصمیم محفل روحانی غلط باشد "از آنجا که با وحدت و یگانگی پیروی می‌شود، حقیقت جلوه خواهد نمود و خطأ به صواب تبدیل خواهد شد" (ترجمه). متمم این اصل وحدت تعالیم دیگری است که در ارتباط با مسائلی از قبیل نحوه بیان انتقاد، روش اصلاح اعمال ناصواب اعضاء جامعه، راه اجرای اصل عدالت و موضوع پذیرفتن استیناف از رأی مؤسسات بهائی، و بالاخره چگونگی حفظ اصالت و تمامیت شوون افراد، مؤسسات نظم اداری، و امرالله مقرر گردیده است.

ضمن پیروی از این تعالیم، اهل بھاء معتقدند که افراد بشر به صرف قبول تعالیم آلهی یکباره اشخاصی با فضیلت و تقوا نمی‌شوند. رشد روحانی آنان نیاز به گذشت زمان دارد تا از تناقض فردی خود رهائی جویند و از فرضیات تشکیلاتی و نحوه رفتار جوامعی که در آن بار آمده اند و سایه بر جهان بینی آنان افکنده دل برکنند. مؤسسات امرالله که افراد احبابه با اطاعت از احکام حضرت بها‌الله، و بر طبق مثال ممتازی که حضرت عبد‌البهاء ارائه فرموده و بر اساس تبیینات حضرت ولی امرالله، و تحت هدایت بیت‌العدل اعظم به تأسیس آن‌ها همت گماشته اند هنوز در مرحله جنینی است و چه بسا از کمال مطلوبی که برای حصولش کوشش می‌شود به دور می‌ماند. ضمناً این امکان نیز وجود دارد که برخی از افراد از اختیاراتی که بمناسبت سمت اداری خود که بدان انتخاب یا منصب شده اند سوء استفاده کنند. به کرات

حضرت ولی امرالله در توقیعات مبارکه یاران‌اللهی را به صبر و برداشتن، چه با یک دیگر و چه با محافل روحانی خویش، تشویق فرموده‌اند. ولکن در موارد خطیر سوء‌رفتار، از جانب مؤسّسات یا افراد، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم هیچکدام در اقدام قاطع برای رفع مشکل تأمّل و تردید ننموده‌اند. در نظم اداری بهائی برای مقابله با این گونه ضعف‌های اخلاقی بشری پیش‌بینی‌های لازم به عمل آمده، و طوری طرح‌ریزی شده که اهل ایمان بتوانند علی‌رغم نقائص‌شان نظم بدیع حضرت بهاء‌الله را بر پا سازند، بدون آنکه اختلافاتی که موجب خرابی بینان آن نظم گردد بروز ننماید:

یکی از وظایف بیت‌العدل اعظم—علاوه بر تشریع قوانین، حل مسائل دشوار، توضیح امور مبهمه، حل اختلافات، اداره امور جهانی امرالله و تعیین مسیر اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبد‌البهاء—حفظ و صیانت افراد مؤمنین و هیکل امرالله در مقابل تأثیرات زیان‌آور مؤسّسات امری که بدرستی انجام وظیفه نمی‌کنند و همچنین افراد بی‌حکمت و بدخواه و بداندیش است. در بیشتر موارد، این نقائص در رفتار افراد یا در عملکرد مؤسّسات امری نسبتاً جزئی است و رفع آن به‌وسیله محافل روحانی محلی و ملی یا به‌وسیله حضرات مشاورین قاره‌ای و اعضاء هیأت معاونت و مساعدین آنان میسر است. ولکن هرگاه وضع بسیار وخیم شود مرکز جهانی ناچار به مداخله خواهد بود.

اینک بطور اخصَّ وضع موجود در امریکا مورد نظر شماست. درست است که مکتوب ۱۹ می ۱۹۹۴ بعضی از جنبه‌های نحوه کار محفل روحانی ملی امریکا را مورد بحث قرار می‌دهد، چه که این نامه به آن محفل ملی و در پاسخ به درخواست هدایتش از بیت‌العدل اعظم صادر شده است، ولی این فقط یکی از مسائلی است که جامعه بهائی امریکا با آن مواجه است. هرگاه شما آن نامه را به دقت مطالعه کنید خواهید دید که در آن یک سلسله اصلاحات، در طرز رفتار افراد مؤمنین و جامعه یاران بطور کلی، لازم دانسته شده است. در واقع نامه ۱۹ می موضوع‌هایی را که در نامه بیت‌العدل اعظم به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ به آن‌ها اشاره شده بود تشریح می‌نماید. در آن نامه از یاران‌الله مؤکداً خواسته شده که در مورد عقاید امروزی در باره نحوه کار اجتماع تأمّل و تجدید نظر کنند.

متأسفانه به نظر می‌رسد که کوشش‌های تشکیلات امری و برخی از دوستان برای توضیح این مسائل، مورد اعتنای افراد سابق‌الذکر قرار نگرفته است. بعضی از آنان محترمانه دریافت مکاتبات بیت‌العدل اعظم را اعلام نمودند ولی پس از آن به راه خود ادامه دادند و نکات اساسی را که گوشزدشان شده بود نا دیده انگاشتند. بعضی دیگر علناً با هدایت بیت‌العدل اعظم مخالفت نموده‌اند. لحن کلام اینان از بیان نگرانی در باره حفظ عدالت و حقوق افراد در جامعه بسیار فراتر رفته و به حد تحریک افراد به مجادله درباره بعضی از اساسی‌ترین معتقدات دیانت بهائی رسیده و به صورت حمله بر بنیان عهد و میثاق الهی در آمده، اصلی که تنها ضامن نهائی صیانت امرالله است که در طول قرون و اعصار بر پایه منشأ الهی خود پایدار باقی خواهد بود.

به این ترتیب، موضوع مورد بحث این است که آیا افراد مؤمنین مجازند که بدون وقه و برای مدتی نا معلوم به تضعیف اساس ایمان هم مسلمان خود بپردازند و به آشتفتگی فکری در داخل جامعه دامن زنند و بالاخره در ملاء عام اصول و طرز کار نظم اداری حضرت بهاء‌الله را مورد حمله قرار دهند؟

در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاء‌الله در اشاره به "آزادی" می‌فرمایند: "آن نصدتها فی بعض المقامات دون الاخر انا کنا کنا عالیمن". (مضمون بیان مبارک این است که حق در بعض شرایط آزادی را تأیید فرموده، و در بعضی دیگر منع فرموده) (کتاب اقدس، بند ۱۲۴، ص ۱۱۷). یکی از مواردی که در آن آزادی در جامعه بهائی محدود و معین شده است روش و مجاری بیان انتقاد است. در باره این

موضوع مجموعه‌ای از منتخباتی از نامه‌هایی را که از طرف حضرت ولی امرالله به افراد احباب نگاشته شده ضمیمه می‌نماییم. از راهنمایی‌هایی که در این نامه‌ها دیده می‌شود اصول زیر به روشنی استنباط می‌گردد:

أهميةت وحدت هم به عنوان هدف شریعت حضرت بهاءالله و هم به عنوان وسیله استقرار آن. حضرت بهاءالله نه "تنها اصول معینی را اعلان نموده اند بلکه نظامی را نیز ابداع فرمودند که وسیله تأسیس و ابقاء آن کمال مطلوب است"، و وفادار بودن یاران الهی به این دو عامل برای "تحقیق هدف وحدت جهانی حضرتش" اساسی است.

بهائیان "کاملاً مختارند که انتقاد‌های خود را به محافل روحانی خود عرضه نمایند" و پیشنهاد‌های خود را تقدیم آن مرجع نمایند. وقتی که بهائیان انتقاد، پیشنهاد و توصیه خود را با محافل خود در میان نهادند و نظریات خود را "درباره خط مشی‌ها یا افراد اعضای هیأت‌های انتخابی" بیان نمودند باید "از صمیم قلب توصیه و تصمیم محفل را پذیرند".

بین تحريم غیبت، که مشتمل بر اظهار نظرات نامطلوب درباره افراد یا تشکیلات به دیگر افراد بطور خصوصی یا عمومی است، از یک طرف، و تشویق یاران به سبکبار نمودن خاطر خود بوسیله در میان گذاردن نگرانی‌هایشان با محفل روحانی محلی یا ملی (یا با یکی از اعضاء هیأت مشاورین یا هیأت معاونت) از طرف دیگر، تعایزی روش وجود دارد. به این نحو، گرچه یکی از وظایف ضیافت نوزده روزه ایجاد فرصتی است که "انتقاد سازنده و عمومی در آن مطرح گردد، و در مورد شرایط عمومی داخل جامعه محلی مشورت صورت گیرد"، ولی شکایت در باره رفتار یک عضو محفل روحانی باید مستقیماً و محترمانه به محفل روحانی تسلیم گردد، نه آنکه این نوع شکایات با افراد دیگر و یا در ضیافت نوزده روزه مطرح شود.

در عین اینکه انتقاد سازنده مورد تشویق قرار گرفته است، انتقاد مغرت، مثلاً "پیوسته از تصمیمات محفل انتقاد کردن و به آنها اعتراض نمودن"، مانع از رشد سریع امر می‌شود و کسانی را که در خارج از جامعه امرنده از امر الهی دور می‌نماید. در واقع از "همه انتقادها و گفتگوهای منفی که ممکن است به اعتبار محفل روحانی به عنوان یک مؤسسه لطمہ وارد آورد باید شدیداً دوری نمود. زیرا در غیر این صورت نظم امر الهی به خطر افتاد و موجب بروز اختلاف و اغتشاش در جامعه شود." "انتقاد بدخواهانه واقعاً بلاست" که ریشه آن "عدم ایمان به نظم بدین حضرت بهاءالله است" و قصور در تبعیت از "قوایین بهائی درباره ابداء رأی، انتخابات، خدمت و اطاعت از تصمیمات محفل".

اینکه انتقاد در جامعه بهائی چگونه بیان می‌شود و بمحب آن عمل می‌گردد، و اینکه چگونه محافل روحانی در حق افراد احباب عدالت را اجرا می‌کنند، عناصری از مفاهیمی بس عظیم‌تر است که باید طبیعت ثانوی افراد در مذاکرات و برخوردهای اجتماعی بهائی گردد. جامعه بهائی عبارتست از اجتماع افرادی که داوطلبانه بیکدیگر می‌پیوندند تا، با اعتراف به دعوی حضرت بهاءالله به مظهریت ظهور الهی در این عصر، الگوهای معینی از رفتار فردی و اجتماعی را ایجاد نمایند و مؤسّساتی را بنا کنند که وسیله بربرا داشتن این الگوها باشد. بسیارند افرادی که آرمان‌های مشابه اهداف امر بهائی دارند و از تعالیم بهائی الهام می‌گیرند و در عین حال با بعضی جنبه‌های آن مخالفند، ولیکن کسانی که عملاً وارد جامعه بهائی می‌شوند آزادانه و بطيب خاطر تبعیت از همه تعالیم الهی را پذیرفته‌اند و فهمیده‌اند که هرگاه در جریان عمل به تعالیم تردید و اختلاف نظر رخ دهد، داور نهائی بر طبق نصوص صریح الهی بیت‌العدل اعظم است.

بیت العدل اعظم با نهایت اشتیاق دعا می‌کنند که یاران آلهٰ که در این مجاهدت با دشواری مواجه می‌شوند به هدایتی که به ایشان ارائه می‌شود اطمینان داشته باشند، تعالیم آلهٰ را از نو مطالعه نمایند و برای رضای جمال مبارک محبت خود را نسبت به یکدیگر تعکیم نمایند. همان طور که منشی حضرت ولیٰ محبوب امرالله از طرف ایشان به یکی از احباب در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۴ نوشته است: "بدون وجود محبت حقیقی به حضرت بها‌الله، به امر مبارک و به مؤسسات نظم بدیع و بین مؤمنین نسبت به یکدیگر، امر آلهٰ هرگز آن طور که باید تخواهد توانست عده بیشماری از مردمان را به خود جذب نماید. زیرا جهانیان در جستجوی محبت و عمل‌اند نه مقررات و مواعظ". طرح‌ها و مجاهداتی که امرالله در پنهانه گیتی در دست اجرا دارد چنان عظیم و خطیر است و نیاز مردمان جهان به پیام حضرت بها‌الله چنان فوری است و مخاطراتی که بشر با آن روپرست چنان وخیم است و سیر و قایع چنان سریع است که نمی‌توان اجازه داد پیروان امر حضرت بها‌الله وقت و نیروی خود را در مجادلات بی‌ثمر تلف نمایند. در این زمان، بیش از هر زمان دیگر، یاران آلهٰ باید به کمال محبت با یکدیگر رفتار نمایند، در افکار و اقداماتشان متّحد باشند و در اکناف جهان به فدایکاری و خدمت قیام نمایند.

بیت العدل اعظم علاقه شما را نسبت به اداره صحیح امور جامعه بهانی تقدیر می‌نمایند، و تأکید می‌فرمایند که در مورد مسائلی که مطرح فرموده اید با استفاده از نفس تعالیم آلهٰ مذاقه نمایید. این مسائل را نباید با معیار‌های فلسفه‌های معمول یا هر گونه نظام مدنی که فرضیات اولیه آنها در بسیاری موارد با نظم آلهٰ حضرت بها‌الله متفاوت است سنجدید.

با تحيات ابداع ابهی

دار الانشاء بیت العدل اعظم



ترجمه
مجموعه مختصری درباره انتقاد
استخراج از پیام‌های ارسالی به افراد احباء از طرف حضرت ولی امرالله

در چنین زمانی که دنیاً سیاست آشته است و در نتیجه فعالیت‌های جوامعی که تنها حقایقی ناقص در اختیار دارند اجتماع در حال احتضار به نظر می‌رسد، یاران‌الله باید متحده شوند و همچون اعضاء یک هیکل عمل کنند. هرچه وحدتشان افزایش یابد پیروزی آنان مطمئن‌تر خواهد بود، و این وحدت حاصل نشود مگر به اطاعت از محافل روحانی. درست است که محافل روحانی به بلوغ لازم نرسیده‌اند و گاه ممکن است با بی‌حکمتی اقدام کنند. ولی حمایت از آنها بیشتر به تقدّم آن مؤسسات در جهت نظام اداری که واقعاً معرف نوایای این امر است کمک خواهد کرد، تا انتقاد از آنها و نادیده گرفتن ارشاداتشان. حضرت بها‌الله نه تنها اصول معینی را اعلام نموده‌اند بلکه نظامی را نیز ابداع فرمودند که وسیله تأسیس و ابقاء آن کمال مطلوب است. هر دوی این عوامل برای تحقیق وحدت جهانی ضرورت دارند." (۲۷ فبروری ۱۹۳۳) ترجمه

"بهانیان کاملاً مجازند انتقاد‌های خود را به محافل روحانی خود عرضه نمایند و آزادانه نظرات خود را در مورد خط‌مشی‌ها یا افراد اعضای هیأت‌های انتخابی به محفل محلی یا ملی ابراز دارند، ولی باید از صمیم قلب توصیه یا تصمیم محفل را بر طبق اصولی که برای این‌گونه موارد در نظمات بهائی وضع شده پذیرند." (۱۳ می ۱۹۴۵) ترجمه

"حضرت ولی امرالله... با علاقه‌ای خاص پیشنهاد‌های متعددی را که در جلسه اخیر محفل روحانی ملی تقدیم نموده‌اید ملاحظه فرمودند. ...
صداقت و روحیّة انتقاد مثبت و بی‌مجامله‌ای که در پیشنهاد‌های شما نهفته است یقیناً در اعضای محفل مؤثر واقع شده و آنان را به درک تازه و عمیقت‌تری از مسؤولیت‌های بی‌مانندی که در این زمان بر عهده دارند رسانده است." (۱۹ آگوست ۱۹۳۸) ترجمه

"پرسیده‌اید که آیا بهانیان حق دارند آشکارا انتقاد خود را از تصمیمات یا خط‌مشی محفل روحانی ابراز دارند. نه تنها حق، بلکه مسؤولیت حیاتی هر عضو وفا دار و هوشیار جامعه است که با صراحة و بتفصیل، و در عین حال با رعایت احترام لازم نسبت به مقام محفل روحانی، هرگونه پیشنهاد توصیه یا نظر انتقادی را که وجدان‌آ احساس می‌کند برای اصلاح برخی شرایط یا گرایش‌ها در جامعه محلی لازم می‌داند تقدیم محفل نماید و همچنین وظیفه محفل دقیق مبذول دارد. بهترین فرستی که برای این منظور در نظر گرفته شده اعضاء جامعه تقدیم شده توجه دقیق مبذول دارد. بهترین فرستی که برای این نیازهای اظهارنظرهایی که توسعه هریک از ضیافت نوزده روزه است، که علاوه بر جنبه‌های اجتماعی و روحانی آن، نیازها و مقتضیات متتنوع اداری جامعه را برآورده می‌کند. اهم آنها نیاز به مشورت و انتقاد صریح و سازنده درباره شرایط داخلی جامعه محلی است.

ولی بار دیگر تأکید می‌شود که باید از انتقاد‌ها و مباحثات منفی که منتج به بی‌اعتبارساختن محفل روحانی به عنوان یک مؤسسه بهائی می‌شود اکیداً دوری جست. زیرا در غیر این صورت نظم امرالله

به خطر خواهد افتاد، و آشتفتگی و اختلاف در جامعه حکمفرما خواهد شد." (۱۲ دیسمبر ۱۹۳۹) ترجمه

"حضرت ولی امرالله معتقدند که قسمت عمده دشواری هائی که احبابی جامعه ... حس می کنند بدان مبتلا هستند از آنجا سرچشمه می گیرد که نظم اداری را نه درست فهمیده اند و نه بدرستی آن را بکار می بندند. بسیاری از آنان به نظر می رسد آماده اند همواره از تصمیمات محفل روحانی خود انتقاد کنند و به آن تصمیمات احترام نگذارند. اگر بهایان به اساس مؤسسه ای که، به رغم نارسانی خود، می کوشند فعالیّت های بهائی را هم آهنگ نمایند و به تنظیم امور امری پردازند لطمه وارد آورند؛ اگر دائمآ از اقدامات آنان انتقاد کنند و به تصمیمات آنان اعتراض نمایند و آن را بی ارزش جلوه دهند، نه تنها مانع پیشرفت واقعی و سریع امرالله خواهند شد بلکه کسانی را که در خارج جامعه قرار دارند از خود خواهند راند. اینان به حق خواهند پرسید که ما چگونه انتظار داریم جهانیان را متّحد سازیم وقتی که در میان خودمان از وحدت حقیقی محرومیم.

"تنها یک راه حل وجود دارد و آن اینکه نظم اداری بهائی را بیاموزیم، از محافل روحانی اطاعت کنیم و هر فرد در تکامل شخصیّت و خلق و خوی خود به عنوان یک فرد بهائی مجاهدت نماید. هرگز نمی توانیم همان گونه بر دیگران اثر داشته باشیم که بر خود داریم. اگر ما خود بهتر باشیم، اگر در قبال نقاط ضعف دیگران محبت، برباری و تفاهم نشان دهیم، اگر بکوشیم که هرگز انتقاد نکنیم بلکه تشویق کنیم، دیگران نیز چنین خواهند نمود و خواهیم توانست بوسیله سرمشق رفتار و نیروی روحانی خود به امرالله حقیقتا خدمت کنیم. همه جا وقتی که برای نخستین بار نظم اداری تأسیس می شود احباب، در می یابند که تطبیق دادن خود با آن نظام بسیار دشوار است. یاران باید بیاموزند که به خاطر حفظ وحدت جامعه از محفل روحانی اطاعت کنند، حتی اگر محفل اشتباه کند. یاران باید شخصیّت های خودشان را تا حد معینی فدا کنند تا حیات جامعه بطور کلی رشد و نوا نماید. این امور مشکل است ولی باید بدانیم که چون امرالله بر طبق نظم اداری بهائی مستقر شود ما را به راه زندگی بسی بزرگتر و کامل تر رهنمون خواهد شد." (۲۶ اکتبر ۱۹۴۳) ترجمه

"انتقاد بد خواهانه به راستی بلاستی است. ولی ریشه آن عدم ایمان به نظم حضرت بها اهله یعنی نظم اداری بهائی و عدم اطاعت از حضرتش است که آن را تحریم فرموده اند. اگر بهایان از احکام بهائی درباره ابداء رأی، انتخابات، قیام به خدمت و اطاعت از قرارهای محفل روحانی پیروی کنند، این همه نیروی که در راه انتقاد از دیگران تلف می شود می توانند در مجرای همکاری و حصول به اهداف نقشه به کار افتد."

۱۸ دیسمبر ۱۹۴۹) ترجمه



ترجمه پیام ۲۲ آگوست بیت العدل اعظم که با وسائط الکترونی به عموم محافل روحانی ملی مخابره شده است

یاران عزیز الهی :

با تقدیم سپاس بی پایان به آستان جمال اقدس ابھی خبر واقعه ای تاریخی را که اخیراً در برزیل رویداده است به اطلاع عالم بھائی می رسانیم : ایادی امرالله امة البھاء روحیه خانم به عنوان نماینده مرکز جهانی بھائی در اجلاسیه مخصوص مجلس نمایندگان دولت فدرال برزیل که به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد نفوذ امر بھائی در کشور مزبور تشکیل شده بود حضور یافتند . در این اجلاسیه حیات و اقدامات حضرت امة البھاء به عنوان مدافع صلح و اتحاد جهانی و حامی منافع بومیان و مروج توسعه و عمران اجتماعی برای مردم جهان بالاخره حفاظت محیط زیست بنحوی شایان مورد ستایش قرار گرفت .

در این اجلاسیه نود نفر از نمایندگان مجلس حضور داشتند و گزارش آن توسط جراید و رادیوها و تلویزیون ها منتشر گردید . سخنان چهارده نفر از نمایندگان که در این جلسه صحبت کردند متنضمن ستایش از اصول امر بھائی و قدرشناسی از تأثیرات مفیدی بود که از به کار بستن اصول مزبور در بسیاری از نقاط برزیل حاصل شده است . همچنین تجلیلی که از لننرا هولسپل آرمسترانگ Leonora Halsapple Armstrong مهاجر بھائی که در اثر مساعی و فداکاریهایش امر حضرت بھاء الله در برزیل استقرار یافته است به عمل آمد مایه خشنودی فراوان است .

وقتی به دعوت یکی از نمایندگان که رئیس مجلس از وی خواسته بود جلسه را با تلاوت مناجات بھائی در باره وحدت بشر پایان دهد کلیة نمایندگان و حاضران در جلسه به پا خاستند و در تمام مدتی که کلمات حضرت بھاء الله تلاوت می شد به نشانه احترام و با مراعات سکوت کامل ایستادند احبابی که در این اجلاسیه حضور داشتند شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند .

روز بعد حضرت امة البھاء ملاقات بسیار دوستانه ای با رئیس جمهور برزیل ، پرزیدنت فرناندو هنریکه کاردوسو Fernando Henrique Cardoso داشتند .

این تصدیق و ستایش تاریخی از نیروی تقلیب کننده امر بھائی که با چنان احترامات فائقه توسط مقامات دولتی یکی از ملل بزرگ جهان ابراز گردید حاکی از لیاقت و استعداد احبابی برزیل و نیز افزایش پذیرش جهانی پیام امر بھائی است .

با تحيات ابدع ابھی ، بیت العدل اعظم

ترجمة پیام مورخ ۲۲ جولای ۱۹۹۶

دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین المللی بهائی خطاب به عموم محافل روحانی ملی

یاران عزیز الهی :

با کمال خوشوقتی تأسیس برنامه مخصوص جامعه جهانی بهائی را در شبکه مخابرات الکترونیکی جهانی World Wide Web site به نام "The Baha'i World" اعلام میداریم. برنامه مذکور حاکی از حضور رسی امر بهائی در شبکه مخابرات جهانی است. از این راه مجموعه کاملی از اطلاعات موثق در باره امر بهائی بصورتی جالب و مصور در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد. بخش‌های اصلی این برنامه شامل مطالب ذیل است : مقدمه مسروچ در باره طلعت مقدسه و مؤسسات بهائی ، نظر اجمالی به اصول اعتقادات و شعائر بهائی ، مقالاتی برای ارائه جنبه های کوتاگون حیات جامعه بهائی و دیدگاه افراد احباء و مجموعه بیانیه ها و نشریات جامعه جهانی بهائی که نظر امر بهائی را در باره پیشرفت و بهبود جامعه بشری بیان می نماید . برنامه مذکور متدرجاً گسترش خواهد یافت و در آینده بخش‌هایی در باره فعالیتهای بهائیان در ارتباط با طرحهای عمران اقتصادی ، اجتماعی و دیدگاه دیانت بهائی در ارتباط با جریانات جهانی معاصر و نهضت ها و تحولات اجتماعی اضافه خواهد شد . مجموعه ای از شماره های نشریه وطن واحد (One Country) برای درج در این برنامه در دست تهیه است ، بعلاوه مطالعه در باره تهیه بخشی مخصوص کودکان نیز آغاز شده است .

تأسیس برنامه مخصوص جامعه بهائی در شبکه مخابرات الکترونیکی بدون شک ابزاری مهم برای پیشرفت امر تبلیغ و روابط عمومی جوامع بهائی در سراسر جهان خواهد بود . گذشته از ازدیاد تصاعدی در میزان استفاده از این شبکه بوسیله مردم عادی ، افراد برجسته و صاحب نفوذ در میان ارباب جرائد و سایر رسانه های گروهی ، دانشگاهیان و مسئولان سازمانهای دولتی و غیر دولتی بنحوی روز افزون از شبکه مذکور بعنوان منبع اطلاع استفاده می نمایند .

هدف این است که برنامه مخصوص جامعه بهائی به زبان های مختلف ارائه شود و مقدمه به زبانهای انگلیسی : فرانسه و اسپانیولی آغاز گردد . در حال حاضر قسمت اعظم بخش های آن به زبان انگلیسی است ، باستانی بعضی مطالب مختصر در معرفی امر بهائی که به زبانهای فرانسه و اسپانیولی ارائه شده است . بتدریج قسمتهای دیگر این برنامه هم به فرانسه و اسپانیولی ترجمه شده و به زبانهای دیگر اضافه خواهد شد .

نشانی این برنامه چنین است : <http://www.bahai.org> و مقرر است از تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۹۶ شروع به کار کند . نمونه مقدماتی این برنامه از چند ماه قبل در دسترس عموم قرار داشته است . برای استفاده از آن برنامه **Netscape, Version 2.0** و یا نشانی بالا توصیه می شود . ولکن با برنامه های دیگر هم می توان نوع ساده تر از آن را ملاحظه نمود . از دریافت نظرات فنی افرادی که این برنامه را ملاحظه می نمایند استقبال می شود . دفتر اطلاعات عمومی مرکز جهانی از محافل روحانی ملی دعوت می نماید پیشنهادهای خود را در باره مطالبی که ممکن است به این برنامه افزوید گردد ارسال نمایند .

طبق اطلاع بعضی از محافل ملی برنامه های مخصوص به خود در شبکه جهانی مخابراتی تأسیس نموده اند و برخی دیگر هم دست در کار تأسیس برنامه های مشابهی هستند . این دفتر چنین ابتکاراتی را استقبال می کند و آنها را مکمل اقدامات خود میداند . هدف این است که ارتباط مستقیم بین برنامه جامعه جهانی بهائی (The Bahai World) و برنامه هایی که بوسیله محافل روحانی ملی تهیه یا تصویب می شود برقرار شود ، و توصیه می شود که از عنوان جامعه جهانی بهائی (Bahai International Community) برای مرتبط ساختن برنامه های جوامع ملی با این برنامه استفاده شود . راهنمای لازم برای انجام این منظور در قسمت " About " برنامه " The Bahai World " ارائه گردیده است . محافلی که می خواهند برنامه مخصوصی در شبکه جهانی مخابراتی تأسیس نمایند بهتر است بجای نقل مطالبی که در برنامه جامعه بین المللی بهائی درج شده اطلاعاتی در باره تاریخ و فعالیت ها و اهداف جامعه خود ارائه نمایند . ایجاد شبکه ای از برنامه های مخصوص جوامع ملی ، کار پاسخ گفتن به افرادی را که میل دارند اطلاعات بیشتری در باره امر بهائی بدست آورند آسان می نماید .

با پیشرفت های بی سابقه ای که در زمینه ارتباطات و تکنولوژی کامپیوتر پدید آمده و جریان اتحاد جهانی را تسريع می نماید ، فرصت های جدیدی برای جامعه بهائی بوجود خواهد آمد تا حکمت های بالغه ای را که در تعالیم حضرت بهاء الله مکنون است انتشار دهد ، چه بسا که مشروع حاضر اولین مورد از آن فرصت های جدید است .

با تقدیم تحيات ابدع ابهی
دفتر اطلاعات عمومی مرکز جهانی بهائی



آخرین سالهای قرن انوار

گروه بنده رئوس مطالب

پیام عمومی بیت العدل اعظم

رمضان ۱۵۲

تهیه کننده : ایرج ایمن ، شیکاگو - می ۱۹۹۶

موققیتهاي عمدۀ نقشه سه ساله

- ۱ - پیشرفت مشروعات جبل کرمل .
 - ۲ - افزایش مساعی تبلیغی و مهاجرتی .
 - ۳ - اقدامات دارالتبلیغ بین المللی .
 - ۴ - ازدیاد محسوس در میزان قبول مسنولیت احبابی بومی برای خدمات تبلیغی و تزیید معلومات امری.
 - ۵ - ابراز شجاعت ، خلاقیت و توانمندی جوامع بهائی جزایر .
 - ۶ - مساعی و اقدامات جوانان بهائی .
 - ۷ - افزایش مشارکت در خدمات توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی به ویژه در تعلیم و تربیت و سوادآموزی .
 - ۸ - پیشرفت کوشش برای اعتلاء مقام زن .
 - ۹ - ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی .
 - ۱۰ - توسعه روابط خارجی و معرفی امر در رسانه های گروهی .
 - ۱۱ - توجه مقامات عالی رتبه مملکتی به استفاده از همکاری مؤسسات امری .
 - ۱۲ - شرکت بارز احباء در کنفرانسهای بین المللی .
 - ۱۳ - طبع و نشر کتاب مستطاب اقدس به زبان اصلی عربی .
 - ۱۴ - ترویج و تفہیم حکم حقوق الله .
 - ۱۵ - سکونت ایادي امرالله در ارض اقدس .
- ۳- اقدامات دارالتبلیغ بین المللی :
- ۱ - هدایت و تشویق مستمر هیئت‌های مشاورین قاره ای ۲- اتخاذ روش‌های جدید برای اعزام مهاجرین .
 - ۲ - نظارت و مساعدت منظم در امور لجنات قاره ای مهاجرت ۴- بذل توجه مستمر به نیازمندی‌های تربیتی جامعه بهائی . ۵- گنجانیدن برنامه های تزیید معارف امری برای مصدقین جدید در طرحهای تبلیغی .
 - ۶ - طرح دوره های آموزشی برای تعلیم و پرورش استعدادهای گوناگون . ۷ - تربیت مریان برای نونهالان .
 - ۸ - ازدیاد کلاسهای درس اخلاق برای نونهالان . ۹- تشویق و ترغیب برای تأسیس مؤسسات آموزشی .
 - ۱۰ - انتخاب و تنظیم و ترجمه و طبع مجموعه ای از آثار امری به عنوان کتب مقدماتی در فراگرفتن معارف

بهانی با کمک مشاورین در مناطق مختلف . - تشکیل کنفرانس بین المللی مشاورین در دسامبر ۱۹۹۵

۵ - پیشرفت جامعه های بهانی در جزایر عالم :

ظهور و بروز شجاعت و خلاقیت و توانمندی جوامع بهانی در جزایر عالم .

۱ - قیام مبلغین محلی . ۲ - تعلیم و اعزام تعداد زیادی مبلغ سیار به جزایر مجاور . ۳ - تأسیس و افتتاح مدارس ابتدائی . ۴ - ایجاد فرصتهای مناسب برای اعلان امرالله . ۵ - ترتیب دادن برنامه هایی که در آن مقامات عالیرتبه حضور داشتند . ۶ - اقداماتی که منجر به دیدار رهبران بعضی از این جزایر از مرکز جهانی بهانی گردید .

۶ - اقدامات جوانان :

۱ - برگزاری کنفرانسهای جوانان . ۲ - سفرهای تبلیغی در داخل و خارج کشور . ۳ - اقدامات دسته جمعی تبلیغی . ۴ - تأسیس تعدادی محافل روحانی . ۵ - بکار گرفتن موسیقی و سایر هنرها برای اعلان امرالله . ۶ - رواج دادن کارگاههای جوانان (Youth Workshops) ۷ - مشارکت در روابط خارجی ۸ - ازدیاد تعداد تعهدات یک سال خدمت ۹ - افزایش تعداد جوانانی که برای اخذ درجات علمی و تخصصی اقدام می نمایند . ۱۰ - ازدیاد ابراز توجه همزان به خدمات امری و اقدامات مربوط به توسعه و پیشرفت اجتماعی .

نتیجه کلی نقشه سه ساله :

نقشه سه ساله سبب گردید که جامعه جهانی بهانی :

۱ - بیش از پیش انسجام یابد . ۲ - نیرومندی و بلوغ و اطمینان حاصل کند . ۳ - حیثیت و اعتباری به مراتب افزوتراز قبل بدست آورد . ۴ - برای استفاده از فرصتهای موجود آمده شود .

علام پیشرفت در سه سال گذشته که نشانه ایجاد قابلیتهای جدید در جامعه است .

- ۱ - کوشش‌های بارز برای توسعه و تحکیم جامعه بهانی .
- ۲ - افزایش اقدامات در زمینه خدمات اجتماعی و اقتصادی .
- ۳ - اقدامات بی سابقه در زمینه روابط خارجی .

چهارسال آینده :

- * دوره ای است استثنایی در تاریخ امر . * نقطه عطفی است که اهمیت و عظمت یک دوره یا عهد را دارد .
- * بحبوحه ایست از اوضاع پر تلاطم . * دوره تحول و تغییر در جهان است .
- * آخرین سالهای (عصر پرحداده ایست) که حضرت عبدالبهاء آن را (قرن انوار) نامیده اند .

نقشه چهار ساله :

((این نقشه در طرح کلی بهانی در تاریخ جهان جایگاه خاصی خواهد یافت)) .

مقاصد و اهداف نقشه چهار ساله :

مقصد اعلیٰ :

۱ - پیشرفت مهم در جریان دخول افواج مقبلین به امر الله .

سایر اهداف :

۲ - تضمین میراث روحانی غنی و پایداری برای نسلهایی که در قرن ۲۱ زندگانی خواهند کرد.

۳ - آماده ساختن جامعه بهانی برای مقابله با تغییراتی که در دنیا می روی می دهد :

* مقاومت در برابر امتحانات و اضطرابات * ارائه جامعه بهانی عنوان نمونه عملی برای اقتباس جامعه بشری.

پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین :

وضع موجود :

* شرایط کنونی ایجاب میکند و فرصتهای موجود اجازه می دهد که جامعه جهانی بهانی پیشرفت و توسعه ای عظیم و مستمر حاصل کند . * چنین پیشرفتی در قبال اوضاع کنونی جهان ضروری است .

* این پیشرفت آغاز شده است و جوامع محلی و ملی در مراحل مختلف این جریان قرار دارند .

عوامل اجرائی :

" در تأسیس نظم حضرت بهاء الله سه عامل یعنی :

« افراد و مؤسسات و جامعه می توانند چنین پیشرفتی را عملی سازند » :

۱ - « از نظر روحانی و عقلانی امکان چنین اقدامی را بپذیرند ». ۲ - برای تبلیغ گروههای مقبلین جدید سعی و کوشش نمایند . ۳ - برای آموزش و پرورش روحانی و اداری مقبلین جدید وسائل لازم را مهیا نمایند و بدین ترتیب : ۴ - تعداد مبلغین و مدیران مطلع و فعال را برای مشارکت در خدمات امری چندین برابر کنند.

نتیجه این اقدامات :

تضمين

* دخول صفوں مقبلین جدید در ظل امر الله * تکامل و بلوغ بلاقطع محافل روحانی .

* استحکام مستمر جامعه .

تقاضا و انتظار از همه عوامل سه گانه :

* رفع نیازمندیهای این دوران بحرانی در حیات جامعه بهانی . * استمرار جریان دخول افواج

مقبلین . * افزایش توسعه و تحکیم هر جامعه مناسب با امکانات موجود .

جامعه بهائی :

- * پیشرفت جامعه سبب احراز هویت و مشخصات مستقلی برای آن می شود . * هویت و مشخصات جامعه از هویت و مشخصات افراد و مؤسستات جداست . * جامعه ، مفهومی فراتر از مجموع اعضای آن دارد .
- * جامعه واحد جامعی است از تمدن که مرکب است از : افراد ، خانواده ها و مؤسستات .
- * همکاری این عوامل نظامها و سازمانهای را بوجود می آورد که هدفشاں رفاه عمومی در داخل و خارج جامعه امر است . * افراد با همیگر متفاوتند ولی در جامعه در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و برای پیشرفت و رفاه ، وحدت لازم را بین خود ایجاد میکنند . * بهانیان در همه نقاط در مراحل اولیه بوجود آوردن جامعه بهائی هستند .

مشارکت عمومی :

- * همکاری هماهنگ همه افراد جامعه (بزرگسالان ، جوانان و کودکان) در فعالیتهای روحانی ، اجتماعی و تربیتی ضروری است . * همه افراد جامعه باید در نقشه های محلی و ملی تبلیغ و توسعه شرکت کنند .
- * عوامل لازم برای ادامه حیات محفل روحانی :
 - ١ - عزم و اراده همگانی ٢ - احساس هدف و مقصد مشترک ٢ - توصل به حق و دعا و مناجات گروهی (تشکیل مرتب جلسات دعا و مناجات) ٤ - تحول مهم در نحوه رفتار بطوریکه نمایانگر فضائل اعضای جامعه بهائی باشد .

מוסسات امری :

- * بین بلوغ محافل روحانی ملی و محلی و دخول افواج مقبلین تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد .
- * از آنجا که جامعه بهائی اکنون در جریان تاریخی قابل توجهی قرار گرفته است و وارد مرحله بسیار مهمی می گردد احباء و اعضای محافل روحانی باید طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند :
 - به قدرت نظم حضرت بهاء الله برای ایجاد تمدنی جدید ایمان داشته باشند .
 - بدانند که رسیدن به چنین هدفی نیازمند توسعه عظیم و مداوم جامعه است .
 - قبول کنند که توسعه جامعه است که میدان عمل لازم را برای بلوغ موسسات امری بوجود میآورد .

محافل روحانی باید چنان برای اجرای مستولیتهای خود قیام کنند که :

- مباری هدایت الهی - طراحان نقشه های تبلیغی - عاملان توسعه نیروی انسانی - سازندگان
- جامعه ها - شباثان مهریان عموم مردم شوند و به سطح بالاتری از وضع کنونی نائل آیند .

راه وصول به این منظور :

- ١ - مشاوره طبق اصول امری ٢ - مشورت با یاران حوزه خود ٢ - پرورش روحیه خدمت .
- ٤ - همکاری با مشاورین و معاونین با طیب خاطر . ٥ - توسعه روابط خارجی

محفل روحانی مسئول ایجاد وحدت و تحرک و رشد جامعه است .

میزان بلوغ محفل روحانی :

- ۱ - تشکیل مرتب جلسات و انجام دادن امور جاریه
- ۲ - افزایش و رشد تعداد اعضای جامعه
- ۳ - مفید و مؤثر بودن روابط متقابل بین محفل و اعضای جامعه
- ۴ - کیفیت ممتاز حیات اجتماعی و روحانی جامعه
- ۵ - نشاط و تحرک عمومی جامعه پیوسته در حال رشد و توسعه

اقدامات جدید :

- * تأسیس مؤسسات آموزشی معارف امری
- * استفاده از هنرها برای تبلیغ و تحکیم امرالله

افراد :

* اهمیت بی نظیر نقش و وظیفه فرد در مؤسسات امری . * افراد بهانی روح ایمان را در جامعه زنده و نباش نگاه می دارند . * احکام حضرت بهاء الله هر فرد بهانی را موظف به تبلیغ امرالله می سازد . * اجرای این حکم فردی قابل تفویض به مؤسسات تشکیلاتی نیست . * مؤسسات امری نبی توانند خود این وظیفه افراد را به عهده گیرند . * از افراد بهانی تقاضا شده است که منابع مالی و استعدادهای شخصی و اوقات خود را برای ایجاد مؤسسات آموزشی معارف امری مبذول دارند . * فرد بهانی برای تبلیغ امرالله می تواند از این امکانات استفاده کند

- ابتکارات شخصی - روابط دوستانه - جلب همکاری دیگران در انجام خدمات امری - اجرای

تصمیمات تشکیلات - توسل به جمیع وسائل موجود - توکیل :

- تأمین مخارج مبلغان امرالله

- تأمین مخارج مدرسان مؤسسات آموزش امری

- تقديم تبرعات اختصاصی برای امر تبلیغ به صندوقهای امری

* فرد بهانی برای تحول روحانی خویش و موفقیت یافتن در اجرای وظائف روحانی باید از این امکانات حد

اکثر استفاده را بنماید :

- عشق به حضرت بهاء الله - ایمان به قوه عهد و میثاق - نیروی محركه دعا و مناجات

- اخذ یا استنباط الهامات و تعلیمات از نصوص مبارکه - نیروی تقلیب کننده رفتار و عمل بهانی

* بنابر وعده صریح حضرت بهاء الله هر فرد بهانی این امکان و استعداد را دارد که جادب تائیدات الهیه

باشد.

احبای آمریکای شمالی :

* باید بکوشند تا شایسته احراز مقام والای حواریون حضرت بهاء الله گردند .

* ثبوت بر عهد و میثاق از شرایط ضروری موقیت در احراز این شایستگی خواهد بود .

(توصیه حضرت عبدالبهاء در فرامین تبلیغی)

- * برای ایجاد جنبشی شدید در تبلیغ امرالله موقعیت بی نظری دارند که مورد غبطة سایر یاران است :
 - ۱ - آگاهی عمومی از امر بهائی .
 - ۲ - احترام و اذعان عمومی به جامعیت و عمومیت و آزاد منشی امر بهائی .
 - ۳ - توانایی بی نظر جوامع محلی مخصوصاً محافل روحانی محلی و نیز فدایکاری جوانان .
 - ۴ - جلوه مثبت امر بهائی در نظر پیشوایان افکار و نفوس ذی نفوذ .
 - ۵ - تجمع ملل مختلف اعم از مهاجران ، دانشجویان و پناهندگان از همه مناطق جهان و از همه نژادها و ادیان اصلی جامعه انسانی .

حال باید :

- * از هر شک و تزلزل و تردیدی که در گذشته مانع بوده خلاصی یابند . * از نو خود را وقف خدمات امری کنند . * اقدامات آنان شامل همه طبقات جامعه گردد . * در همه جا نفوس مستعد را پیدا کنند . * جامعه ای بوجود آورند که مثال زنده مفاهیم وحدت درکثرت را به جهانیان ارائه دهند .
- * تأثیر و نفوذ مساعی آنان به خارج از محیط آمریکای شمالی توسعه یابد .
- * از سوق و کشش به تفرقه و کشمکش که در محیط خارج از امر دیده می شود پرهیز کنند .

احبای ایرانی تبار در آمریکای شمالی :

- * احبای ایرانی تبار منابع پرارزشی از تجارب و قابلیتها هستند .
- * همه این احباء باید در ظل هدایت مؤسسات امری در آمریکای شمالی برای تحقق اهداف نقشه چهارساله بیش از پیش خود را وقف خدمات امری نمایند .
- * بین یاران شرق و غرب باید وحدت افکار و اقدامات وجود داشته باشد تا :
 - نمونه بارزی از قدرت جمال ابھی در رفع موانع سنتی و منشاء نیرومندی برای جلب توجه به امر الهی گردند .
- * مانند همه احبای دیگر باید تا آنجا که می توانند از روابط خانوادگی و قومی خود در سایر مناطق جهان استفاده کنند تا مأموریت جهانی که به مخاطبان الواح نقشه تبلیغی تفویض شده تحقق یابد .

بروز امتحانات روحانی :

- * لزوم بروز سختیها و ظهور قوای مکنونه در بحرانها و پیروزیها . * دلاوری و پایداری احبای ایران سبب خروج امر الهی از مرحله مجهولیت گردید . * این دلاوری و پایداری ، نمونه و سرمشقی است برای بهانیان سراسر عالم .

مخالفت با امر :

- در همه قارات عالم پیش خواهد آمد . - در هر نقطه به صورتی خاص جلوه خواهد کرد اما بدون تردید

شدید خواهد بود . - در اثر استقامت یاران و تائیدات الهی ، سبب شهرت و پیشرفت امر می گردد .

پیروزی نهانی امر بهانی قطعی است

اهداف مرکز جهانی در نقشه چهار ساله :

۱ - ادامه ساختمان مشروعات جبل کرمل . ۲ - تعیین احکام کتاب مستطاب اقدس . ۳ - انتشار مجموعه جدیدی از ترجمه انگلیسی آثار قلم اعلی . ۴ - توسعه وظائف دارالتبليغ بین المللی . ۵ - توسعه وظائف مشاورین و اعضای هیئت‌های معاونت .

در پایان نقشه :

اتمام مشروعات جبل کرمل . ترتیب یافتن اجتماع عمدہ ای در مرکز جهانی .

مشروعات کوه کرمل :

اهداف تکمیل شده نقشه سه ساله :

ساخته شدن اسکلت دو ساختمان :

* بنای ضمیمه دارالاکار بین المللی * مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص * شروع ساختمان مقر دارالتبليغ بین المللی . * ساختمان هفت طبقه تحتانی مقام اعلی * شروع ساختمان سایر طبقات * جمع آوری ۷۴ میلیون دلار تبرعات .

اهداف نقشه چهار ساله :

* اتمام ساختمان بنای ضمیمه دارالاکار * اتمام ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص * ساختمان معبر بالای مقام ، پل مشجر * اتمام ساختمان پنج طبقه فوقانی مقام اعلی . * مراحل نهانی ساختمان ۴ طبقه باقیمانده از طبقات فوقانی مقام اعلی . * مراحل نهانی ساختمان دو طبقه باقیمانده از طبقات تحتانی مقام اعلی .

اقدامات بین المللی :

* توسعه خدمات عمران اجتماعی و اقتصادی * توسعه روابط خارجی
ترویج حقوق بشر مقام زن رفاه جهانی تربیت اخلاقی

دو جریان همزمان دو :

۱ - جریان وحدت بخش

۲ - جریان تجزیه کننده

* این دو جریان که در اثر ظهور حضرت بهاء الله آغاز گردیده به شدت ادامه دارد و پیوسته بر شتابش افزوده می گردد .

* این دو جریان "جوش و خروشی جهانی" ایجاد می کنند که سبب ظهور مراحل تدریجی صلح جهانی و ایجاد آکاهی وجودی مردم به شهروندی جهانی می گردد .

این تحولات دو حالت متضاد در بر دارد :

۱ - ترس و وحشت در اثر افزایش بی نظمی و اختشاش .

۲ - اطمینان و آرامش در اثر تکرار تجمع سران دول برای حل مشکلات جهانی .

در نتیجه توجه عموم نسبت به لزوم تأسیس نوعی حکومت جهانی جلب می گردد .

صلح اصغر :

اگرچه که تأسیس صلح اصغر موکول و منوط به هیچ نقشه امری یا اقدام احباء نیست و صلح مزبور هدف غائی که مقدار است در عصر ذهبی نصیب جامعه انسانی گردد به شمار نمی رود ولی جامعه بهانی این مسئولیت را بر عهده دارد که به حمایت روحانی از گرایش‌های صلح جویانه پردازد .

آنچه در این هنگام مورد نیاز است :

* سعی و کوشش در ایجاد نظام بهانی (سیستم بهانی) به نحوی که :

جالب و جاذب تأییدات حضرت بهاء الله گردد و فضانی روحانی به وجود آورده که سبب تسريع گرایش‌های صلح جویانه شود .

* توجه قلوب و افکار به وظائفی که بر عهده داریم زیرا در بحبوحة این اضطرابات فرصت‌های فراوانی برای تبلیغ امرالله و دخول افواج مقبلین پیش می آید .

« افرادی از اهل بهاء که آینده را چنان که امر بهائی مجسم می سازد درک می کنند این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش‌هایی که هدف‌شان به حرکت درآوردن و پیش بردن جریانات مزبور است شرکت نمایند »..

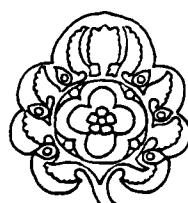
دو اقدام مهمی که در پیش داریم :

۱ - شروع مجاهدتی تبلیغی به نحوی که همه افراد جامعه هر یک شخصاً با شور و شوق و به طور منظم در آن شرکت‌جویند و شامل اجرای برنامه وسیع آموزشی باشد که آمده‌ساختن نیروی انسانی عظیمی را تضمین نماید .

۲ - تکمیل مشاريع ساختمانی جبل کرمل که برای تأمین مصارف آن نباید از هیچ گونه فدایکاری در اهداء سخاوتمندانه از تبرعات درین ورزید .

این اهداف توأمان هرگاه با عزمی جزم دنبال شود سبب آزاد شدن قوای محصوری

خواهد شد که موجب تغییر جهت امور جامعه بشری در سراسر کره ارض می گردد .



THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Department of the Secretariat

۱۹۹۶ می ۱۵۳ شهرالجمال

هیئت مجللۀ تحریریة مجلۀ عندلیب دامت تائیداتها

اخیراً پروفسور Joshua Lederberg استاد دانشگاه راکفلر و رئیس آکادمی علوم نیویورک و برنده جایزه نوبل در پزشکی یکی از اطباء بهائی ایران را به آکادمی علوم نیویورک دعوت نموده‌اند.

این طبیب محترم درجواب باین دعوت رساله‌ای مرقوم فرموده‌اند که حسب‌الامر معهد اعلی سوادی از آن بضمیمه ارسال می‌گردد که عندالاقتضای خلاصه آن و یا تمام مقاله در دو شماره متولی آن مجله شریفه بطبع رسد. امید است اثرات روحانیه و معنویه این رساله که از ایمان و ایقان و عشق احبابی ثابت قدم مهد امرالله حکایت می‌کند بر خوانندگان مفید افتد.

با تقدیم تحيّات
از طرف دارالإنشاء بيت العدل اعظم
مشهود

آن دانشمند عالیقدر به همکاران محقق و آزاد منش خیرخواه ابناء بشر ابراز می‌دارم . از اینکه مرا به آکادمی علوم نیویورک دعوت نموده اید و نام را در لیست دانشمندان جهان ثبت می‌نمایید قلب سپاسگزارم . ارانه این رساله عرضه رویا و یا انشاء در قالب الفاظ نیست بلکه ارانه دهنده حقایقی است از تیجه تجربیاتی در طول سالیان دراز پرمشقت مرضیه‌های در موطن آئین خویش که منور بنور تعالیم مقدسه حضرت بهاء الله مؤسس دیانت بهائی گردیده اند و از قدرت درونی و معنوی خویش در مبارزه با درد و رنج مایه گرفته و تیجه درمان پزشکی که خود بر اساس و

عالیجناب پروفسور Joshua Lederberg (استاد دانشگاه راکفلر) برنده جایزه نوبل پزشکی ریاست محترم آکادمی علوم نیویورک ملاحظه فرمایند :

با درود و سپاس فراوان از دریافت نامه شما موقع را مفتتم شمرده از تنگی زندگی پرنشیب و فراز منزوی و منفصل از جمیع امکانات شغلی ، و محروم از ادامه تحقیقات پزشکی و امتیازات علمی و اجتماعی ، و محصور بجمیع مصائب و گرفتاریهای دنیای مادی ، سالیان دراز درموطن آئین خویش ندای قلب مشتاقم را توسط

تواند احساسات و اراده بشر را تغییر دهد . با پیشرفت تمدن فاصله بین این حقیقت و علم بیشتر و با پیشرفت علم دین که قوه هادی اجتماع است یکباره به فراموشی سپرده شده و شک و ابهام رو به گسترش است بدئی که مادیون دیانت را زانیده بیم و تیجه جهل و ضعف بشمار می آورند .

عقیده وایمان به خدا که در قدیم تیجه دینداری بود از زندگی انسانها محو می شود و عالم بشریت مورد حمله تمدن و تجدد و پیشرفت انحطاط اخلاقی قرار میگیرد تدریجا دانش و علم مرگ دینداری را باعث می کردد و در بسیاری موارد علم وسیله ای مناسب برای کسب مقام و مادیات قرار می کشد .

مادیون از طرفی مثلاً پدیده های غریزی را در بعضی حیوانات همان حالات و خواص انسانی می دانند و از طرف دیگر مغز را علت کافی عقل به شمار می آورند . در حالیکه مشهودات حسن بشر ناقص و امری نسبی می باشد چکونه می تواند قوه عقلی که خود محدود است نفوذ کلی در وجود انسان داشته باشد در این زمینه دلائل کافی علمی وجود دارد که محسوسات ما عکس العملی است که سیستم عصبی در مقابل تاثیرات خارجی تحويل می دهد .

این محسوسات امری نسبی است و حواس ما فقط قسمتی از واقعیات را به ما نشان می دهد . دلیل این امر متضاد و متناقض بودن مشهودات و نظریات دانشمندان است که در بسیاری از تجربیات پزشکی و روانشناسی گزارش گردیده است . (ساده ترین مثال اشتباهات و نارسانی های حسن شناختی و بینانی در تشخیص نور و صدا با طول موجهای مختلف می باشد) .

احکام دیانتش طبابت نموده تا چه حد می تواند برای دیگر همکاران مثمر ثمر باشد .

اثر محیط‌العقل نیروی عظیمی که از کلمه حق در وجود پزشک و مریض شعله ور گردیده و با رشد فضائل اخلاقی و کمالات معنوی و دیدگاه وسیع از حیات و سرانجام آن چکونه در معالجه امراض روحی و جسمی مؤثر بوده است .

نیرویی که مادیون را قابل درک نیست ، چرا که مادیون معالجه هر دردی را فقط بر مبنای پیشرفت علم و تجربه پزشکی و تکنولوژی قرار داده و نسی خواهند جز مفهوم و محسوس ، احساسات خود را قبول نمایند . روح و احساسات روحانی و وجودانیه نامرنی را در معالجه امراض پزشک و مریض هر دو نادیده می گیرند .

دلیل مادیون در معالجه امراض ، تیجه تجربیات و آزمایشهاست که از مشهودات و تجربیات علمی خود دریافته اند و تحولاتی که در موقع امراض در عناصر جسم انسان دست می دهد شرط کافی و لازم برای کلیه نشانه های امراض جسمانی و در بعضی موارد علل اصلی امراض روانی می دانند . خود ظهور فکر و عقل را مشروط به شرایط و معلول به علل قبلیه مانند وجود زمین ، نباتات و حیوانات می دانند و تجربه ای محدود را دلیل قضاوت کلی می دانند .

در طول تاریخ بشر حکمانی بوده اند که بینش عوالم روحانی را در قلب خود آرزو داشته اند و در معالجه امراض اثر نیروی روحانی را ذکر نموده اند ولی قدرت آن را نداشتند تا در تحقیقات و بررسیهای علمی خود راه و رسم استفاده از چنین نیروی را عرضه دارند که

خانمانسوز فردی و اجتماعی است که این تقلید بنویه خود در امر طبابت بنا به موقعیت شخصی و اجتماع آن بوضع اسفناکی و بمراتب زیان بار تر از دیگر شغلها سلسله مراتب خود را طی می نماید زیرا در این شغل کمیت درجه علمی دانش مهم نیست کیفیت به کار بردن علم پژوهشکی و تجربه ای که پژوهش آموخته است مهم می باشد .

سیستم عصبی انسان در ارتباط با اعمال غیر وجودی طوری هماهنگ می شود که از آکاهی ارادی بر خطاهای خود امتناع می ورزد و همین امر کم بصورت عادت و رسوم در هر ملتی می تواند به شکلی در شغل طبابت بصورت کامل به اجراء در آید و آنچه مهم است به فراموشی سپرده شود و هر چقدر هم پژوهشکی دانشمند و با تجربه باشد این عادت و روش که در حقیقت منافع شخصی و مادی او را در بر دارد برایش امری منطقی بحساب می آید که از وجود نا به هشیار به وجود انتقال داده می شود و در موارد این وجود نااکاه و احساس غلط شدیدا به دیگران القاء می کردد و این امر برای پژوهشکی که دارای انحطاط اخلاقی است خود مولد امراض روانی و اشتباها غیرقابل جبرانی در شغل طبابت ش می کردد . اینجا این سوال پیش می آید که آیا چنین پژوهشکی تا چه حد می تواند در معالجه مرضیهای خود و معلولین موفق باشد ؟

پژوهشکی که میتواند در اثر پیروی از تعالیم الهی و احکام و مبانی روحانی بصورت مثالی الهی در آید که با کلمه ای بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود کوه مشکلات مرضی را که از علم پژوهشکی اطلاعی ندارد و

در علم زیست شناسی از روی حدس و آمارگیری و میانگین اعداد نتیجه گیری می کردد که هنوز در مرحله قانون کیفی است و بمرحله قانون کمی نرسیده است نتیجتا در مواردی اصل داروین مورد سوال قرار گرفته است ! (۱)

تجربیات قسمت عمده خواص فیزیولوژیکی مغز و خواص پسیکولوژی نیز در مرحله قانون کیفی قرار دارد .

در فن طبابت میزان مطلق وجود ندارد مزاج و احساس هر مریض با مریض دیگر متفاوت است . تجویز یک داروی ثابت به دو مریض با مریض متشابه اثر مساوی ندارد در مریضی می تواند علاج کلی و در مریض دیگر بی اثر حتی مهلاک باشد ولی آنچه در هر دو مریض ثابت است و هرگونه علاجی را اثربخش می نماید نیروی درونی بیمار است نیروی جسمانی که خود از نیروی روحانی متأثر می کردد .

دانشمندان بارها اثر چنین نیروی را ذکر نموده اند اما نفوذ قوه عقلانی بشر محدود است و خود قادر به ایجاد چنین نیروی نمی باشد .

در طول تاریخ بشر بموازات ترقی علم پژوهشکی تحرك و الهام حیات روحانی و اخلاقی پژوهش نیز تجدید باید کردد . با رشد کمالات و تکامل روحانی شخصیتی را در او بوجود آورد که مولود جدید الهامی باشد که بر قلب و وجود احکام باشد و مانند ارکان استواری ساختمان پرشکوه و جلال علوم پیشرفته این شغل شریف را نگهداری نماید .

آنچه بشر ، امروز بطور کلی به آن مبتلا گردیده نداشتن روش و سلوك روحانی و پیروی از تقالید

مناجات مایه می گرفت به ظهور رسانیدند که این نفوذ نه ارتباطی به علم داشته نه به وسائل مادی و تکنولوژی عصر جدید متکی بوده به عبارت دیگر بهیچوجه نمی توان ارتباط این اثر حیات بخش را به برتری علمی و یا قدرت فکری عقلی مادی فردی و اجتماعی بحساب آورد.

مغز بشریت که با علوم پیشرفته خود به اسرار کهکشانها و تحقیق و تجسس در علوم پرداخته قلب بزرگ بشریت نیز که آکنده از ترس و وحشت مرض و مرگ ، نفرت ، حسد ، کینه ، آز و غور می باشد می تواند با نیروی نباش قدرت روحانی به طپش آید . در تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله که تنها راه نجات بشر از سقوط اخلاقی و وجودانی است به کشف اسرار عالم حقیقت و معنویات اخلاقی پردازد .

با ایقان به اعمال نیک که بزرگترین پاداش آن یک شخصیت اخلاقی و تقریب به خداست بجای شدیدترین مجازات اعمال زشت که انحطاط اخلاقی است قرار گیرد . بشری که در سرگردانی و نا امیدی سیر فهارانی زندگی مادی را می پیماید و نیرو و توان خود را در راه اعتیاد ، تعصّب ، قتل و غارت ، تجاوز به حقوق حقه همدیگر تثبیت می نماید عالم بشریت را به نیستی می کشاند و در مواجهه با امراض قدرت و استقامت خود را از دست داده و نارسانی سیستم دفاعی بدن او امراض وحشتناکی جدید را چون ایدز (۲) بوجود آورده و یا مثلاً به سرطان و دیگر امراض دچار نشده از وحشت و هم هیولای مرض و مرگ دچار انواع ناراحتیهای روانی و افسردگیهای روحی می گردد به آسایشگاههای مجهز با خرجهای سرسام آور و اتلاف

مرض خود را صد چندان مشکل و لاعلاج می بیند ، کاه بیند و به عوض باختن روحیه با نیروی روحانی و آکاهی از حقیقت مرگ خود را آماده مواجهه با مشکلات سخت تری نماید .

این نیرویی است که پزشک معالج را منبع الهام و واسطه و عامل مؤثری در نفس بیمار قرار می دهد و تا کنون در این باره کوششی به عمل نیامده تا اثرات تقویت روحانی پزشک را در معالجه امراض بتواند عملأ اثبات نماید .

درک این مسئله در دنیای غرب و متمدن که تأکید شدید بر شعور و ادراک بجای احساس و معنویت روحانی دارند مشکل است و حتی آن را به خرافه پرستی تعبیر می نمایند .

محققین پزشکی بجای اینکه علم و تجربه خود را جهت کشف اسرار طبیعت و روح به کار برند خود را اسیر طبیعت نموده اند .

معالجه بیماران در اکثر موقع متنکی به وسائل پیشرفته پزشکی بیمارستانی و پرخرجی است در حالیکه مریضهای مورد بحث ما از ساده ترین وسائل مادی و آسایش فکری محروم بوده اند . دیدیم با سخت ترین امراض و دشوارترین موقعیت اجتماعی و شدیدترین وضعیت مادی از هر طبقه اجتماع با جسمی دردمند و رنج دیده ، آواره و دریدر ، بی دوا و بی پناه ، هر دم با خبری تازه و وحشتناک از رنج و گرفتاری بستکان و دوستان خود همدم بوده اند .

در این موقع بود که قدرت غیر قابل تصویری را در نفوذ اسرار آمیزیکه بر جسم و روان بیماران اعمال می کرد و از تربیت روحانی و رزق الهی در اثر دعا و

دیگر ش بر امیال و آرزوی شخصی مادی پژوهش است توانسته است به تنها از عهده این امر حیاتی برآید . نیروی بالاتر از اینها لازم است که احساسات درونی بشر را به طور کلی دگرگون سازد و دانش علم پژوهشی را در کنترل ارزش‌های روحانی و اخلاق و فرهنگ معنوی قرار دهد تا بتواند وجود انسان در خدمت مرضیها به کار رود و الا این شغل وسیله‌ای بسیار آسان برای پیشرفت‌های مادی است که تحکیم وسائل مادی پژوهش بر اساس تخریب حیات انسان‌ها باعث می‌گردد .

بعارت دیگر فن طبابت وقتی کامل می‌گردد که پژوهش ترقیات روحانی یابد و قوه ملکوتی در او حکم‌فرما شود . همانگونه که از نظر عقل و علم مريض را درک می‌نماید از نظر عاطفه و احساس نیز با او هم بستگی داشته باشد و با اين رسالت عظيم انساني قلوب درهم شکسته از درد و رنج مرض‌ها را التیام بخشد احساس درونی بیمار را درک نماید و نور اميد حیات را در قلب بیماران فروزان نگهدارد و با تجربه و علم جدید آنها را مداوا نماید قلبا و عملا اثر محیر العقول احکام و تعالیم این ظهور جدید الهی را که از افق تاریک شرق طلوع نموده به عالم بشریت مژده دهد .

در این سالیان دراز پرمتشقت درد و مرض در مهد امر الله مريض‌هائی بودند که اگر چه امی بودند ولی با کمالات الهی خود در مقابل هر درد و مرض سختی تحکیم روح ایمانی و در نتیجه استقامت جسمانی غیر قابل وصفی را به اثبات رسانیدند همزمان با این وضع در شرائط کنونی اجتماع مادی عصر جدید زمینه رشد

وقت زیاد و صدمه به نیروی انسانی و مادی اجتماع تحت درمان با داروهایی با عوارض جانبی بی شمار قرار می‌گیرد و بالاخره با مرض جسمانی مضاعف دچار می‌شود و تازه وارد مرحله جدیدی جهت معالجه امراض جسمانی قرار می‌گیرد که خود دیگر بار ناراحتی‌های روانی را به بار می‌آورد و این سیکل معیوب (۲) سلسله مراتب مختلف خود را بنا به مقتضیات جامعه ، خانواده و زمینه اخلاقی ، شخصی بنحوی گسترش می‌دهد . (۴)

برای رفع معلول علت اصلی را باید در مريض مرتفع نمود و روش و تربیت کلی را تغییر داد . اگرچه علم پژوهشی عمر را طولانی می‌کند و در موارد بسیاری به پیشرفت‌های حیرت انگیزی دست یافته ولی از لحظ اصول اخلاقی هنوز آنقدر عقب افتاده است که در بعضی موارد به هدف نامطلوبی رسیده و مدعای این امر آمار روزافزونی است از امراض جسمانی که تا ۷۰٪ با منشاء روانی ذکر نموده‌اند .

اگر بخواهیم با تمام این موانع و مشکلات مبارزه نمائیم و راه حل واقعی را با هدف مشخص تعیین نمائیم هیچ راهی جز تجدید حیات روحانی پژوهش و مريض و بطور کلی عالم بشریت وجود ندارد .

هیچ مؤسسه علمی و گروه پژوهشی مجهز و قدرتمندی توانسته است به تنها رفع این مشکل را بنماید عرضه کردن حقایق از مکاتب مختلف ، کشف رموز علم پژوهشی و تکنولوژی پیشرفتی ، تشکیل میز گردها هیچ‌کدام قادر نبوده در روش کار و منش اطباء پدیده معنوی به وجود آورد . حتی فواید موجود در نظام پژوهشی که یک پایه اش ادای سوگند و پایه

بی حسی و وسائل ظریف و ضد عفونی شده بر روی محکومین زمان حکومت نازی ، امروز نیز بصورتی دیگر بمراتب شدیدتر و حساب شده تر تکرار می گردد و با استفاده از علم و تجربه دانش پزشکی اطباء در بسیاری از امور غیر انسانی دخالت داده می شوند . آمار نشان داده که مواردی که پزشکان وجوداً مريضها را تحت معالجه قرار نداده اند چه مصیبت ها و نقش های غیر قابل جبرانی را در جسم مريض به وجود آورده اند که نه فقط نابودی مريض بلکه اثرات سوء آن در نسلهای بعدی آنها نیز مشاهده گردیده (۵) حتی در مواردی در تحقیقات و تجسسات پزشکی جهت کسب مقام و امتیاز علمی نتایج و آمار بی حقیقتی را عرضه می دارند و علم پزشکی بجای تلاش در راه سلامت و رفاه حال مريض آلت مصالح شخص خود پزشک قرار میگیرد .

علت اساسی دوری علم بشریت از معنویت اخلاقی همان خودخواهی و ترس از عقب افتادگی مادی در جامعه است که تنها راه نجات را وصول بامیال مادی و آرزوهای خود می داند . در چنین موقعیتی است که طبیب احتیاج مبرم به قدرتی دارد که قلب و وجдан او را تسخیر نماید و از منافع شخصی خود حاضر به کذشت باشد با قدرتی لایدرک و حقانیتی الهی روش طبابت را تغییر دهد که خود انگیزه های جدیدی را متناسب با مقتضیات زمانی متجلی می سازد و آن چیزی است که در عصر جدید به آن احتیاج داریم و این امر را احدی قادر به انکارش نمی باشد (۶) . از قوانین اخلاقی و اجتماعی پزشک حرفها زده شده ولی تا کنون از تربیت روحانی پزشک صحبتی به میان نیامده .

انحطاط اخلاقی در مقابل سجایای روحانی قوی تر و احساسهای غلط بر جسم انسانها حکمفرما می گردد . امراض جسمانی و روانی بالاخص افسردگیها با اتیولوژی عوامل خارجی که برخی روانشناسان به طاعون عصر جدید توجیه نموده اند رو به گسترش است . (مقایسه آمار امراض و نتیجه مداوا در هر دو محیط مبین این واقعیت است) .

شخصی که فاقد احساسات معنوی است احساساتش در جهت غلط به کار می رود ناراحتیها و اشتباهات جامعه امروز از عقل منشاء نمی گیرد بلکه از خطای عقل و وهم منبعث می گردد که منشاء آن خطای احساسات بشر است .

امروزه ثابت گردیده که عقل بشر رو به تکامل است و این رشد عقلانی است که به چنین اكتشافات عظیم و شگفت آور نائل گردیده و بر روزاتم و کواكب دست یافته و در علم پزشکی و تکنولوژی از آن بهره می برد .

دانشمندان ثابت نموده اند که استعداد در هر قوم و نژادی وجود دارد و فقط تربیت و شرائط محیط اجتماع و خانواده است که در ظهور آن مؤثر می باشد . عملاً نشان داده شده که بشر از لحاظ اخلاق و احساسات آنقدر عقب افتاده است و حرص و ماده گرانی چنان او را نزدیک بین نموده که فقط شهرت مقام و جنبه مادی شغل طبابت را در نظر می گیرد و کاهی همین اطباء سوکنده یاد نموده دست به کارهای می زند که حتی ذکر آن هر خواننده واقع بینی را دلخون می سازد .

آزمایشات و تحقیقات پزشکی بدون کاربرد بیهوشی ،

در بوته امتحان سوختند و سورانیدند و نوید نیروئی جدید را دادند که بر قلب عالم بشریت نیز غالب خواهد آمد و موج آن اقصی نقاط کره ارض را فرا خواهد کرفت.

نیروئی مافوق ادراک بشری آماده است تا طبیعت بشر را بیدار کند و همه پزشکان را با تخصص های مختلف در کشورهای جداگانه همه بر روی یک اصول و مبانی روحانی مشترکا با دیدگاه معنوی از حیات و ممات با نظمی بدیع هم آهنگ با مقتضیات زمان وهمگام با ترقیات علمی به مبارزه مشکلات رو به فزونی عصر جدید پردازند.

پیشرفت علم ، بشر را به هم نزدیک نموده و در آنی با سر سیی بهم پیوند فکری می دهد در چنین موقعی که عقلا به هم ارتباط یافته اند و تبادل نظر می نمایند می توانند کلیه پزشکان از هر ملت ، نژاد ، قوم و عقیده ای با ارتباط معنوی نیز راهی کلی و اساسی با اصول روحانی و نیروی الهی انتخاب نمایند و به موازات کوشش و تلاش در راه علوم متحدا متفقا کوششی هم در کسب و ترویج معنویات اخلاقی در این شغل شریف گردند.

روز به روز بشر به ارتباط و همبستگی معنوی بیشتر احتیاج دارد ، همانطوری که از اجتماع و اقتصاد به هم نزدیک گردیده و همبستگی خود را به ثبوت رسانیده چطور ممکن است که از لحاظ احساس روحانی و وجودانی در جهت سلامت و رفاه عالم بشریت که اصل مهم طبابت است تنها بتواند کار کند و در شغل خود فقط متکی به علم و تجربه شخص خود باشد و به روش و سلوک پیشینیان خود عمل نماید .

نهضت ظهور حضرت بهاء الله حامل وعد و بشارات فراوان است . نوید وصول بزرگترین آرزوی بشر را به ارمغان می آورد و قدرت و حقانیت خود را در فدایکاری و ایثار جان ، مال و مقام در پیروان مهد آئینش بمنصه ظهور می رساند . با دمیدن روح جانبازی در حادثی گوناگون که پیروانش را احاطه نموده قدرتی حیرت انگیز نشان میدهد ، آنچه که در تاریخ ادیان گذشته بر پیروان اولیه اش وارد آمده بمراتب شدیدتر بمحک آزمایش گذاره میشود .

پزشکان با نیروی روحانی توانستند جمیع احساسات پست بشری را که در هر انسانی در مقابل سجایای اخلاقی او قرار می گیرد بسوزانند و در راه رفاه ، سلامت و صلح عالم بشریت فدا گردند .

ابراز محبت و عشق معنوی طیب به یک مریض درمانده و ناتوان است که رشد خصائص و فضائل اخلاقی او را باعث می گردد . پزشکانی در مهد امرالله بودند که با تخصص های سطح بالا سابقه تدریس و تحقیق بین المللی درخشنان ، سیر و سکونت در کشورهای پیشرفته و آزاد ، پستهای مهم دانشگاهی و دولتی پولساز و نام آور با امتیازات مادی فراوان خالصانه از همه چیز گذشتهند به دیار ملکوت وارد گشتند و به راه معبد خویش پیوستند (شرح حال آنها موجود است) .

از کلام خلاق حضرت بهاء الله که مؤید بقوه الهی است چنان نیرو و توانی را گرفتند که هر تئوری علمی را تحت الشاع خود قرار داده و عظمت و شرف مقام مقدسی را که حق باین شغل شریف اعطاء فرموده را به ثبوت رسانیده از باده عشق الهی سرمدست گردیده

خانه خود و ابناء بشر را اعضاء آن خانواده بحساب آورند با تعالیم مقدسه حضرت بهاء الله که یکانه اصول مبارزه بشر با مشکلات مادی ، تعصبات نژادی و منازعات بیهوده و خانمانسوز است به تحقیق و تجسس مبادرت نمایند و آنچه که (همه جهانیان بجان در جستجوی آنند بیابند) .

بشر ، تشنه قدرت محركه و نیروی الهی جهت تجدید حیات روحانی در کار برد علوم و فنون پیشرفته به روش و اساس وجودانی می باشد ، تا وقتی که پژشك ، خود از نیروی معنوی بی بهره است چطور می تواند در معالجه بیمارانش حیات بخش باشد و تا وقتیکه بر احساسات نوع پرستی و خودپرستی فائق نیاید هرچقدر هم دارای علم و تجربه و امکانات تکنولوژی پیشرفته باشدنی تواند در سطح اخلاق و فرهنگ خود بالاتر فکر کند و چگونه می تواند بدون وارستگی از تعلقات مادی و تسلط بر نفس اماهه از جنبه روحانی در درد و رنج دیگران نجات بخش باشد .

بشر اویله با زندگی محدودی که داشت همانطوری که از تمدن بی بهره بود راه بسیاری از خطاهای بزرگ را هم نمی دانست همگام با پیشرفت علم و تمدن مشکلات زندگی دشوارتر ، ارتکاب به خطأ و بی وجودانیها بیشتر ، تلخی و ناکامی ها شدیدتر ، نا امیدی رو بفزاون تر ، نشاط و سرور کمتر و نیروی روحانی و وجودانی رو به تحلیل می رود .

بشر در نیل به هدف خود خواهی و مادیات دست به کارهانی می زند که در بین درندگان ارض دیده نشده و از علم و وسائل پیشرفته سوء استفاده هائی می نماید که هر روز بر روز گذشته پیشی می گیرد .

اگر ارتباط علمی پژشكان وجودداشته موقعی بوده بدیهی است که حل مشکل ارتباط و همبستگی پژشكان با یک ضربه حل نمی گردد . برنامه ای دقیق و تعیین شده جهت یک طرح جدید لازم است که اساس آن باصول و آئینی متکی کردد که کلیه مشکلات طرح را از دیدگاههای مختلف حل نموده و عمل اجرای آن را باثبات رسانده است و راه استخراج قوای مکنونه را تبیین نموده و در رأس اجرای آن مؤسسه بین المللی را انتخاب نموده که با حسن نیت و انتظام الهی قدرت نجات بخش الهی را در بین ابناء بشر استقرار بخشد . حیاتی عقلانی ، اخلاقی و روحانی عالم بشریت را تقویت نماید و نابودی تجاوزهای را که معلول علتهای نادانی و جهل است از ریشه بر کند وسعت تحقیقات علمی را جهت صحّت روحانی و سلامت جسمانی و آسایش و امنیت اجتماع عالم بشریت و ارتباط معنوی با دیگر اصحاب فرهنگ و علوم ملل مختلفه را ارتقاء بخشد تهذیب اخلاق را تثبیت نماید با القاء خصائص اخلاقی و طهارت درون و برون دو عامل قوی علم و دین که باید بعنوان دو رکن قوی در علم طبابت باشد با هم مطابقت نموده ، تشریک مساعی نمایند و متفقنا به نشو و نما پردازند .

اطباء می توانند قدرت و قابلیت کار خلائق طبابت را پیدا کنند که نیروی ماوراء آنچه در مکاتب مختلفه آموخته اند می توانند اس و اساس فن طبابت باشد علم و تجربه خود را با کاربرد تکنولوژی عصر جدید بر اساس و اصول روحانی ، شفابخش دردمدنان گردانند و تجربه و نظریات خود را با احساس درونی و همبستگی روحانی به هم ارتباط دهند . کره ارض را

نیست که در حقیقت اختلاف پیدا شود ». آین بهانی آین تفاهمنسبت ب نوع بشر است . آین پرورش عواطف انسانی و تربیت افکار نفوس در مسیر روحانی است . آین محبت ، صبر و عشق الهی در مقابل هرگونه عذاب ، درد و ناسازگاری فردی و اجتماعی است . و آین محبت است که نفوس را به هم نزدیک می نماید و ارتباط معنوی و وجودانی را برقرار می سازد . خلوص تفاهمن ، معنویت انسانی و وجودان حقیقی در امر الهی است که شفا دهنده خیلی دردهای انسانها است !

این روش خیرخواهانه است که باعث ترک هر گونه تعصب نژادی ، قومی و عقیدتی است و پیروان آن در انجام اعمالی که مبین این عقیده است موفق گشته اند و عملًا تحقق بخشیده اند که هر گونه تعصب و تقالیدی را که عالم بشریت به آن گرفتار شده از بنیان دفع می نماید و خلقی بدیع را با اصول و نظمی بدیع در روی کره ارض مستقر می سازد .

پیروان این آین با عزمی راسخ و آگاه به جمیع شنونات دنیوی و قلبی مملأ از امید و نوید حیاتی و فکری سرشار از قوای ملکوتی با دیدگاه وسیع از حیات و سرانجام آن چون عاشقی جهت ارتباط عالم بشریت هر آن هستی خود را به رایگان فدا می نمایند .

زندگی نمی خواهدن ، از همه چیز می گذرند و در اینحال اثر محیرالعقل قوای مکنونه ای را که در وجود پرورش داده اند ، حزن را به سرور ، غم را به فرح ، کینه و جفا را بحب و وفا ، احساس درد و مرض را به شفا تبدیل می نمایند همانطوری که جهت ارتقاء به مدارج عالی علمی امتحان سخت و آزمایش

دانشمندان شب و روز خود را صرف کشف وسائل پیشرفته تکنولوژی جهت مبارزه با انواع میکروبها جهت دفع امراض می نمایند از طرف دیگر همین علم و تکنولوژی پیشرفته در بمب های میکروبی جهت نابودی اصل ابناء بشر به کار می رود . اینجاست که عالم بشریت محتاج تفکر و قدرتی مافوق فکر بشریت می باشد که خداوند هدایت کننده آنست و مطابقت اصول و احکام آن با علوم پیشرفته عصر اتم باثبتات رسیده باشد و قادر باشد که علت اصلی معلول را دفع نماید . در غیر اینصورت علم می تواند عالم انسانیت را چون بالاتقی محو و چون سرایی به نیستی بکشاند .

در حالیکه ادیان گذشته و اقوام مختلفه سرگرم مناقشه با یکدیگر و حتی با پیروان خود می باشند ، حضرت بهاء الله مؤسس دیانت بهانی احکام و اوامر شفابخش عالم انسانی را بصورت خزانی گرانبهانی تفضیل فرمودند که با آرامی و موفق ، قلب کلیه اقوام و ملل این سیاره خاکی را تسخیر می نماید و به اساس جمیع ادیان الهی اعتقاد دارد و مراحل مختلفی را که روح در طلب مقصود و ارتقاء به عالم معنویت را می پیماید در الواح و آثار مقدسه خود تشریح می فرمایند .

آین بهانی آین کسب فضائل ، کمالات انسانی و علم برای ایشار ، فدایکاری ، خدمت و عبودیت به عالم بشریت است . در احکام و آثار دیانت بهانی حقایقی نهفته که اختلاف موجود بین طبیعت روحانی و عقلانی را از بین می برد . حضرت بهاء الله مطابقت دین با علم را یک قرن پیش اعلام فرمودند و حضرت عبدالبهاء در خطابات و مکاتیب خود توجیه فرمودند که : « علم حقیقت است و دین حقیقت است و ممکن

در نوامبر ۱۹۹۲ نایندگان بهانیان عالاً با دومین کنگره جهانی خود در نیویورک که از قبل وعده آن داده شده بود با شکوه و جلال خاص و بی نظیر تاریخی صدمین سال صعود حضرت بهاء الله را گرامی داشتند ، روز دوشنبه ۲۶ نوامبر رسمی بنام روز کنگره جهانی اعلام کردید که سالروز آن تجلیل می کردد .

همکاران استاد و پژوهش از هر قوم ، نژاد ، ملت و عقیده ای منتنسب به دیانت بهانی در نقاط مختلف این کره ارض با روش و اصول دیانت بهانی توفيق خدمت بابنه بشر را دارند و آمادگی هر گونه ارتباط و مشورتی را نیز مشتاقند ، در صورتی که آن دانشمند گرامی و محقق عالیقدر کتب و یا اطلاعاتی را در باره دیانت بهانی جویا باشد می توانید مستقیما در نیویورک و یا توسط دیگر همکاران از نقاط مختلفه جهان که امکان مکاتبه با شما را دارند به هر زبان که مایل باشید دریافت دارید و در ارتباط مستقیم با آنها قرار کیرید .

تقدیر الهی سهم مهمی را در این رسالت عظیم روحانی و بی نظیر تاریخی به آن عالیجناب عطا فرموده که ریاست عالی آکادمی علوم این " مدینه میثاق " را که متبرک به قدم مبارک حضرت عبدالبهاء گردیده و به آن شهر (برکت الهی) عطا فرموده اند بعده دارید تا با آن موقعیت ولای علمی خود و بهره مند از جمیع مزایای آزادیهای فردی و اجتماعی در ارتباط مستقیم با دانشمندان جهان به نوسازی سنگر در هم کوییده عالم انسانی در این ویرانه سرای زر و زور قیام نمایند و در عالم ملکوت نیز سربلند گردید ، چه اگر رهروان همه می روند آنچه می ماند راه است .

علمی لازم است کسب کمالات معنوی و معاج روحانی نیز مستلزم قبول استقامت و تحمل هرگونه مشقتی می باشد . در میان طوفانهای سهمگین ، برق های سوزنده و ابرهای تیره اوهام آسمان حیات با عبور از فساد خود را تطهیر می نماید با نیروی عظیم غیر قابل تصور بشری به اعلیٰ قلل مصائب و بلا صعود می نماید . از بحار معارف الهی و خزان معرفت ملکوتی سیراب می گردد . شخصیت معنوی او شکل می کیرد ، در جولانگاه عشق می سوزد ، سوختنی که افق بشریت را گرمی و نیرو می بخشد . دوست و بیگانه را متحیر می سازد و ارکان هر انسان واقع بینی را دگرگون می سازد و این حقیقتی است که در موطن آئین بهانی اتفاق می افتد . منحصر بفرد و افسانه نیست ، واقعیتی است که علمی باثبات آن ، قدرتی به مقابله آن و قلمی به وصف آن قادر نمی باشد . نیرویی است غیبی با تأثیری متجلى از حکمت‌های بالغه مکنونه الهی مافوق تصور بشری که راه وصول آن را حضرت بهاء الله دقیقا در الواح و آثار خود بیان فرمودند و پیروان دیانت بهانی از هر نژاد ، قوم ، ملت و عقیده ای در سراسر کره ارض آن را عملأ باثبات رسانیده اند . حضرت عبدالبهاء فرزند حضرت بهاء الله مرکز عهد و میثاق الهی در سفر خود به آمریکا در سال ۱۹۱۲ در شهر نیویورک شما با خطابه های مهمین خویش در مجامع عمومی تعالیم مقدسه حضرت بهاء الله را تبیین نمودند و عده صلح عمومی را از این شهر اعلن داشتند و آنچه را که سبب ترقی عالم انسانی است تشریح فرمودند و نیویورک را بنام " مدینه میثاق " تسمیه فرمودند .

اگهی

مزده به اهل بهاء

با کمال مسرت باطلاع احتجای جمال ابهی میرساند که مؤسسه معارف بهائی با کسب اجازه از معهد اعلی به تجدید چاپ و نشر مجلدات آثار قلم اعلی که نسخ آن در حال حاضر بکلی نایاب است در کمال شایستگی و آراستگی و در نهایت صحّت و نفاست اقدام نموده و نخستین مجموعه این آثار مهمین (کتاب مبین) که با حروف کامپیوتري صفحه بندی شده همراه سه فهرست بشرح زیر بزودی در دسترس آن عزیزان قرار خواهد گرفت.

۱ - فهرست الفبائي مطالع الواح و نام مخاطبان الواحی که در آن آثار ذکر شده است.

۲ - فهرست مطالع مناجات ها وادعیه وارده در ضمن الواح مبارکه.

۳ - فهرست القبائي اسمی و اعلام.

مؤسسه معارف بهائی امیدوار است که بتواند در آئیه نزدیک مجلدات دوم و سوم این آثار (مجموع الواح مندرج در جلد دوم تا هفتم آثار قلم اعلی که قبلًا در مهد امرالله طبع شده بود) و به تدریج سایر آثار مبارکه حضرت بهاء الله را که بی کمان به صد مجلد بالغ است به همین نهج چاپ و منتشر نماید و از این راه به انجام خدمتی در آستان حضرتش توفیق حاصل نماید.

Institute for Bahai' Studies in Persian
P.O. Box 65600, Dundas
Ontario, L9H 6Y6 Canada
Phone : (905)628 3040, Fax (905)628 3276,
Email: PLBS a Bcon. COM

با تقدیم درود و سپاس فراوان و امید قلبی به جامعه محققین پژوهشکی جهان و آرزوی بیش از پیش سلامت و موفقیت آن دانشمند عالیقدر.

Darwinism - ۱

Acquired Immune Deficiency Syndrome = AIDS - ۲

Vicious Circle - ۳

۴ - نتیجه آماری است که توسط نگارنده ضمن کارهای تحقیقاتی خود در کشورهای غرب در بیمارستانها جمع آوری نموده است.

۵ - نتیجه مشاهدات عینی و تجسسات علمی خود اینجانب حتی در کشورهای غرب در طول سالیان دراز تحصیل، تدریس و تحقیق علم پژوهشی در بیمارستانهای وابسته به دانشکده های پژوهشی پیشرفته و مداوای مریضها در مطب شخصی و بخششها مختلف پژوهشی می باشد.

۶ - در بررسی های علمی و تجربی خود و مداری مریضها در موقعیت های مختلف اجتماعی غرب و شرق باشیات این واقعیت عملأ نائل گردیده ام.

اعتذار :

۱ - در باره شرح هجرت و صعود خانم شهین پژوهشکزاد در مجله شماره ۵۸ عنديليب صفحه ۷۹ متنمي است تصحيح فرمایند که نامه تسلیت از جناب دکتر مهدی سمندری است.

★★★

۲ - طبق نامه جناب بدیع ندیسی متنمي است عکس داخل پشت جلد شماره ۵۸ مجله عنديليب را تصحيح فرمایند، نشسته از چپ براست: نفر سوم جناب فائز و نفر چهارم جناب میرزا آقا سلمانپور.



قسمتی از پیام بیت العدل اعظم رضوان ۱۵۲ بدیع

در بین اقدامات قابل سنجش و اندازه گیری این دوره ، پیشرفت شکوهمند مشروعات جبل کرمل حائز برتری ویژه ای است . با وجود مشاکل بی شمار ، ساختمان این مشروعات در این زمان به همان مرحله ای رسیده است که در پیام افتتاحیه نقشه سه ساله پیش بینی شده بود . ساختمان تمام مشروعاتی که مورد نظر بوده آغاز گردیده است . اسکلت ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص و بنای ضمیمه دارآثار بین المللی ساخته شده و ساختمان این مشروعات به مرحله تزیین و تکمیل در خارج و داخل بنا رسیده است . ساختمان مقر دارالتبیغ بین المللی یعنی سوئین بنا از ابینه ای که در حال حاضر در اطراف قوس کرمل ساخته می شود با سرعت به پیش می رود . هفت طبقه از طبقات ذیل مقام اعلی تکمیل گردیده و منظرة پایان شکوهمند این مشروع را که از پای تا رأس کوه مقدس خداوند ادامه خواهد داشت در نظر مجسم مینماید . زیبایی نقشی که در اثر این ساختمان ها بر کوه کرمل گستردۀ خواهد شد از هم اکنون مایه شگفتی و اعجاب ناظران است .

جنبه های صوری و ملuous پیشرفت که این چنین شکفت انگیز تحقق یافته دلیل بر موقوفیتی مهمتر یعنی تحقق وحدت آرمان در سراسر جامعه جهانی بهانی به منظور ادامه چنین اقدام عظیم دسته جمعی است . شدت علاقه مندی و پشتیبانی یاران در این مورد بصورت تقدیم تبریعات بنحوی بی سابقه ظاهر کشته که خود نشانه آن درجه از فدایکاری است که از کیفیت ایمان و سخاوت درونی دلدادگان جمال رحمن در سراسر جهان حکایت میکند .

پیشرفت عملیات اینیه قوس کوه کرمل ، عکاس روحی ورقا
فرستنده : دایره پژوهه کوه کرمل ، ۲۵ و ۲۸ اگست ۹۶



ترجمه پیام بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان انگلستان

موافق ۱۷ جون ۱۹۹۶

که با وسائل الکترونیکی مخابره شده است

از صعود خادمه مخلص امراللهی فردوس خانم افنان اندوه شدید حاصل ، مساعی خالصانه اش در مهد امرالله بویژه در خدمتگزاری در بیت مبارک حضرت نقطه اولی در شیراز و متعاقبا کوششهای بی دریغش جهت ترویج مصالح امریک در کشور انگلستان همواره با محبت یاد می گردد در اعتاب مقدسه جهت ارتقاء روح پر فروغش در ملکوت ابھی دعا میکنیم . همدردی عمیق این مشتاقان را به برادر محبوش و بواسطه ایشان به سایر اعضاء خاندان جلیل افنان ابلاغ نمایند .

ترجمه

پیام ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم و جناب علی الله نخجوانی و قرینه محترمه به جناب ابوالقاسم افنان که توسط محفل روحانی ملی بهائیان انگلستان مخابره گردیده است

در غم و اندوه صعود امة باوفا و فداکار جمال اقدس ابھی فردوس عزیز با شما شریکیم . آن متصاعدہ الی الله لحظه ای از خدمت غافل نبود و در ثبوت و تواضع و صفاتی طینت موردت حسین و محبت عموم یاران بود .
به آن حبیب معنوی و عموم افراد آن خاندان صمیمانه تسلیت می کوئیم و با ادعیه حاره برای آن روح مجرد اجر جزیل در ملکوت ابھی میطلبیم .

هیئت تحریریه عنديليب در نهايیت خضوع صعود خادمه مخلص امر اللهی فردوس خانم افنان عليها رضوان الله و بهائه را به همکاران عزیز برادران محبوب ایشان حضرات ابوالقاسم افنان و حسن افنان علیهمما بهاء الله و سائر وابستگان و منسوبان تسلیت میکويد .

پیام منیع معهد اعلی و دعای آن عصبه نورا در اعتاب مقدسه علیا جهت ارتقاء روح پر فروغ آنامه موقنه سبب تشتنی صدر و تسلی خاطر بازماندگان و تسیرر روح پاک آن خادمه برازنده در ملکوت ابھی است .
روحش شاد و روانش تابناک باد - عنديليب

شوریده شیرازی شاعری نایین و در فن شاعری ماهر و با مر بهائی
مؤمن بود شعر زیر را در نعمت حضرت عبدالبهاء سروده است .

تو چه شوخی که دل از مردم بی دیده ربائی
تو بدین حسن دل از دیده و نادیده ربائی
طاقت جمع بدین موی پریشیده ربائی
تو بدین روی خوش و خوبی پسندیده ربائی
گر بخندی تو دل از غنچه خندیده ربائی
نیست تابی که بدین گیسوی تابیده ربائی
روی بنمائی و دل از من شوریده ربائی
حسن گویند که چون دیده شود دل برباید
خاطر خلق بدین روی پریوار ستانی
آنکه او را نتوان دل بدو صد شیوه ربودن
با چنین لعل لبان پیش درخت‌گل سوری
دیگر از چهره تابان تو در دست دل من
توكه خود فاش توانی دل یک شهر ربودن
دل شوریده روا نیست که دزدیده ربائی

”... بان تقدّر لی زیارت جمالک ...“
(صلة کبیر)

« کاش میدیدم ترا »

فرهنگ مقبلین (الهام ۱)

ای تو روح افزای دیرین ، کاش میدیدم ترا
حاصل دینهاست یک دین ، کاش میدیدم ترا
وز تو روشن شام تکوین ، کاش میدیدم ترا
چون سليمان شمع آجین ، کاش میدیدم ترا
وی شبم را ماه و پروین ، کاش میدیدم ترا
ای شهنشاه جهان بین ، کاش میدیدم ترا
ای ز تو هم آن وهم این ، کاش میدیدم ترا
این من مشتاق مسکین ، کاش میدیدم ترا
عمر سر کردند چندین ، کاش میدیدم ترا
ای توام چون جان‌شیرین ، کاش میدیدم ترا
ای مسیحای نو آئین ، کاش میدیدم ترا
ای که از فیض ظهور طلعت ابهای تو
ای سیه‌چال از قدموت ، رشگ فردوس‌برین
ای بقرانگاه عشقت پاکبازان وفا
ایکه خاک تیره ازیمنت شده چون آفتاب
عالی درتاب وتب ، از عشق نایپدای تو
خانه و کاشانه‌ام ، از توست پر نور وسرور
ایکه می بینی مرا ، هر لحظه وبا هر خیال
رشکم آید بر عزیزانی که در درگاه تو
دیدن و جان باختن ، شیرین بود فرهادوار
گرچه بینند جلوه ات (الهام) در هر کائی
ای جمال عالم آزین ، کاش میدیدم ترا

و ذکر او فقط در حین توصیف و تشریح افکار و اقوال بلینوس مطرح گردیده است. (۱) در این لوح مبارک جمال قدم در باره بلینوس چنین میفرمایند که او بر اسرار خلقت که در الواح زبرجدیه ابوالحكمه یعنی هرمس مذکور بوده عارف شده و از آن اسرار سخن کفته است. جمال قدم پس از نقل مستقیم عباراتی از مناجات بلینوس این نکته را مجدداً یادآوری نموده اند که بلینوس حکیمی بوده که بر اسرار خلقت و رموز مکنونه در الواح هرمسیه واقف و آکاه بوده است. عین بیان عربی جمالقدم در لوح حکمت که مضامین تقریبی آنها نقل شد به شرح ذیل است :

... ثم اذكر لك ما تكلم به بلينوس الذي عرف ما ذكره ابوالحكمة من اسرار الخلية في الواحة الزبرجدية . .. انه لهوالحكيم الذي اطلع على اسرار الخلية والرموز المكونة في اللواح الهرمية (۲)

چنان که ذیلاً خواهیم دید در این بیان مبارک مقصود از « ابوالحكمه » همان هرمس است که صاحب الواح زبرجدی است.

در توضیح بیان جمال قدم توجه خوانندگان گرامی را به این مطلب جلب می نماید که بلینوس در باره کسب اسرار خلقت از هرمس و مطالعه آثار او در چند موضع از کتاب مشهور خود که مسمی به کتاب العلل میباشد توضیح مفصل داده است. از جمله در مقدمه کتاب العلل چنین می نویسد :

لوح حکمت

هرمس - ادریس

در سال ۱۳۶۴ هـ ش (۱۹۸۵ م) در باره اصطلاح « ارض زعفران » که در لوح حکمت مذکور شده شرحی مرقوم شد که در مجله عندلیب شماره ۱۴ (بهار ۱۳۶۴ ص ۲۲ - ۱۴) به طبع رسید. یک سال بعد در باره مفاهیم « فاعلین و منفعلین » که آن هم در لوح حکمت مذکور شده شرح دیگری در مجله عندلیب شماره ۱۹ (تابستان ۱۳۶۵ ، ص ۲۹ - ۲۸) منتشر گردید .

حال در این مقاله نیت آن است که بیان جمال قدم در باره هرمس را که در لوح حکمت مذکور شده نقل نمانیم و سوابق و مأخذ نکات مندرج در این بیان را ارائه کنیم و چون ذکر هرمس در بعضی از آثار دیگر جمال قدم نیز مذکور شده مندرجات آن آثار را نیز به قصد عرضه سوابق مندرج در آنها مورد مطالعه و بررسی اجمالی قرار دهیم .

بدیهی است که ورود در میدان بحث و تشریح قضایای عدیده فلسفی و کلامی که در آثار مبارکه مربوط به هرمس مطرح شده هریک مطالعات وسیع و مفصل جداگانه ای را ایجاد میکند که از هدف اصلی و بسیار محدود تهیه این مقاله خارج است .

هرمس در لوح حکمت

نکته ای که در شروع این مقال لازم به تذکر است آن که در لوح مبارک حکمت هرمس بطور مستقیم و مستقل مورد توجه و توصیف جمال قدم قرار نگرفته

بود و روی آن نوشته شده بود که من هرمس هستم
که به نعمای الهی مخصوص شده و این مجسمه را در
اینجا گذاشته ام و سری در آن پنهان ساخته ام که
کسی به آن بی نخواهد برد مگر حکیمی که چون خود
من باشد . بر صدر آن مجسمه چنین نوشته شده بود
که هر کس بخواهد به سر خلقت و صنعت طبیعت پی
برد باید به زیر پای مجسمه نگاه کند .

بلینوس می نویسد که مردم متوجه مقصود از این
مطلوب نمی شدند تا آن که من بزرگ شدم و مقصود
را دریافت و در پای مجسمه مشغول حفاری شدم و
به حفره ای دست یافتم که بسیار تاریک بود و بعلت
بادی که میوزید نیتوانستم برای روشی حفره آتشی
با خود داخل آن نمایم ، از این وقایع بسیار محزون
بودم تا آن که مرا خواب فرا گرفت و صورتی که شبیه
صورت خود من بود بر من ظاهر شد و به من فرمان
داد که داخل حفره شوم . من گفتم که داخل حفره
بسیار تاریک است و روشن کردن آن برای من میسر
نیست . او به من دستور داد که آتشی با کیفیتی
خاص درست کنم و آن را در محفظه ای شفاف قرار
دهم تا از جریان باد محفوظ بماند و سپس با آن
آتش وارد حفره شوم . من از این مذاکرات بسیار
مسرور شدم و فهمیدم که راه وصول به مطلوب را
یافته ام . پس به صورتی که بر من ظاهر شده بود
گفتم تو کیستی ؟ در جوابم چنین گفت که من
حقیقت و سر وجود باطنی تو هستم . در این اثناء از
خواب بیدار شدم و مطابق آنچه در رویا دیده بودم
رفتار کردم . به محض آن که به حفره تاریک وارد شدم
مجسمه مردی را دیدم که لوحی در دست داشت و

” . . . ثم دخلت السرب ، فإذا أنا بشيخ قاعد على
كرسي من ذهب و في يده لوح من زيرجد اخضر
مكتوب في اللوح : هذا صنعة الطبيعة . و بين يديه
كتاب مكتوب فيه : هذا سر الخلقة و علم علل الاشياء .
فأخذت الكتاب و اللوح مطمئنا ، ثم خرجت من السرب ،
فتعلمت من الكتاب علم سرائر الخلقة ، وادركت من
اللوح صنعة الطبيعة و تعلمت علم علل الاشياء و ارتفع
اسمي بالحكمة و عملت الطلعات و العجائب و علمت
مزاجات الطبانع الاربع و تراكيبها و اختلافها و
اختلافها ” . (۲)

و نیز بلینوس در باره اخذ اسرار خلقت از الواح
هرمسیه در جای دیگری از کتاب العلل خود چنین
می نویسد :

” . . . وقد امكن ان يكون الياقوت زمراً و يكون
الزمرد ياقوتا كما امكن ان تكون الفضة ذهباً والنحاس
فضة بانقلاب بعضها الى بعض اذكان اصلها من شئى
واحد ، كما عملته انا و دبرته بما كان مكتوباً في لوح
الزمرد الذي كان في يد هرمس المثلث بالحكمة في
السرب المظلم الذي تحت العمود ، الذي اصبت به
الكنوز العظام و تعلمت من كتاب هرمس المثلث بالحكمة
سرائر العلم و ارتفع اسمي بالحكمة . . . ” . (۴)

فقرات مختصری که از کتاب العلل بلینوس نقل شد
برای توضیح مندرجات لوح مبارک کافی بنظر میرسد .
عصاره کلام بلینوس در کتاب العلل چنین است که می
کوید من طفل یتیمی از اهل طوانه بودم و از مال
عالم چیزی نداشتم ، در طوانه مجسمه ای از سنگ
وجود داشت که بر بالای یک ستون چوبی نصب شده

” . . . و ما ذكرت من علم الانوار و جميع ما يُبَيِّنُ
عليه و غيره يساعدني عليه كل من سلك سبل الله عز
وجل و هو ذوق امام الحكمه و رئيسها افلاطون صاحب
الايد والنور، و كذا من قبله من زمان والد الحكمه
هرمس الى زمانه من عظاماء الحكماء و اساطين الحكمه
مثل انباذقلس و فيثاغورس و غيرهما . . . ” . (٦)

محمد شریف احمد بن هروی در كتاب انواريه خود
که در ترجمه و شرح كتاب حکمة الاشراق سهوروی به
رشته تحریر درآورده در باره عبارت فوق چنین مرقوم
داشتند است :

” يعني و همچنین آنچه در این كتاب مذکور شده
است مطابق مذهب جميع قدمای حکمای اشرافی است .
و هرمس را والد حکما بدان سبب کفته است که اکثر
علوم حکمت را او تدوین نموده است ، و جميع
حکمای مشهور تلامذه او بوده‌اند . می گویند که
هرمس ادریس است علیه السلام . و مراد از غیرها
سقراط و اسقلینوس و برتماس و آغاثاذیمون و
دتیوس و بوداسف و امثال ایشان است و منقول است
که برتماس ، ایوب و آغاثاذیمون ، شیث است ،
علیهم السلام . و این حکما از حکمت و نبوت نصیب
تمام داشته‌اند و مراد از حکمت چیزی است که در
قرآن مجید توصیف و تعریف شده است ، کما قال الله :
” و من يوت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا ” و قوله عز
وجل : ” ولقد اتینا لقمان الحکمة ” و قوله تعالى خطابا
للنبي ، صلعم ، : ” ادع الى سبیل ربک بالحكمة
والموعظة الحسنة ” الى غير ذلك من الآيات الدالة على
شرف الحکمة و علو مرتبتها . و این طایفه متخلق به
اخلاق الهی بوده اند در احاطه معلومات و تجرد از

كتابی در پیش او بود . بر روی لوح نوشته شده بود
که صنعت طبیعت در اینجا است و در آن كتاب
نوشته شده بود این سرخاقت است . من از این جا
علم علل اشياء را فراگرفتم وبه حکمت اشتھاریاافت .

و نیز بلینوس حکیم در موضع دیگری از كتاب العلل
خود هرمس را ” ابانا فی الحکمه ” خوانده و با اشاره
به آنچه در صدر كتاب خود نوشته و در فوق نقل شد
در باره او چنین مرقوم نموده است :

” . . . قد فسرت فی كتابی هذا علم علل الاشياء على ما
كان مكتوبا فی المصحف الذى كان بين يدي هرمس
فی السرب المظلم و وضحت ذلك لبني و نسي و لمن
كان حكيمها من ابناء الحكماء ، و حرمت على كل من
وصل اليه هذا العلم الا يدفعه الا الى حکيم هوله اهل او
ادیب من ابناء الحكماء ، فان فیه سرالخلیقة و هو السر
الذی كتمه هرمس عن الناس و وضعه بین يديه فی
السر و عمل علیه طلسم لنلا يقع علیه الا حکيم على
ما ذكرت فی صدر كتابی . فاكتمه ، فان هرمس ابانا
فی الحکمة و معلمنا فی علم الخلقة كتمه و لمعرفته بالعلم
ستر ذلك . فاستروه يا ولدی كما ستره ابوكم ، و لا
تظهروا علیه من ليس له باهل و لا يشارکكم فی علمکم
غيرکم من السفهاء ! فقد تقدمت و اعذررت ، فتمسکوا
بتکتابی والزموا وصیتی ماحییتكم تكونوا رؤسا اهل
زمانکم . . . ” . (٥)

مسئله تسمیه هرمس به ” ابوالحكمه ” در آثار سایر
فلسفه و حکما نیز آمده است . مثلاً سهوروی در
صدر كتاب حکمة الاشراق خود از هرمس با عنوان
” والد الحكماء ” یاد نموده و در باره او چنین نوشته
است :

هرمسیه استخراج بعضی علوم نموده و اکثر حکما از کلمات و بیانات آنحضرت استخراج فنون علمیه و حکمتیه نموده اند (۸)

چنانچه ملاحظه می شود جمال قدم در بیان فوق تصریح میفرمایند که ادریس که همان هرمس است اول کسی است که به تدریس حکمت پرداخته و لذا به "ادریس" معروف و مسی شده است . ادریس بنا بر بیان جمال قدم در هر زبانی به اسمی موسوم و در فنون مختلفه حکمت صاحب بیانات و آراء وافیه کافیه بوده است . علاوه بر نکات فوق مطالب مربوط به بلینوس و بعضی از علومی که او از الواح هرمسیه استخراج نموده و در بیان مبارک فوق به آنها تصریح شده تکرار همان مطالبی است که در لوح حکمت مندرج گشته و شرح آن قبلاً در صدر مقال مذکور گردید . نکته جدیدی که در مقایسه مندرجات لوح حکمت و لوح بسیط الحقيقة جلب نظر می نماید آن است که بنا بر تصریح جمال قدم در لوح بسیط الحقيقة اکثر حکما از کلمات و بیانات ادریس یا هرمس استخراج فنون علمیه و حکمتیه نموده اند .

نکاتی که در باره هرمس مذکور شد ریشه ای وسیع در آیات قرآنی و احادیث اسلامی دارد . خداوند در سوره مریم (سوره شماره ۱۹) در آیات ۵۶ و ۵۷ می فرماید : " و اذکر فی الكتاب ادریس آنکان صدیقا نبیا و رفعته مكانا عليا " .

و در سوره انبیاء (سوره شماره ۲۱) آیه ۸۵ و ۸۶ چنین مذکور است : " و اسماعیل و ادریس و ذا الکفل کل من الصابرين و ادخلناهم فی رحمتنا انهم من الصالحين " .

جسمانیات وا يصل فیوضات و خیرات برماتحت خود ، كما قال النبي ، صلعم " تخلقوا بأخلاق الله." ای تشبهوا به فی الاھاطة بالعلمومات و التجرد عن الجسمانیات و انتشار الفیوض والخیرات (۷) تا اینجا آنچه مورد مطالعه قرار گرفت فقره ای از لوح مبارک حکمت حاوی اشاراتی راجع به هرمس بود که بیان جمال قدم عیناً نقل شد و اشارات مندرج در آن با توضیحاتی که از كتاب العلل بلینوس نقل گردید واضح و روشن گشت .

حال به ذکر این مطلب می پردازد که در چند لوح دیگر جمال قدم نیز اشاراتی به هرمس موجود است . ذیلاً فقرات مورد نظر از این الواح را یک یک نقل می نماید و سپس توضیحات لازمه را در باره هریک از بیانات مبارکه به استحضار خوانندگان گرامی میرساند :

هرمس در سایر آثار حضرت بهاء الله

اول - در لوح معروف به لوح " بسیط الحقيقة" بعضی از نکات مربوط به هرمس که از لوح حکمت نقل شد عیناً تکرار شده و بعضی نکات جدید نیز اضافه بر آنچه در لوح حکمت مذکور شده در باره شخصیت هرمس از قلم جمال اقدس ایهی عز نزول یافته است . عین بیان جمال قدم در باره هرمس در لوح بسیط الحقيقة چنین است :

" . . . و اول من تدرس بالحكمة هوادریس لذا سمي بهذا الاسم و او را هرمس نیز گفته اند در هر لسان باسمی موسومست و در هر فنی از فنون حکمت بیانات وافیه کافیه فرموده اند و بعد از او بلینوس از الواح

بخش تفکرات اهل تصوّف در صدر اسلام بوده و جهان‌شناسی هرمسی در فلسفه و عرفان اسلامی عمیقاً سریان و نفوذ یافته است. بطور خلاصه حقیقت تاریخی چنین است که بنا به تصریح جمال‌القدم در لوح بسیط الحقيقة اکثر حکماً از کلمات و بیانات هرمس استخراج فنون علمیه و حکمتیه نموده‌اند.

دوم - لوح دیگری که از قلم جمال اقدس ابھی عزّ نزول یافته و حاوی اشاراتی به هرمس میباشد با این عبارت آغاز می‌شود :

« بسم الله الكافي المستعان : پس باید اول دانست که این سرّ قویم و امر عظیم را قادر حکیم و سلطان علیم در چه شئی قرار داده ... » .

در فقره ای از این لوح که عمدۀ مطالب آن در شرح و بسط قضایای کیمیا است جمال قدم چنین میفرمایند: « ... و قداتی بذلك بليناس الحكيم حيث ذكر نقش اللوح الذي في يد هرمس و هو قال حقاً يقينا لا شك فيه ان الاعلى من الا سفل و الاسفل من الاعلى عمل العجائب من واحد كما كانت الاشياء كلها من واحد ابوه الشمس و امه القمر و قال ايضاً اللطيف اكرم من الغليظ نور الانوار بقوه القوى يصعد الارض الى السماء ثم ينزل فيكون مسلطاً على الارض و السماء والاعلى والاسفل ... » . (۱۱)

عباراتی از قول بلینوس به نقل از نقش لوحی که در دست هرمس بوده و در لوح مبارک فوق مندرج گشته در کتاب العلل بلینوس چنین ثبت شده است :

« و هذه الكلمات التي كانت في آخر كتاب بلينوس معلقة بغير ايضاح : انه قال : لما دخلت السرّاب فاختذ اللوح الذي كان من الرّمز الذي كان بين يدي هرمس ،

ادریس که در آیات قرآنیه فوق از انبیاء محسوب شده و با عبارت « ورعناء مكاناً علينا » از او تجلیل گردیده در زبان یونانی به ارمیس و ارمیس و اطرسین و طرمیس و هرمس معروف است و به زبان عبرانیان او را اخنوخ یا خنوخ می‌گویند. اصل کلمه ارمیس در یونانی به معنی عطارد است. محمد باقر مجلسی در کتاب بحار الانوار از احادیث اسلامی چنین آورده است که ادریس مسمی به ادریس (از ریشه درس) شده است زیرا حکم الهیه را تدریس می‌نمود و او اول کسی است که در نوشتن از قلم استفاده کرد و هم اوست که اول بار به دوختن لباس پرداخته و خداوند علوم نجوم و حساب و هیئت را به او تعلیم داده است. (۹) متن عربی احادیثی که دال بر این مطالب است چنین است :

« ... انه سَمِّيَ ادريس لكثرَة درسه الكتب و هو اول من خط بالقلم ، وكان خياطا ، و اول من خاط الشَّيْب ، و قيل : انَ الله سبحانه عَلِمَ النَّجُومَ وَ الْحِسَابَ وَ عِلْمَ الْهَيَّةِ ... » .

و در حدیث دیگری آمده است که :

« ... آن ادریس عليه السلام کان رجلاً ضخم البطن ، عريض الصدر ، قليلاً شعر الجسد ، كثيراً شعر الرأس ، و كانت احدى اذنيه اعظم من الاخرى ، و كان دقيق الصدر ، دقيق المنطق ، قريب الخطأ اذا مشى ، و انما سَمِّيَ ادريس لكثرَة مَا كان يدرس من حكم الله عزوجل ... » . (۱۰)

ادریس در آثار متفکرین مسلمان مؤسس حکمت الهی محسوب شده و هم اوست که علوم نجوم و کیمیا و طبّ را بنیان نهاده و تمثیلات و آراء عرفانیش الهام

کان عليه مكتوب :

حق لا شک فيه صحيح ،
انَّ الْأَعْلَى مِنَ الْأَسْفَلِ وَالْأَسْفَلُ مِنَ الْأَعْلَى ،
عمل العجائب من واحد كما كانت الاشياء كلها من
واحد بتدبير واحد ،

ابوه الشمس ، أمه القمر ،
حملته الريح في بطنهما، غذته الأرض ،
ابوالطلسمات ، خازن العجائب ، كامل القوى
نارصارت ارضاً اعزل الأرض من النار ،
اللطيف اكرم من الغليظ ،

برفق و حكم يصعد من الأرض الى السماء و ينزل الى
الارض من السماء ،
وفيه قوة الاعلى والاسفل ،

لأنَّ مَعَهُ نُورُ الْأَنوارِ فَلَذِكَ تَهَبُّ مِنَ الظُّلْمَةِ ،
قوَّةُ الْقُوَّى

يغلب كل شئ لطيف ، يدخل في كل شئ غليظ ،
على تكوين العالم الأكبر تكون العمل ،
فهذا فخرى ولذلك سميت هرمس المثلث بالحكمة « . (١٢)
سوم - اثر دیگری از جمال اقدس ایهی که حاوی
اشاره ای به آراء و افکار هرمس میباشد لوح مبارک
ذیل است :

بنام یکتا خداوند مهریان

یا مهدی انشاء الله به عنایت دارای ام و مالک عالم
در ظل اسم اعظم ساکن و مستریح باشی و به ذکر
دوست یکتا مشغول محبوب عالیان میفرماید جهان را
ثبتاتی نبوده و نیست اگرچه بعضی از این عدم وفا و
عدم ثبات او شاکی بوده و هستند و لكن فی الحقيقة
محبوب بوده و هست چه که حکمت الهی اقتضای آن

نموده و بی امر و اراده او ورقی از اوراق حرکت ننموده
و نخواهد نمود و آنچه واقع مطابق حکمت است و کل
باید به آن راضی بل آمل باشند و لكن در بعضی از
امور چون بعد از حلوات وصال تلخی فراق دست
میدهد و همچنین بعد از قرب و لقا حکم بعد به میان
می آید این است که زفرات حزن و اندوه مرتفع
میشود و عبرات عيون جاری میگردد و الا امر چنان
است که از کلمات ادريس بعضی از حکماء اقتباس
نموده اند و ذکر کرده اند لیس فی الامکان ابدع عما
کان . آنچه بر شما وارد شد فی الحقيقة بر جمیع اهل
بهاء وارد شده چه که او از نفوسي بود که در اول
این ظهور به شرف اقبال فائز شد و به طراز عرفان
مزین گشت انا نذکره فی هذا الحین فضلاً من لدنا و
انا الذاکر العلیم . يا محمد قبل حسین یذکرک
هذا الحسین الذی بارادة من عنده تحرك القلم الاعلى و
تزین ملکوت الاسماء و يقول عليك بهائي و ذكری و
رحمتی و ذکر الماء الاعلى و بهاء اهل جنتی العليا انت
الذی وفیت بسمیاق الله و عهده و اقبلت اذ اعرض عنه
کل غافل و اعترض عليه کل ناعق و كنت قانما على
حب مولیک اذ اخذت اشجار الوجود ارباح عاصفات و
نقطت بشناء مولیک اذ اتی برایات الایات قد كنت فی
الدنيا ناطقاً بذکرہ و فائزًا بحبه الى ان صعدت الى
الرفیق الاعلى المقام الذی کلت عن ذکرہ اقلام اهل الائمه
کذلک یجزی الله من عمل فی سبیله احسن الجزا انه
ملالک الاخرة والاولی و سلطان العرش و الشری لا الله الا
هو المقتدر العلیم الحکیم « . (١٢)
در لوح فوق مطلبی که مربوط به بحث ما در باره آراء
و عقاید هرمس است این است که بنا به فرموده جمال

في الوجود اكمل من الحق ، و كماله في الوهيته بهذه
الصفات النسوية اليه (١٦)

و نيز در موضع ديكرى از فتوحات مكىه با استناد به
قول ابوحامد محمد غزالى چنین مينويسد :

” . . . العبدالكامل ، المخلوق على الصورة ، الجامع
للحقائق الامكانية و الالهية . و هو المظهر الاكمل الذى
لاكمel منه ، الذى قال فيه ابوحامد : ‘ما فى الامكان
ابداع من هذا العالم لكمال وجود الحقائق كلها فيه .
وهوالعبد الذى ينبغي ان يسمى خليفة و نائبا وله الاثر
الكامل فى جميع المكنات ، وله المشيئه التامة و هواكمل
المظاهر . . . ” . (١٧)

يکى از علمداران بنام نظریه « ليس في الامكان ابدع
مماکان » در بین فلاسفه غرب گوتفرید ویلهلم
لایبنتیس (Gottfried Wilhelm Leibniz) حکیم بنام
آلمانی (١٦٤٦ - ١٧١٦ م) است . در تفکرات لایبنتیس
یکی از اساسی ترین اصولی که بینان استدلالهای
منطقی قرار می گیرد اصل کفایت (کافی بودن)
علت و یا به بیان دیکر اصل عدم ترجیح بلا مردج
است . مفهوم این اصل چنین است که تا برای بوجود
آمدن یک شئی علت کافی وجود نداشته باشد آن شئی
به وجود نمی آید . بر اساس این اصل لایبنتیس
معتقد به این نظریه است که نظام حاکم بر عالم وجود
بهترین و کاملترین نظام ممکن است و بر اساس اصل
کفایت علت نظامی اکمل و ابدع از آنچه موجود است
نمیتواند در عالم وجود داشته باشد زیرا حق جل جلاله
محترار بود که عالم خلقت را نظام دهد و نظامی را که
برگزیده اگر با سایر انظمه ممکن برابری می نمود
علتی برای برگزیدنش وجود نداشت یعنی اصل

قدم بعضی از حکماء با اقتباس از کلمات هرمس در
باره عالم وجود چنین اظهار نظر نموده اند که « ليس
في الامكان ابدع عما كان » .

مفهوم این عبارت آن که عالم امكان در غایت اتقان و
كمال و جمال آفریده شده و به هیچ وجه نمیتوان نقش
و عیب و اهمالی در خلق آن تعقل نمود . آراء و
عقایدی که در آثار هرمس ارائه شده و بعضی از
حکماء را تحت تأثیر قرار داده و به استنتاج و بیان
نظریه « ليس في الامكان ابدع مما كان » (١٤) رهنمون
کشته براین محور اساسی در بینان تفکرات هرمسی
استوار است که خالق عالم کمال صرف و جمال بحت و
عقل کل است و در نتیجه خلقی که از چنین خالقی
نشئت گرفته در غایت کمال و نظم و ترتیب بوده و
خالی از هر نوع نقش و عیب است به طوری که ابداع
خلقی بهتر و کاملتر از آنچه خلق شده ممکن و میسر
و معقول نیست .

هرمس در موضعی از کتاب زجرالنفس خود می
نویسد :

” انَّ مَبْدِعَ الْأَشْيَاءِ جَلَّ وَ عَلَا هُوَ أَشْرَفُ الْأَشْيَاءِ
كَلَّاهَا ” . (١٥)

امثال این اشارات کسانی نظیر غزالی و ابن عربی را
در آراء و عقاید خود در باره عالم وجود به این
استنتاج سوق داده است که مبدع اشیاء که خود
اشرف اشیاء است نمیتواند مبدع نقش و رشتی و هرج
و مردج در عالم خلقت باشد .

مثلاً ابن عربی در کتاب فتوحات مكىه چنین می
نویسد :

” . . . فليس في الامكان ابدع من هذا العالم . لأنَّ ليس

چون درست بسنجیم خیر غالب است و آنچه در عالم آفرینش روی میدهد بهترین وجه است.

هرچند اکثر حکمای پیشین هم این نظر را اظهار کرده بودند که هر چیزی بجای خویش نیکوست و لیکن در متاخران و محققانی که از ارباب دیانت نبوده اند خاصه در اروپا کسی باندازه لاپینیتس درین باب بحث نکرده و مبالغه ننموده است (۱۸)

نظریه "لیس فی الامکان ابدع مسکان" در نظریات و آراء کلامی امر بهائی نیز پذیرفته شده و این نکته در آثار عدیده طلعت مقدسه بهائی به وضوح انعکاس یافته است . از جمله حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه چنین می فرمایند :

" . . . و اگر وجود منتهی باین حیات فانی باشد بكلی از نتیجه ساقط و هذیان صرف و عدم به از آنست چگونه میشود که حقایق سیر در مراتب کند و نهایت معارجش این باشد که در این جهان هموم و غموم آید و از کام دل و راحت جان محروم این نهایت منازل و غایت مراحل گردد یا اسفاعی الانسان ان کان خاتمة المطاف هذه الدارالتی هی مرکز المحن والآلام و آن الله اجل من ذلك و لیس فی الامکان ابدع مسکان و عليك التحيۃ والثناء " . (۱۹)

بیانه در شماره بعد



یادداشت ها

- ۱ - در باره بلینوس حکیم مقاله جداگانه ای انتشار خواهد یافت .
- ۲ - حضرت بهاء الله ، مجموعه الواح مبارکه (قاهره : سعادت ، ۱۹۲۰م) ، ص ۴۸ - ۴۹ . در پاورقی ترجمه

کفایت علت مهم میشد و ترجیح بلا مرحج لازم می آمد . بنابراین اصل کفایت علت دلیل بر ان است که نظام موجود در عالم وجود ابدع و اتم و اصلاح است و ابداع نظامی بهتر و جامعتر از آن ممتنع و محال است .

محمد علی فروغی در شرح آراء و عقاید لاپینیتس از جمله چنین نوشته است :

" . . . آن حکیم شرح مبسوطی دارد در اینکه این عالم خلقت بهترین عوالمی است که ایجادش ممکن بوده است نظر باینکه آفریدگار که فاعل مختار است بنابر حکمت بالغه آنچه را بهتر است اختیار میکند . البته نیکوید در دنیا بدی و شر وجود ندارد ولیکن اظهار عقیده میکند که رویه مرفته خیر بیش از شر است و آن اندازه که بعضی شکایت میکنند بدی غله ندارد چنانکه هر کس عمری دراز کرده و گرم و سرد بسیار چشیده با همه دلتگی که از روزگار داشته باشد اگر بنا شود عمر را از سر بگیرد بسی شادمان خواهد بود . آن اندازه نقص و عیب هم که در دنیا هست بخداآند مناسب نیست . آفریدگار فعلش مثبت است و وجودی است و بدی و نقص امر عدمی است . مخلوق که بالطبع و ناچار محدود است از نقص و عیب مبری نمیماند و سیه رونی از ممکن هرگز جدا نمیشود و بنابراین وجود شر ناگزیر است و از کجا که سودمند نیست ؟ و علم ما بحکیم و مهربان بودن خدا مقتضی است که حکم کنیم باینکه سودمند است و با حکمت و مصلحت موافقت دارد . وانگهی عالم خلقت را رویه مرفته باید نگاه کرد و موارد خاص را نباید میزان گرفت در آنصورت دانسته میشود که خیر و شر جهان را

ستوده‌اند بر حقیر معلوم نیست اما از قرائت چنین بر می‌آید که مهدی ابن محمد حسین بوده است. محمد قبل حسین نیز که میرزا مهدی از صعود او اظهار تأسف و فرقه شدید نموده بوده میتواند آقا محمد حسین طبیب قزوینی باشد. هر دواین نقوص از مجاورین جمال قدم درایام بغداد بودند و در سال ۱۲۸۵ هـ ق / ۱۸۶۸ م در اشربلوای شیعیان بغداد با جمعی دیگر دستگیر و به موصل تبعید شدند.

۱۴ - عبارت مورد بحث در لوح جمال قدم که نقل شد به صورت "لیس فی الامکان ابداع عماکان" آمده اما در متون فلسفی و آثار حضرت عبدالبهاء به صورت "... ابداع عماکان" نیز ملاحظه میشود.

۱۵ - هرمس الحکیم، کتاب زجر النفس (بیروت: بی ناشر، ۱۹۰۲ م) ، تصحیح و تعلیق از الخوری فیلیمون، ص ۲۲.

۱۶ - محیی الدین بن عربی، الفتوحات المکیه (قاهره: المکتبة العربية، ۱۹۷۸ م) ، ج ۶، ص ۳۹۲.

۱۷ - فتوحات مکیه، ج ۱۲ (طبع ۱۹۸۸ م) ، ص ۵۱۴ - ۵۱۵.

۱۸ - محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا (طهران: صفوی علی شاه، ۱۲۱۸ هـ ش) ، چاپ سوم، ج ۲ ص ۷۲-۷۱

۱۹ - حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (طهران: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۲۱ ب) ، ج ۴، ص ۸۷.

انگلیسی این فقرات به زبان انگلیسی که در کتاب :

Tablets of Bahá'u'lláh (Haifa: Bahá'í World Centre, 1978, P.147),

به طبع رسیده چنین تصریح شده است که مقصود از "ابوالحکمه" سقراط حکیم است اما بنا بر شواهدی که در متن مقاله خواهد آمد مراد از "ابوالحکمه" قطعاً هرمس میباشد.

۲ - بلینوس الحکیم، سر الخلیقة و صنعة الطبيعة - کتاب

العلل (حلب: جامعة حلب، ۱۹۷۹ م) ، تحقیق اورسولا وایسر (Ursula Weisser) ، ص ۷. از این پس از این کتاب با عنوان کتاب العلل یاد خواهد گردید.

۴ - کتاب العلل ، ص ۲۸۱.

۵ - کتاب العلل ، ص ۵۲۲.

۶ - شهاب الدین یحیی سهروردی ، مجموعه مصنفات شیخ اشراق (طهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۲۷۲ هـ ش) ، به تصحیح هنری کریں، ج ۲، ص ۱۰.

۷ - محمد شریف نظام الدین احمد بن الهروی، انواریه (طهران: امیرکبیر، ۱۲۵۸ هـ ش) ، ص ۷ - ۸.

۸ - حضرت بهاء الله، اقتدارات (بی ناشر، بی تاریخ)، ص ۱۱۰.

۹ - با توجه به آن که ادریس بر اساس احادیث اسلامی خلق را حکمت الهیه تدریس میکرده حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه از احبابی الهی دعوت میکنند که درس ادریس بر پا نمایند و مراد از این تمثیل لزوم قیام به تعلیم و تربیت خلق و آشنا نودن نقوص به حکم و معارف الهیه است که ادریس در آن پیشقدم و استاد بوده است. بیان حضرت عبدالبهاء در لوح مزبور چنین است: "... جمال یوسفی ادراک کنید و آه و اینین یعقوبی استماع کنید بلا و حزن ایوب را بدانید و درس ادریس بر پا نمایند ...".

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، لانگنهاین : لجنه نشر اثار امری، ۱۹۹۲ م ، ج ۲، ص ۱۶۹)

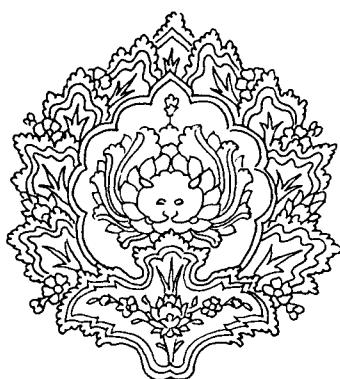
۱۰ - محمد باقر المجلسی، بحار الانوار (طهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۲۶۲ هـ ش) ، ج ۱۱ و ۱۲ در یک مجلد، ج ۱۱ ، ص ۲۷۰.

۱۱ - عبدالحید اشراق خاوری، مائدہ آسمانی (طهران: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۲۸ ب) ، ج ۱ ، ص ۵۴ - ۵۵

در این مأخذ دو اشتیاه مطبعی در کلمات (اللطیف) و (الفلیط) وجود دارد که تصحیح شد و آنچه در این مقاله نقل شده صحیح است.

۱۲ - کتاب العلل ، ص ۵۲۴ - ۵۲۵.

۱۳ - هویت دقیق مخاطب لوح و هویت محمد قبل حسین که جمال قدم صفات و خدمات او را در این لوح



مادر

شعر از : مهدی سهیلی

بس شامهای تاخ که من سوختم ز تب
تو در کنار ب دست بر دعا
بر دیدگان مات پسر دیده دوختی
تا کاروان رنج مرا ، همراهی کنی
با چشم خوبسوز ، چون شمع دیر پای ،
هر شب ، گریستی ، تا صبح سوختی ،
شباهی بس دراز نخفتی که تا پسر ،
خوابید بناز بر اثر لای لای تو ،
رفتی باستانه مرگ از برای من ،
ای تن بمرگ داده ! بمیرم برای تو ،
این قامت خمیده در هم شکسته است
گویای داستان ملال گذشته هاست
رخسار رنگ باخته و چشم خسته است ،
ویرانه ای ز کاخ جمال گذشته هاست .
در چهره تو مهر و صفا موج می زند
ای شهره در وفا و صفا ! میپرستمت
در هم شکسته چهره تو ، معبد خداست
ای بارگاه قدس خدا میپرستمت
مادر ! من از کشاکش این عمر رنج زای ،
بیمار و خسته جان به پناه تو آمدم
دور از تو هرچه هست ، سیاهیست ، نور نیست
من در پناه روی چو ماه تو آمدم
مادر! مرا ببخش فرزند خشمگین و خطاکار خویش را ،
مادر حلال کن که سراپا ندامت است
با چشم اشگبار ز پیشم چو میروی ،
سر تا پیای من ، غرق ملامت است .

مادر ! مرا ببخش ،
فرزنده خشمگین و خطاکار خویش را
مادر ! حلال کن که سراپا ندامت است
به چشم اشکبار ، ز پیشم چو میروی
سر تا پیای من ،
غرق ملامت است ،
هر لحظه در برابر من اشک ریختی
از چشم پر ملال خواندم شکایتی
بیچاره من ، که با همه اشکهای تو
هرگز نداشت راه گناهم نهایتی
تو گوهری که در کف طلفی فتاده ای
من ، ساده لوح کودک گوهر ندیده ام
گاهی بسنگ جهل ، کهر را شکسته ام
گاهی بدست خشم ، بخاکش کشیده ام
مادر ! مرا ببخش
صد بار از خطای پسر اشک ریختی
اما لبت بشکوه من آشنا نبود
بودم در این هراس که نفرین کنی ولی
کار تو از برای پسر جز دعا نبود
بعد از خدا ، خدای دل و جان من توبی
من ، بنده ای که بار کنه میکشم بدوش
تو ، آن فرشته ای که ز مهرت سرشته اند
چشم از گناهکاری فرزند خود بپوش
ای بس شبان تیره که در انتظار من
فانوس چشم خویش به ره ، بر فروختی

خانم مهین موزون



مهران و جناب پزشکی بعنوان مدیر کل فرهنگ به بندر عباس منتقل شدند که در واقع نوعی تبعید بود.

هرچند در سمت جدید لازم بود که جناب موزون کاملاً رعایت حکم را بنماید ولی با این وصف بعد از مدت کوتاهی همه اهالی دانستند که جناب موزون بهائی است. روزی شیخ محل با عصا به جانب موزون حمله کرد و ضریه وارد نمود و این مسئله سبب شد که رئیس ژاندارمری مهران جناب سرهنگ انصاری در جریان قرار گرفت و علاقمند به تحقیق در باره دیانت بهائی شد لذا روزی به جناب موزون گفت که علاقمند است در باره دیانت بهائی اطلاعاتی کسب کند و بهمین جهت آیت الله ابوالقاسم اشکوری پیشوای شیعیان مرزی عراق و ایران را بمنزلش دعوت و خواست که جناب موزون هم در جلسه

یادی از گذشتگان :

شرح حیات و خدمات

ناشر نفحات جناب سیف الله موزون

علیه رضوان الله

جناب سیف الله موزون در خانواده ای مؤمن پا به عرصه وجود گذاشتند خانواده ای که مورد عنایت طلعت مقدسه امر بهائی قرار گرفته بودند. ایشان از سنین کودکی و نوجوانی به کسب معلومات امری پرداختند در کلاس‌های جنابان وحید کشفی و اشراق خاوری و بیوت تبلیغی حضرت ایادی امرالله جناب طراز الله سمندری شرکت نمودند. پس از پایان دوره تربیت معلم در همدان در سن ۲۲ سالگی با استخدام اداره فرهنگ ملایر در آمدند. در سن ۲۲ سالگی با خانم مهین پزشکزاد ازدواج نمودند که حاصل آن ۵ فرزند است (۲ پسر و ۳ دختر) که همگی در ظل امر به خدمات مختلف مشغولند از حوادث جالب دوران خدمت ایشان در ملایر تبلیغ جناب محمود پزشکی (۱) ناظم و دبیر دبیرستانی بود که در آن تدریس می نمودند و چون جناب پزشکی مردی با سواد و مورد احترام و محبت اهالی بودند لذا این مسئله با سرو صدای زیادی همراه شد که ذکر جزئیات آن و خدمات جناب پزشکی از حوصله این شرح حال مختصر بیرون است ولی خلاصه داستان آنکه کار به مرکز کشید و تیجه آن شد که جناب موزون با سمت رئیس فرهنگ به پشتکوه

مغرضین خواستار خروج احباء شدند ، از آنجا که عده ای از مهاجرین در املاک متعلق به شاهزاده عباس میرزا سیف به کار و زراعت مشغول بودند شاهزاده مذکور نیز محب به امر بهائی بود و تعصی نداشت و ضمناً خروج احباء برای او زیان بخش بود لذا به جناب موزون اظهار داشت که من آیت الله قمشیه را از عراق دعوت کرده ام و قرار است جلسه ای در منزل یکی از بستگان با حضور عده ای از مسلمانان تشکیل گردد و شما در این جلسه صحبت کنید و من بدلیل اینکه بهائیان خدای پرست هستند ، می توانم آشوب را خاموش کنم جناب موزون مراتب را به اطلاع محفل روحانی رساندند و شب موعود باتفاق برادر همسرشان که جوانی ۱۸ ساله بودند در جلسه مزبور شرکت می کنند تا اگر اتفاقی افتاد خانواده و احباء توسط جوان مذکور مطلع کردند خانواده هم در منزل مشغول دعا و مناجات شدند ، جلسه مذکور با موفقیت پایان یافت بطوری که جوانی محب که در جلسه حضور داشت میگفت که آقا در مقابل صحبت های جوان بهائی حرفي برای گفتن نداشت باین ترتیب غائله مذکور پایان پذیرفت و آرامش برقرار گردید

جناب موزون چند سال بعد به طهران منتقل شدند مجدداً در نقشه ۴۵ ماهه به شاه آباد غرب مهاجرت نمودند در آن ایام شاه آباد غرب محفل نداشت فقط یک نفر بهائی داشت تا آنکه با تصدیق چند

شرکت نمایند ایشان قبول نمودند و جلسه ای با حضور جناب سرهنگ و آجودان ایشان و آیت الله اشکوری و جناب موزون در منزل جناب سرهنگ تشکیل شد در این جلسه ابتدا آیت الله به معنی خویش پرداخت و از بالا بودن مقام روحانی خویش و اطلاعاتش در اسلام سخن گفت جناب موزون گفتند که من ۲۲ سال از عمر میگذرد و اطلاعات مختصی دارم سپس سوالات و اعتراضات آیت الله شروع شد و جناب موزون باستناد آیات قرآن و احادیث به جوابگوئی پرداختند و گاهی از آثار مبارکه با صدای رسا و با هیمنه مخصوص تلاوت می نمودند آیت الله که هرگز انتظار شنیدن چنین مطالبی را از جوانی ۲۲ ساله نداشت متوجه و درمانده شد در این موقع جناب سرهنگ رو به آیت الله کرد و گفت آنچه باید امشب بفهمیم فهمیدم برای امشب کافی است و ادامه بحث را به بعد موكول نمود بعد از رفتن آقا جناب سرهنگ رو به بنده کرد (منظور خانم موزون) و گفت « من شنیده بودم بهائیان خیلی فصیح و بلیغ صحبت میکنند ولی ندیده بودم واقعاً آقای موزون امشب غوغای کرد »

در سال ۱۲۲۲ مجدداً جناب موزون به ملایر منتقل شدند در آن سال چند خانواده بهائی بقصد مهاجرت از طهران به ملایر آمدند و در اطراف شهر ساکن شدند اهالی متوجه حضور احبا شده لذا تحریکات آنان شروع شد ، سرانجام عده ای از

جناب موزون پس از پایان نقشه ۴۵ ماهه به دماوند هجرت نموده و بعداز یکسال اقامت به اداره دارائی کرمانشاه منتقل گردیدند. در جریان وقایع مریوط به سخنرانیهای فلسفی از رادیو ، استانداری کرمانشاه نامه ای به محفل روحانی کرمانشاه نویت که نماینده خود را به استانداری معرفی کنند جناب موزون از طرف محفل به عنوان نماینده معرفی شدند تا در کمیسیون امنیت استان حاضر باشد ایشان در موعد مقرر در جلسه ای که باحضور استاندار ، فرمانده سپاه ، فرمانده ژاندارمری ، رئیس شهریانی ، شهردار ، مدیر کل گمرک ، مدیر کل آموزش و پرورش ، نماینده مجلس شورای ملی و دو نفر منشی تشکیل شده بود حضور یافته در این جلسه ابتدا استاندار بنام شاهنشاه جلسه را افتتاح و نامه محفل روحانی کرمانشاه را که متنضم معرفی جناب موزون بود قرائت و بحضور نشان داد و سپس نامه نخست وزیر را که حاوی فرمان ملوکانه بود قرائت و خطاب به جناب موزون گفت که مراتب زیر بشما ابلاغ میگردد تا یادداشت نموده به جامعه بهائی ابلاغ کنید .

- ۱ - طبقه این دستور باید درب محفل بسته و اقدامات قبلی بکلی متوقف شود .
- ۲ - هرگونه فعالیتهای حزبی و تبلیغاتی منوع و در غیر اینصورت تحت تعقیب قرار خواهد گرفت .
- ۳ - روز شنبه مأمورین به محل آمده و ساختمان محفل را لک و مهر کرده تحويل مسئولین خواهند داد .

نفر و آمدن یکی دو مهاجر جدید محفل روحانی شاه آباد غرب برای اولین بار تشکیل گردید . در ابتدای ورود به شاه آباد غرب آخوند محل مخالفتی با احباء نداشت ولی پس از چندی آخوند دیگری با پرسش که او نیز معم بود از کرمانشاه به شاه آباد غرب وارد شده و ساکن گردیدند " پدر و پسر مذکور بنای مخالفت با امر را گذاشتند و باذیت و آزار بهائیان پرداختند جناب موزون ناگزیر مراتب را باطلاع رئیس شهریانی رسانده و رئیس شهریانی از آخوند مذکور تعهد گرفت که در محل عشايري فتنه انگیزی ننماید ولی آنان در خفا به تحریکات مشغول بودند تا زمانی که برف شدیدی آمد و ارتباط شاه آباد غرب با شهرهای بزرگتر قطع شد و اهالی دچار کمبود آذوقه شدند کمیسیونی به ریاست جناب موزون برای کمک به مردم تشکیل شد از جمله خانواده هائی که بآنان کمک زیاد شد خانواده آخوند مفرض و مزاحم بود که خود باتفاق پرسش در مسافرت بودند و خانواده اش تنها و بی سریرست بسر میبردند وقتی آخوند مذکور وی پرسش از مسافرت برگشتند توسط خانواده از جریان کمکهایی که بدست جناب موزون انجام شده بود مطلع شدند به جناب موزون مراجعه و بسیار اظهار تشکر نموده و از گذشته و بی مهری هائی که کرده بودند معدتر خواستند و گفتند که ما متغیریم که شما در مقابل کارهای ناپسند تا این اندازه محبت می کردند .

یا فتوری کنم و یا در بیان مقصود غفلتی کنم که سبب بدنامی من و گرفتاری احباء عزیز شود و بخيال خودم میگفتم اگر چنان گفتند چنین جواب خواهم داد گاهی بقدر نگران بودم که مثل طفل از عجز و ناتوانی خود گریان می شدم بالاخره گفتم این که تصمیم شخصی نبود انتخاب محفل روحانی است، با این قبیل مطالب قلب مضطربم را تسلى میدادم . . . اکنون خیلی فشرده و مختصر نمائی از جلسه مذکور را مجسم می کنم در حین خواندن لوح منیع شکر شکن پیشخدمت اداره آهسته آمد استکانهای چائی را ببرد تجدید کند سرلشگر کویال با اشاره دست اجازه ورود نداد . . . در نهایت وقار و متنات شمرده و لطیف لوح مبارک را میخواندم و بعضی از جملات شورانگیز را که مملو از استغناء طبع و هیمنه جمال مبارک بود دوبار تلاوت می کردم . . . در اینجا بعضی ها زیر چشم بهم نگاه مبادله میکردند سبحان الله از قدرت نمائی جمال مبارک ، سرلشگر کویال همه اش روی مبل که نشسته بود بسقف چشم دوخته بود گوئی به نامحدودی و ژرفنای بحر حکمت الهی فکر میکرد و یا اینکه به بزرگواری حضرت بهاء الله و بی وفاتی و بیچارگی و غفلت مردم . در هر حال سخت همه متفسک و ساكت بودند در موقع پذیرانی سرلشگر یکرنگیان فرمودند وقتی ایشان صحبت می کردند من بدقت کامل باساس معتقدات محکم حضرات کاملاً آشنا شدم قبل از هم مختصر اطلاعاتی از آداب و

پس از پایان بیانات ایشان جناب موزون اظهار داشت فرمودید درب محفل را ببندید محفل در ندارد محل اجتماع بهائیان حظیرة القدس نامیده میشود . در این موقع نماینده مجلس پیشنهاد می کند خوب است اجازه بفرمایند که آقای موزون تا اندازه ای عقیده بهائیان را بفرمایند تا بتوانیم بهتر قضاوت کنیم و دستور صادر نمائیم حضار موافقت کردند در این موقع جناب موزون در سالن استانداری شروع به صحبت کردند و اعتقادات بهائی را بیان داشتند و گاهی بمناسبت قسمتهای از آثار مبارکه را از حفظ می خواندند و سپس چون موقعیت ایجاب نمود بمنظور آشنایی بیشتر با آثار مبارک لوح مبارک شکر شکن را به نحوی که خاص خودشان بود با شور و هیجان و احساس فراوان از حفظ خواندند در یادداشت های جناب موزون در این مورد چنین میخوانیم :

« حالا شما تصور این محیط را بفرمایید که حضرات در موقع تلاوت مناجات و قرائت این لوح منیع عظیم در چه شکلی و حالتی با عکس العملی بودند . باید بكمال عجز صد بار عرض کنم فسبحان ربی الابهاء . . . الا ابھی بر کبرنائی جمال قدم جل جلاله فقط جمال القدم شاهد اوضاع بود که بفضل مدرارش از افق ابها فضای جلسه را غرق انوار اسم اعظم کرده و به نیروی نافذه کلماتش ارواح و قلوب نفوس را در قبضه قدرت و اقتدارش اسیر فرموده . . . شب قبلیش چقدر نگران بودم که مبادا قصوري و

دیدم که از جلسه می‌آمد فرصت نشد جریان را تعریف کند فقط گفت فلانی در عمر چنین جذبه و شوری در جلسه و یا انجمنی ندیده بودم هنگامه بود بعد از رفتن آقای موزون تمام اعضاء جلسه بی اختیار زیان به تمجید و تحسین گشودند آقای استاندار می‌گفت من نمیدانم چه شکلی شد که جلسه باین صورت و مذاکرات منجر شد، فردای آن روز استاندار موزون را به استانداری دعوت و گفته بود من دیشب تا صبح خوابم نبرد با رئیس شهریانی هم که تلفونی صحبت کردم گفت دیشب از فکر و خیال خوابم نبرد استاندار گفت بعد از رفتن شما برای من چندین سوال پیش آمده می‌خواهم با شما در میان بگذارم، استاندار می‌گوید من از خانواده مسلمان متعصب و سادات هستم پدرم از مخالفین دیانت بهائی است و کتابی بر رده بهائیت نوشته بنام (کلمات شیاطین) شوهر خواهرم بعد از ازدواج نمیدانم چرا بهائی شد پدرم آنقدر مضطرب و نگران شد که حدی ندارد خیلی زحمت کشید چندین نفر را واسطه کرد شاید بدین اسلام برگردد ولی بهیچ قیمت حاضر نشد و بالاخره پدرم طلاق خواهرم را با یک بچه گفت، دیروز مطالب شما افکار مرا بهم ریخته تصمیم گرفتم قبل از رفتن به مرخصی یک سلسله اطلاعات بدست آورم و بعد از آن یکی یکی از مشکلاتی که در نظر داشت با جناب موزون در میان گذاشت و برای هر یک جواب و دلائلی کافی شنیده چندین بار ملاقات و تعدادی کتاب گرفت

رسوم و تاریخ بهائیت داشتم با این تفصیل و تحقیق در شرایط فعلی کشور با توجه بمستورات که رسیده . . . مطمئن هستم با این پیشنهاد بندۀ همه اعضاء همکار و هم‌فکرند . . . من از طرف این کمیسیون به آقای موزون ابلاغ می‌کنم که بحضرات بهائیان این منطقه و آستان اطمینان بدھید مدامی که ما در اینجا هستیم نخواهیم گذاشت هیچگونه قیام مخالفتی بر علیه بهائیان بشود بهم ابلاغ کنید که اجازه نخواهد داد بنام بهائیت فتنه بر پا شود بهائیان هم با کمال حزم و احتیاط رعایت تمام جوانب را بگنند بعداً رو به استاندار کرده گفت ما ساختمان و یا حظیره القدس آنها را می‌خواهیم چه کنیم اگر مظنون هستید همه را توقيف کنید و کر نه بیجهت برای خودمان دردرس درست نکنیم همه اعضاء تحسین کردند . . . مخصوصاً رئیس شهریانی مکرر فرمودند نظر واقعی و عقیده قلبی همه ما همین است. ضمن اظهار تشکر و خداحافظی از آقای استاندار خواهش کردم که اگر ممکن است نظریه کمیسیون را کتاباً ابلاغ فرمایند، فرمودند باید این مطلب را صحبت کنم. جناب موزون سپس برای گزارش در جلسه محفل رفته و جریان را مشروحاً بیان داشت.

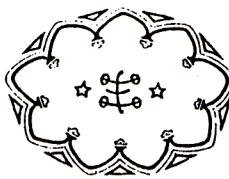
اعضاء محفل روحانی از این بشارت چه سرور و شعفی یافتند و برای شکرگذاری مشغول مناجات شده آقای یوسف عباسیان عضو محفل روحانی می‌گوید در موقع آمدن به محفل شهendar را توی راه

و روحی مستبشر بملکوت ابھی صعود نمود . مھفل ملی بهائیان کانادا مراتب را بعرض مقام رفیع بیت العدل اعظم رسانید و آن مرجع جلیل ضمن تلگرافی خطاب به مھفل ملی اظهار تأسف از صعود ایشان نموده و متذکر شده اند که یاد جناب موزون بمناسبت خدمات عاشقانه اش در میدان تبلیغ همواره زنده است . و بازماندگان را در مقامات متبرکه علیا برای ارتقاء روح آن متصاعدہ الی الله اطمینان بخشیده اند. این تلگراف بواسطه نماینده مھفل مقدس ملی در جلسه تذکر قرائت گردید . جناب موزون مفتخر بصدور دو توقيع از قلم مبارک حضرت ولی محبوب امرالله شده اند که یکی در آن توقيع در اين شماره صفحه ۵۶ - عیناً گراوار میگردد. خانم پوران بقائی خاطره ای از جناب موزون کتاب مقوم داشته اند که خلاصه آن چنین است :

در سال ۱۹۸۱ شبی مهمان جناب موزون بودم در ضمن صحبت فرمودند امامتی دارم که سی سال است در تمام مسافرت‌هایم همراه داشته ام ، بعد از آن بسته ای را ارائه داده و باز نمودند ، پرچم (یا بهی الابھی) بود و در نهایت ظرافت و دقّت بر روی ساتن سفید برنگ آیی پر رنگ دوخته شده بود ایشان توضیح دادند که این پرچم را در سن ۱۶ سالگی شخصاً دوخته ام ، حال این امانت را بتو می سپارم تا هر طور خواستی از آن استفاده نمائی ، لذا طبق نظر مُعزی له در تمام جلسات امری که شرکت می نمودم این پرچم گرانقدر را با خود

بقیه در صفحه ۶۸

در ضمن کتابها کتاب ایقان را خوانده بعد از مطالعات زیاد به موزون میگوید حالا فهمیدم چرا شوهر خواهرم بهائی شد و بهیچ قیمت برنگردید . بعد از تشکیل کمیسون آرامش محیط کرمانشاه و اطراف حکم‌فرما بود و گاهی که رئیس شهریانی با جناب موزون برخورد میکرد با خنده می پرسید (آقایان محفلي از ما راضی هستند ، ببینید در بعضی از شهرها چه فتنه و آشوبی است) موزون با اظهار تشکر از طرف مھفل جواب میداد البته . بعد از این جریان جناب موزون برشت منتقل و در آنجا موفق باخذ حظیرة القدس از ید متصرف غیر ماذون گردید . سپس باصفهان انتقال یافت و در اصفهان نیز توفیق تبلیغ ۲۵ نفر رایافت و مجدد نقل مکان بطهران نمود ولی هیچگاه از تبلیغ امر الھی غفلت نورزید اقدامات تبلیغی مشارکیه در بیوت تبلیغی طهران معروف دوستان است . در سال ۱۹۷۵ با اخذ ویزای مهاجرت با عائله بکانادا وارد و مقیم تورنتو شدند و با وجود عدم تسلط بزبان انگلیسی امر تبلیغ را سرلوحه اقدامات خود قرار داد . در میسی ساگا که شهری است نزدیک تورنتو در منزل جناب روشن شمس بعنوان مبلغ در جلسات تبلیغی (فایر ساید) شرکت نموده و بیانات ایشان بواسطه جناب امیر هوشنسگ مهرآسا و بعداً بوسیله جناب روشن شمس برای متحریان زبان انگلیسی ترجمه میشد . در سنه ۱۹۹۱ مريض شد معالجات سودی نبخشید سرانجام با خاطری آسوده



جناب لا میرزا سیف اللہ موزون علیہ باد ائمہ خلیفہ
 مرغوبہ اندوست غریز معنوی مورخ نظم شہر اعلان استا ملحوظ کجا
 غائب حضرت ولی امر ائمہ اروہ خاند راه داشت و نعمت خلوص
 درو حائیت و مرتب سوق و کشیاق بر خدمت بھراز مرست
 مژین و مُشرف اہب شہ در این یوم مبارک باران باود فارا
 آرزوئی جو خدمت در گاہ رحمائیت نہ دیند گان اسٹان
 طلعت احديت را خواهش دامائی جزو زبانی مُرفت
 نیت انجیب روحانی از اطاف انجمال لایزال از این
 جام مرہب شر و ب و از شهد غایت مژد و ق میزین
 مبارک ن چنان تا تایید مزید پا به و انوار توفیق تایب
 شدید ناید و آرزوی دل و جان تحقیق جیہ راجی
 بد و طغی لوح مبارک آثار یار عاصہ مرکزیان ارواح
 الی لعین رسم ایا طهر خدا کر تقدیم نموده بودیم خود بذ
 بنویس این دل لوح در تحفظ آثار بین ملکیں بنام ایا
 تحفظ خواہ ماند" حب ایام مبارک مرقوم کردہ

۱۹۴۳ء ۲۸ می ۱۹۰۱ء
 نوریہ نیز

استدلال :

بسم ربنا البهی الابھی

جواد قوچانی

روشن است ، اینک بشرح ذیل اصل عربی قسمتی از آن و ترجمه فارسی درج میگردد :

الباب السادس والستون وثلاثمائة - فی معرفة منزل وزراء المهدی الاتی فی اخرالزمان الذی بشربہ رسول الله (ص) و هو من اهل البيت الحضره المحمدیه . « الا ان لله خلیفة یخرج و قد امتلأت الارض جوراً و ظلماً فملوها قسطاً وعدلاً . لولم یبق من الدنيا الا يوم واحد طول الله ذلك اليوم حتی یکی هذا الخلیفة من عترة رسول الله من ولد فاطمه یواطی اسمه اسم رسول الله . . . یشبه رسول الله فی الخلق بفتح الخاء . . . اسعد الناس به اهل الكوفه . . . یخرج على فتره من الدين نزع الله و ما ینزع بالقرآن یمسی جاهلاً بخيلاً جباناً فیصبح اعلم الناس اکرم الناس اشجع الناس یمشی النصر بین یدیه یعيش خمساً اوسبعاً اوتسعاً یقفوا اثر رسول الله ینفح الروح فی الاسلام و یعز الاسلام من بعد ذلک و یحی بعد موته . . . یرفع المذاهب فلا یبقى الا الدين الخالص ، اعدائه مقلده العلماء اهل الاجتہاد . . . فشهدائه خیرالشهداء و امنائه افضل الامماء و ان الله یستوز زر له طائفة خباهم له فی مکنون عنه اطلعهم کشفاً وشهوداً علی الحقائق و ما هو امر الله فی عباده . . . و هم علی اقدام رجال من الصحابة صدقوا ما عاهدو الله علیه و هم من الاعاجم ما فیهم عربی لیکن لا یتكلمون الا بالعربیه لهم حافظ ليس من خیسهم ما عصی الله قسط هو اخص الوزراء و افضل الامماء . . . و انما شک رسول الله فی

در ایام فراموش نشدنی مدرسه تابستانه ملبورن در سال جاری در ضمن گفتگو با یاران عزیز روحانی در باره وعود الهی در کتب آسمانی و مراتب الهامی به قلوب شعراء و ادباء و اولیاء در باره این امر اعظم اقدس الهی که موجب تسیر خاطر شنوندگان قرار گرفت خواهر بزرگوار روحانی نورانی سرکار ایران خانم رفیعی از این عبد ناتوان خواستند که مختصراً در باره اینگونه پیشگوئیها تهیه و تنظیم و جهت مسرت عزیزان الهی که در دوره های مطالعه کتاب مستطاب اقدس ام الكتاب امر مقدس الهی و سایر الواح شرکت میفرمایند اهداء گردد .

اینک بطوریکه استحضار دارید در باره وعود الهی در کتب مقدسه آسمانی و وحی الهی بر انبیاء و پیامبران و همچنین الهام شعرا و عرفاء در باره ظهور مقدس جمال مبارک و اثرات آن در عالم امکان کتب و رسائل زیادی بقلم دانشمندان امر بهائی تأليف و در دسترس یاران الهی قرار گرفته است ، در این یادداشت فقط به چند مورد اشاره میشود : اولاً ، در کتاب فتوحات مکیه جلد سوم اثر دانشمند و فیلسوف مشهور اسلام شیخ محبی الدین عربی که در سنوات قرن پنجم و ششم هجری می زیسته مراتبی را پیشگوئی کرده است که بسیار واضح و

مدة اقامته خليفة خمس سنين او تسع سنين .. و
تقتلون كلهم الا واحد منهم في مرج عكا في المأدب
الهبيه ... و ظهور المهدى من اشرط قرب الساعه و
يكون فتح مدينة الروميه الملحمه العظمى التي هي
المأدب بمرج عكا ... »

مي برد و صبحگاهان همين شخص از جمله دانایان و بخشندگان و شجاع ترین افراد خواهد شدو همواره ظفر و پیروزی در پیشایپیش این خلیفه خدا است مهدی (خلیفه خدا) مدت پنجسال يا هفت سال و يا نه سال خلافت خواهد کرد . در طریق و راه و روش رسول خدا مشی مینماید در اسلام روح حیات می دهد و اسلام که درخواری و ذلت نموده بواسطه او عزیز خواهد شد و اسلام را بعد از مرگش دوباره زنده نموده « حیات می بخشد . مذاهب و فرقه ها را از بین می برد و فقط یک دین خالص و منزه باقی میگذارد . بزرگترین دشمنان او علماء و مجتهدین و مقلدین آنها هستند . شهداء او (کسانی که در راه او به شهادت می رسد) از بهترین شهدا هستند و امین های او از سایر امین ها برتر و پسندیده تر اند . خداوند تبارک و تعالی از برای او وزرائی تعیین کرده است که از کسانی هستند که دارند کشف و شهود و الهام می باشند و برآنها حقائق و امور آشکار می شود . این وزیرهای مهدی بر اثر رجالی که اصحاب و یاران رسول الله بوده اند مشی مینمایند و با آنچه عهد و پیمان بسته اند وفادار هستند و این وزراء مهدی از عجم (ایرانی) هستند در بین آنها شخص عرب وجود ندارد ولیکن بغیر از عربی مکالمه نمیکنند (۴) ، از برای این وزراء شخص حافظ و نگهبانی است که از جنس آنها نیست (۵) اوست که معصوم است و گناهی نکرده است او از بهترین و مخصوص ترین

باب ۲۶۶ از کتاب فتوحات مکیه جلد سوم شیخ محیی الدین عربی در باره موقعیت و مقام وزراء مهدی که در اخرالزمان ظاهر میشود و ظهور او از طرف رسول الله بشارت داده است که اوست از اهل بیت حضرت محمد رسول الله بدان و آگاه باش که بدرستی و تحقیق از برای خداوند خلیفه ای هست که هنگامی که ظاهر شود جهان را که از ظلم و ستم آغشته شده پاک و پاکیزه نموده و بجائی آن عدالت و دادگستری را حکمفرما می نماید . اگر یکروز از عمر جهان باقی باشد خداوند تبارک و تعالی آن روز را طولانی نموده تا اینکه این خلیفه خدا ظاهر شود . بدان که خلیفه خدا از خاندان رسول الله و فرزند فاطمه بوده و نام با نام رسول خدا آورده میشود (محمد) (۱) او از هر کس به رسول خدا از جهت خلقت وجودی شبیه تر است ، خوشبخت ترین مردم باو از اهالی کوفه هستند (۲) او بر روش و رویه دین ظاهر خواهد شد ، از ریشه و اساس می کند آنچه را بواسطه قرآن یا قبل آن ریشه کن شده است (۳) مؤمن به این خلیفه آنچنان وضعی دارد که شب را میگذراند و در حالی که در جهالت و نادانی و ترس و بیم و بخل و خست بسر

اسلام بودند که بلسان عربی کاملاً آشنا بوده و در تقریرات خود این زیان را بکار میبردند.

۵ - از بین وزراء مهدی یک نفر که مانتند سایرین نیست و از جنس آنها نمی باشد اشاره بوجود مقدس جمال مبارک حضرت بهاء الله است که در زمرة علماء نبودند و در عین حال حافظ و نگهبان سایر وزراء مهدی بودند.

۶ - در باره مدت خلافت حضرت مهدی بر رسول خدا نیز تردید بود که آیا ۵ سال است یا نه سال، البته بطوریکه مستحضریم مدت دیانت مقدس بیان (حضرت باب) نه سال بود از ۱۲۶۰ تا ۱۸۴۴ (۱۸۵۲) که اظهار امر خفی جمال قیوم در سیاه چال طهران بود.

ثانیاً در کتاب شمس المعانی شیخ بونی در جلد دوم فصل ۱۱ چنین آورده شده است ،

یا علی اعلم انَّ اللَّهَ سُوْفَ يَشْرُقُ اشْرَاقًا مِّنَ الْوَجْهِ الْأَبْهَى بِاسْمِ الْبَهَاءِ فِي يَوْمِ الْمُطْلَقِ وَيَنْزَلُ مِنْ مَرْجِ عَكَّا وَيَتَحَدُّ مِنْ عَلَى الْأَرْضِ كَلَهَا .

ترجمه فارسي آن اينست : حضرت محمد رسول الله به حضرت على اميرالمؤمنين چنین خطاب ميفرمائيند : « ای علی بدان و آگاه باش که خداوند تبارک و تعالی بزودی درخشش و تابندگی را بوجود میآورد از روی نورانی و با جلال و عزت شخصی باسم و نام بهاء در روز معین و سپس او وارد میشود در مرج عکا (شهر عکا) و تمام ساکنین زمین را باهم متتحد میسازد.

وزراء مهدی میباشد . بدرستی که رسول خدا در مورد مدت اقامت این خلیفه شک نموده که آیا مدت او پنجسال است یا نه سال (۶) ، همه وزراء مهدی گشته میشوند و فقط همان یکنفر باقی میماند که بالاخره به مرج عکا خواهد رفت و مستقر میشود . ظهور مهدی از شرط های قیامت است (ساعت) و بالاخره حادثه مهم در مدینه رومیه (شاید منظور استانبول است) واقع خواهد شد و سرانجام سفره خدا (مادبه الله) که همان شهر عکاست محقق میگردد . توضیحات در باره برخی از مسائلی که در این گفتار و پیشگوئی آورده شده است :

(۱) یواطی اسمه اسم رسول الله، منظور اینکه نام مهدی بانام محمد که رسول الله است آورده می شود (علیمحمد) .

۲ - خوشبخترین مردم اهل کوفه هستند - اشاره به رفتن جناب ملاحسین بشرویه و ملا علی بسطامی و همراهان و اعتکاف چهل شبانه روز در مسجد کوفه برای راز و نیاز باستان حضرت بی انباز جهت هدایت به درک ظهور موعود الهی حضرت باب (مهدی) بوده است .

۳ - نَزَعَ مَا يَنْزَعُ بِالْقَرَانِ - یعنی همانطوریکه قرآن کتاب آسمانی دیانت اسلام ادیان گذشته را نسخ نموده است حضرت مهدی (حضرت باب) نیز همین رویه را انجام میدهد .

۴ - اصحاب مهدی همه عجم (ایرانی) هستند و لیکن به عربی گفتگو میکنند زیرا همه از علماء

چنین پیشگوئی کرده است :

غرس چون گذشت از سال
بوالعجب کار و بار می بینم
مهدی وقت و عیسی دوران
هر دورا شهسوار می بینم
گلشن شرع را همی بویم
گل دین را ببار می بینم
بر کف دست ساقی وحدت
باده خوشگوار می بینم
گرگ با میش و شیر با آهو
در چرا بر قرار می بینم
تا چهل سال ای برادر من
دور آن شهریار می بینم
دور او چون شود تمام بکام
پسرش یادگار می بینم

در زیر توضیحاتی از طرف پسر خاله ام جناب محمد مهدی مولوی مهاجر ۵۰ ساله ممالک یمن و عدن در سرزمین عربستان که اشعار فوق را نیز ایشان فرستاده اند در این نوشته درج می گردد :
غرس بحروف ابجد ۱۲۶۰ میشود که برابر است با سال بعثت حضرت باب (مهدی وقت) ، اما عیسی دوران و ساقی وحدت که وحدت بین جمیع ادیان را اعلام فرمودند حضرت بهاء الله جل جلاله میباشد مقصود آن عارف ربانی از رفاقت گرگ با میش و شیر درنده جنگل با آهوی چرنده . . . صداقت و رفاقت و الفت نفوس متابغصه است . . . راجع بدور

ثالثا : از جمله شعرا و عرفاء عالم اسلام که در ایران مهد امرالله می زیسته شاه نعمت الله ولی ملقب به نورالدین پسر سید عبدالله حسینی است که در سال ۷۲۱ هجری متولد و در سال ۸۲۴ در قریه ماهان کرمان وفات یافته است این شخص رهبر طریقہ نعمت الله است . از وی چند شعر در دست است که ذیلاً درج میگردد .

این هفت حروف نام آن شاه من است
آن شاه که او مظہرالله من است

مجموع ۲۲۸ بشمارش

تا دریابی که نام دلخواه من است

توضیح انکه بر حسب پیشگوئیهایی که در روایات و احادیث اسلامی و همچنین برخی از کتاب پیامبران گذشته آورده شده دو ظهور اخرالزمان که باید متوالیاً ظاهر شوند دارای اسمی هستند که از ۷ حرف تشکیل شده است . چنانچه نام مقدس حضرت رب اعلی باب که علیمحمد است از هفت حرف تشکیل شده و همچنین حسینعلی نام مقدس جمال مبارک حضرت بهاء الله نیز از ۷ حرف تشکیل شده منظور شاه نعمت الله ولی در شعر فوق وجود مقدس حضرت بهاء الله است زیرا در شعر بعد میگوید عدد ۲۲۸ را مورد توجه قرار بده که بدانی نام مورد دلخواه اوست ، عدد ۲۲۸ بحساب ابجد مطابق است با حسینعلی (نام مقدس حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی).

۲ - همچنین شاه نعمت الله ولی در اشعار دیگرش

قبل از اظهار امر حضرت باب منتشر شده است ، سید مصطفی هاشم اسکوداری پس از شرح مقدماتی تغییراتی که در آتیه پیش خواهد آمد به عثمانیان خطاب مینماید ، میرسد باین شعر که بدوان عین ترکی و سپس ترجمه فارسی آن قید میشود :

از جمله چنین میگوید : ایکی ار وار ظهور ایلر -
بیری ایرانی سیرایلر - بیریسی روما نقل ایلر -
فرنگستانه میل ایلر

یعنی دو مرد ظاهر خواهد شد یکی از آنها در ایران به گردش می پردازد ، شخص و مرد دیگر بسوی روم آمده بطرف فرنگ متوجه میشود (روم نام قدیم قسمتی از شهر استانبول است که اکنون نیز به رومیلی مشهور است و ادرنه که پس از استانبول جمال قیوم و عائله مبارکه بآن شهر تبعید شدند در خاک اروپا یا فرنگ است و منظور عارف مذکور همین است که ظهور دوم که جمال مبارک حضرت بهاء اللہ هستند بطرف استانبول سپس بسوی سرحد اروپا که شهر ادرنه است توجه خواهند فرمود) . شاعر عارف پس از شعر فوق در بیت بعد چنین می سراید :

غیوردن صونرا بیل آتی - گهر لفظن عدد تانه -
گله مهدی حقانی - اچیلا گنج پنهانی - بیلینه علم عرفانی - نیجه مذهب اولا فانی

یعنی پس از عدد غیور که بحساب ابجد ۱۲۷۰ میشود که از بعثت رسول اکرم احتساب میشود همان سال ۱۲۶۰ هجری میشود که سال اظهار امر

بقیه در صفحه ۸۰

آن شهریار که چهل سال خبر داده اند از اظهار امر در سیاه چال طهران است اعلان و اظهار امر مبارک در باغ نجیبه بغداد (عراق) در سال ۱۲۶۹ هجری هلالی بوده و صعود آن حضرت که بسال ۱۲۰۹ هجری هلالی در سجن عکا واقع گردید و فاصله بین این دو چهل سال است و پس از صعود مبارک فرزند اعظم و اجل حضرت بهاء اللہ که حضرت عبدالبهاء (عباس افندی) میباشدند بعرض جلال وصایت جالس شدند (در خانه اگر کس است یک حرف بس است) ملتمنس دعای خیر محمد مهدی مولوی از اورانج کاتتی ۱۹۹۲/۸/۱

رابعا - یکی از عرفا و شعراء ترک که رهبر یکی از فرقه های اسلامی بنام ملامی بوده و در حدود دو قرن قبل از ظهور حضرت رب اعلى جل اسمه الاعلى در صفحات استانبول ترکیه میزیسته بنام سید مصطفی هاشم اسکوداری (اسکودار یکی از مناطق آسیائی شهر استانبول یا مدینه کبیره است) در دیوان مشهور خود که بخط ترکی عثمانی چاپ شده و این عبد ناتوان از کتابخانه یوسف آقا در جوار مقبره مولانا جلال الدین رومی صاحب مثنوی در شهر قونیه ترکیه بدست آورد اشعاری دارد که بسیار واضح باین دو ظهور مبارک حضرت رب اعلى و جمال اقدس ابھی (دیانت بابی و بهائی) اشاره نموده است ، اینک چند بیت از اشعار او که قریب ۹۰ شعر است درج مینماید ، این دیوان در سال ۱۱۵۲ هجری قمری چاپ شده است یعنی ۱۰۸ سال

آزادی

بدرالدین باستانی

همه اندازه و قید و بند است
راز آزادی ما در دل ماست
چه بسا زندانی
در دل زندانش
با دل و وجودانش
باغ ها کرد ایجاد
همه کلهایش شاد
عطر کلها آزاد
ره بهر سو بگشاد
تا بزندان بزرگ
که جهانش نام است
برد بوی خوش آزادی را
هست آزاد کسی
که به نا آزادی
راضی و خرسند است
فارغ از هر بند است
راز آزادی ما در دل ماست
که سرشنthe است بآب و کل ما
زندگی زنده به قید و بند است
زنده زندگی زندان است
همه اندازه
و قید و بند است

پایان

هیچ دانی صیاد
دست یابد چو به صیدی دلخواه
صید اگر زنده بود
توشه می خواهد
جا می خواهد
روشنی آب هوا می خواهد
وین بود بر صیاد
کان همه بند و بساط
به آن صید مهیا دارد
تا نمیرد آن صید
تا بماند آن صید
تا بمrdن ز اسارت نرهد
تا بزندان قفس خو گیرد
چون به ژرفانگری
این نگهداری صید
سلب آزادی صیاد کند
تو که با تیر نگاه
صید کردی دل دیوانه من
تا که دل زنده بمانم چندی
باید آزادی خود بگذاری
دل مجروح مرا در یایی
دل به درمان دلم بسپاری
سد آزادی ما
زنده زندگی است
زنده زنده به قید و بند است
زنده زندگی تحت نظامی است شکرف

جناب لقائی کاشانی اعلی‌الله مقامه

ادیب و شاعری ناشناخته

منقبت و فضیلت نائل آمده که موطی اقدام سلطان
رسل حضرت باب الله الاعظم قرار گیرد و قدم بعرصه
هستی نهاد و سنتاتی محدود و محدود در مکاتب
معمول زمان به شاگردی و تلمذ پرداخت بهنگام
تحصیل پدر خواندن ونوشتن را بروی کافی دانسته
 بشغل عطاریش گماشت چون بر قریحه سیّال خویش
وقوف و آکاهی یافت ابتدا صامت را بعنوان تخلص
انتخاب نمود و پس از تصدیق بامر الهی لقائی را
برگزید نفسی از ناشرین نفحات الله مسکینه الهی که
در قرب جوار لقائی میزیست مصمم گردید که آن طیر
خوش آواز را بگلزار لاشرقیه و لاغریه شریعت مقدس
بهانی فراخواند و آن قریحه و استعداد به نیایش و
ستایش طلعت قدسیه این شرع اقوم بکار آید و
بنگمه و ترانه پردازد لذا دام محبت و کند معاشرت و
مرافت بیفکند و گاهی بهانه ابیاع چند مثقال چای و
سایر امتعه پای در معازه لقائی مینهاد و در غایت
حکمت باختصار آیاتی از قرآن کریم و احادیث مرویه
از ائمه طاهرين که دلالت بر ظهور و طلوع شمس
حقیقت مینمود عرضه میداشت پس از گذشت ایامی
چند بتصور آنکه لقائی مستعد پذیرش کلمه الله گشته
باب سخن مفتوح نمود ظهور کلمه الهی را دراین دور
بدیع بشارت داد لقائی که حاجی از تعصب بر دل و
دیده داشت و از اصفاء و رویت دقایق و حقایق
محروم به ناکاه برآشفت و سنگ ترازو برکرفت و بر
پیشانی آن عاشق صادق فرود آورد ، جناب مبلغ در
حالی که خون از پیشانی روان داشت گفت این است

بی کمان جناب لقائی کاشانی در زمرة نفوسي است که
کمتر سخنی در مورد او گفته شده و یا مقاله و نوشته
در معرفی آثار گرانقدرش و خدمات ارزنده و والایش
نگارش یافته با نگاهی گذرا در تاریخ دیانت مقدس
بهانی با شرح احوال نقوس نفیسه و برجسته مانند
ادیب بیضائی ، بصار کیلانی ، مفتون فارانی ، خازن
بختیاری ، نوش پارسی . . . آشنانی می یابیم که
هریک مزید بر خدماتی که صادقانه و عاشقانه در
سبیل خدمت عرضه نمودند آثاری بر جای نهادند که
هریک منزله دراری شاهوار بر صدر تاریخ بی همتای
ادیبات امرالله میدرخشد نیکوست کاهی بمیزان وفا که
از اعمدة ایمان وایقان محسوبیست و با توجه بصریح
قلم اعلی " اهل بهاء باید اجر احدی را انکار ننمایند
و ارباب هنر را محترم دارند " با انتشار مقالات و
تشکیل جلسات یاد آن کواكب فروزان و والهان جمال
رحمن را محترم و زنده و جاوید داریم و از خیل
عاشقانی که هریک در برهه از زمان ندای عشق را علی
رؤس الاشهاد مرتفع فرمودند نامی و کلامی بر زبان
آوریم بر مبنای مقدمه که گذشت آوای جناب لقائی را
از لسان تاریخ چنین به سمع جان استمام مینماییم :
هرجا حکایتی شود از کشتگان عشق

ای راویان دهر زما هم حکایتی

میرزا ماشاء الله لقائی کاشانی بسال ۱۲۴۷ شمسی در
مدينه طيبة کاشان که از قلم حضرت عبدالبهاء جلت
عظمه به کهکشان فلك تسمیه یافته وایامی چند نیز بدین

بی خواران بشارت ده که من می خواره گشتم خود
 ز کوی زاهدان یکبارگی آواره گشتم خود
 زکید این دغل طبعان چه خوش آسوده برجستم
 بیزم مه رخان چون مشتری سیاره گشتم خود
 پدر لقائی نیز اقبال او را بدبیانت بهانی تنگی عظیم
 شمرد و ذنبی لا یافر دانست و بحبل پند و اندرز
 تمستک و توسل جست لقائی که سمندرووار ر آتش عشق
 جمال جانان میساخت و میگداخت و هر بلانی را عطا
 و هر عذابی را عذب فرات می پنداشت خطاب به پدر
 چنین نکاشت :

+
 ای پدر پندم مده از عشق کاین فرزند تو
 نا خلف افتاده و در بند تنگ و نام نیست
 طاقت از کف بداد و صبر و اصطبار را از یاد برد و
 عریضه که مبین سوز درون و ترجمان جذبات
 شوقيه اش بود بحضور حضرت عبدالبهاء جل جلاله
 تقديم داشت و تمنای زیارت و فرز لقا نمود پس از
 مضئی شهوری چند بشرف وصول لوحی از سماء
 عنایت نائل آمد که این عبارت در آن مشهود بود
 «ای لقائی خود لقائی لقا را چه خواهی» (۱) قدری
 آرامش و سکون یافت و لیلا و نهارا بارشاد نفوس قیام
 و اقدام فرمود و جمعی را بشطر بحر احديه دلات و
 هدایت نمود و بدفعات از مدینه کاشان اخراج بلد
 گشت و از کسب و کار و دیدار عائله محروم و منع
 شد اما لقائی رضای دوست را در ایثار و فدائکاری
 میدانست و معتقد بود . «محبّان کوی محبوب و
 محraman حريم مقصود از بلا پروا ندارند و از قضا
 احتراز نجويند . . . » (۲) شبی که باید بحقیقت لیلة
 القدرش نامید حضرت مولی الوری زانرین و طائفین

معنى حدیث المسلم من سلم الناس من يديه و لسانه
 سپس قدم بیرون نهاد ، لقائی بحکم قریحه شاعری و
 طبیعی حساس استماع حدیث نبوی تأثیری شدید بر
 او نهاد و در نهایت تأثر اندیشه نمود او هرچند در
 کسوت بهانیت ظاهر و هویدا است لیکن انسان است
 وظیفه هر مسلمی است که مردم از دست و زبان او
 آسوده باشند و روز دیگر در حالی که جناب مبلغ با
 پیشانی بسته از مقابل مغازه لقائی میگذشت بنام او را
 فراخواند و عذر گناه خواست مؤمن بهانی از عملی که
 انجام یافته بود کاملاً اظهار سرور و حبور نمود و
 باقتضای مقام دنباله مطلب خویش بگرفت و بمناسبت
 احوال فضی از ادلہ مثبته اقامه فرمود و لقائی را بمنزل
 تنی از مبلغین بلده کاشان بمنظور کسب اطلاعات
 بیشتر و جامع تر رهنمون گشت بالمال لقائی نقاب
 تعصب و ظلمت از سیمای دل بیافکند و در گلشن
 تصدیق داخل گشت و سرای دل را بدلدار حقیقی
 سپرد ، دیری نپانید که خود مبلغی کامل و سخنوری
 لایق گردید و زبان به تبلیغ و تبیشر گشود و ندای
 بشری بشری صبح الهی تنفس از سرجان برکشید و
 شهره شهر گشت و بدین نام رسوای خاص و عام شد
 فقیه شهر رقم بر قتلش کشید و سفك دم طیر حرم
 الهی را مباح و جائز دانست ، لقائی غزلی انشاد نمود و
 بنشانی فقیه ارسال داشت ، بیتی از آن چنین است :
 دگر تو ریش مجنban فقیه کامر بهانی
 بعرش شاخه کشیده بارض ریشه گرفته
 بهانیان متحن و ستمدیده کاشان به نصیحتش
 پرداختند اما شمری و اثری بیار نیاورده و خود در
 بیان حال خویش فرمود :

قدیر او چه ترکتازیها نموده چه شورها و چه شهنازها نواخته و چگونه گریز بدشت ها و هامونها زده است در همان عالم خلت و مستی قصیده در نهایت شیدائی و شیوانی و انسجام انشاء و انشاد فرمود که هر مصروعی از آن بکلزاری باز میگردد و در آن حالت مستی و مخموری از باده محبت چون طیری بلند پرواز از تنگنای قفس بدر آمده و در فضای بی نهایت حب الهی فریاد برآورد :

کیست این شه غصن اعظم مالک المک قدم
کیست این همتای آن یکتای بی همتاستی
خواندمش همتای بی همتا خطأ گفتم از آنک
شرک محض از این دویتی ظاهر و پیداستی
این همان شاه است ظاهر در لباس بندگی
این همین عبد است بالله وین همان مولاستی
این قصیده سی و هشت بیت و در کمال انتقام و رقت
و روانی و جذابیت است چون باستان مبارک فائز
کردید این لوح شرف صدور یافت :

حوالا بهی

ای ناظم لنالی منتشر قریحه ات سیّال و اشعار آبدارت
چون ماء زلال شیرین و بدیع و فصیح و لیکن یا
حضرتا که موافق مذاق عبدالبهاء نه، من تراب عبودیت
بر سر بیزم و لیکن شعراء تاج عظمت بر سر من نهند
من حلاوت شهد عبودیت می چشم و آنان شربت تلغ
فخامت و مهابت و رفت و بکامم میریزند اگر حاضر
بودی تازیانه موفور، حد مشروع را ملاحظه میفرمودی
ولی تو در آنجا و ما در اینجا و اجرای حد مشکل. یا
یک غزل و قصیده در عبودیت محضه و خاکساری
صرف و محیّت بحت و تذلل و انکسار بات اینعبد

حول در ارض اقدس را از اطاق محل جلوس خویش
بخارج دعوت میفرمایند و نگاهی بآسمان بیکران نموده
و ستاره کوچکی را به سر انگشت محبت نشان ساخته
و اظهار میدارند آن ستاره کوچک جناب لقائی است در
گوشه کاشان ، بر رفعت و عظمت مقام او خبیر و
 بصیریم لا غیر. زانرین و طائفین حول حریم کبریائی
بهنگام عودت بایران لقائی را می یابند و مراتب بنده
نوازی و عنایت و موهبت خاصه حضرتش را در آن
لیله لیلا بیان مینمایند آن پیام ملکوتی بمثابه شعله
آنش بر خمن وجود لقائی مؤثر میافتد و درحال سوز
و گداز و مستی و بی خبری چنین می سراید : (۲)

در چشم خلق اگرچه من از ذره کمتر
در آسمان عشق چو خورشید خاورم
بی قدر و بی بهایم اگر نزد مردمان
بنگر به بحر عشق چه ارزنده گوهرم
گه چون هما بقا و فایم نشیمن است
گه در هوای قرب چو شهباز طایرم
تا مست چشم ساقی شیرین شمایلم
تا محو روی آن مه فرخنده گوهرم
نه باشدم ز کینه دور فلك هراس
نه ازدحام خلق نماید مکدرم
شکر خدا که از مدد بخت ارجمند
دل آنچه خواست کشت تمامی میسرم
در گردش است تا بفلک جام آفتاب
یا رب مباد خالی از این باده ساغرم

لقائی در عشق خود نسبت به حضرت عبدالبهاء جل
سلطانه بیخود بود سراز پای نمی شناخت ، هستی
خود را فدا میکرد معلوم است با چنین حالتی خامه

خود را برای انجام این مهم آماده ساخت و بانتظار نشست تا با کاروانی بصوب قم حرکت نماید پس از چند روزی روانه قم گردید ساریانان چون می شناختند که او از کبار مبلغین بهانی است کاروان را بجای کاروانسرا بیان بازار قم هدایت نمودند ساریانی بر فراز سکونی بایستاد و بانگ زد ای زائرین و ای مسلمین برای شما هدیه آورده ایم و آن مبلغ بهانیان لقائی است و او را مشخص نمود جمعی نابخرد و عاری از حلیه عقل و درایت بر آن آیت وفا هجوم آوردن و نهایت شتم و زجر و ایداء و اذیت روا داشتند اعتضاد الدوله که حکومت قم را بر عهده داشت جمعی فراش فرستاد و پیغام داد من خود مجازات خواهم نمود و جسد نیم مرده لقائی را بدارالحکومه برداشت و او را در غرفه منزل و مأوى دادند در همان شب با درد و المی که بر تن داشت غزل ذیل را بر کاغذی نوشته و جهت حاکم فرستاد:

بر روی مهم زلف پریشان مزهدارد
پیرهن گل سنبل پیچان مزه دارد
جان آمده بر لب چه شود یار در آید
جان بر لب ولب بر لب جانان مزه دارد
هی هی چه خیال و چه تمنای محال است
درویش و پذیرائی سلطان مزه دارد
نبود غم از کشته شدن بر سر کویش
قریانی این طایر بیجان مزه دارد
دیوانه صفت بر سر هر راهگذاری
با هله سنگ از کف طفلان مزه دارد
از سرزنش خلق چه بالک است مرا زانک
سر بر سراین بی سرو سامان مزهدارد

انشاء و انشاد مینمانی و میفرستی تا تلافی مافات شود و تدارک اجحافات گردد من تا حال فتوائی ندادم این دفعه دیگر فتوی خواهم داد که یکی سرت گیرد و دیگری پیکر. یکی چماق زند و دیگر شش پر و سراسیمه ترا دوان دوان و کشان کشان باینجا آورند و البته بمجرد ورود سر بر زمین نهی و یا بفلک آری و دگنگ و کتك سخت خوری تا مین بعد اغلاق و اغراق فراموش کنی فاختر لنفسک مایخلوع ع ع (۴) جناب لقائی که شیفته و آشفته جمال عبودیت و روز و شب در اندیشه آن بود که خود را بمحضر مبارک برساند بمحض زیارت این لوح تصوّر نمود که در مستقبل قریب بزیارت هیکل اطهر نائل خواهد کشت و حد شرعی در محضر مبارک مقدور و میسور است غزل ذیل را سرود و تقدیم کرد :

روز عید است هلا جشن و طرب باید کرد
رأیت عیش بر افلاک و سملک باید کرد
کر بدین نیت من شاه زند چوب مرا
پای احباب تمامی بفلک باید کرد
در مدیح تو بباید سترد از اوراق
نصف آیات الهی همه حک باید کرد
ای لقائی اگر از بعد کتك یابی وصل
پس بر اسباب کتك نیز کمک باید کرد

لقائی غزل ثانی را تقدیم نمود و بامید آن بود که ایشان را بخواهند و حد شرعی بزنند ولی بعد معلوم شد که این کار را به جنود لم تروها حواله فرموده بودند دیری نپانید که خبر آوردن در شهر قم چند نفر مشتاق استماع کلمات الهی میباشند و منتظر و مترصد تحری و تحقیق هستند لقائی قیام فرمود و

قیمتش کس نشنا سد نخورد کر محکی
 پیل مستیم و غمی نیست اگر برسر ما
 پیلبان کاه بگاهی بنوازد کجکی
 لقائی بالمال آزارزوی دیرینه خود که زیارت مرکز عهد
 و پیمان الهی بود نائل آمد و محاط بعنایات لانهایه
 هیکل مکرم گردید روزی از او سوال فرمودند لقائی
 در قم چقدر کتک خوردید عرض نمود قربان همانقدر
 که برات فرموده بودید .
 در مراجعت از آن سفر پر ثمر راهی کاشان گشت و
 کماکان حرفه عطاری را برگزید و بساط تبلیغ بگستره
 و بنشر نفحات مسکیه الهیه قیام و اقدام فرموده و از
 ذخایر روحانی نفوس مستعد را بهره موفور و نصیبی
 مشکور بخشید و در سال ۱۲۰۴ ششمی بس از سفری
 تبلیغی به غالب نقاط ایران در شیراز جست طراز رحل
 اقامت بیافکند و در همان مدینه جان پاکش از
 خاکدان فانی به فردوس معانی شتافت علیه رضوان الله
 و بهانه . جناب لقائی آثار خود را که بالغ بر پنج هزار
 بیت میگردد بشخصه تنظیم و تدوین فرمود . امید
 است فرزندانش با تشار آن آثار کهربا ر قیام و اقدام
 نمایند ، بعنوان مسلک الختام با غزلی دیگر از جناب
 لقائی این مقاله را بپایان میبریم :
 باد بهار و وصل وزیدن گرفت باز
 اریاح روح بخش شمیدن گرفت باز
 برکشترزار اهل حقایق سحاب خود
 شد قطره بار و زاله چکیدن گرفت باز
 اخترشان چودامن افلاک شد چمن
 زشکوفه شاخسار خمیدن گرفت باز
 در گلشن وجود چو آن تازه کل شکفت

ضوضای عوام از بی و طبل و دهل از پیش
 من رقص کنان جانب میدان مزه دارد
 تن خسته و مجروح بزیر غل و زنجیر
 نالیدن در گوشة زندان مزه دارد
 ای شیخ زم بگذر و منع مکن از عشق
 کاین دل شده راطعن رقیبان مزه دارد
 بیهوده مکش رنج و مکن وعظ و مده پند
 در جان من این آتش سوزان مزه دارد
 ما غرقه دریای فنایم لقائی
 با ما سخن از شدت باران مزه دارد
 اعتضادالدّوله که مردی خلیق و مهربان بود و با امر
 نیز قدری آشنایی داشت متوجه گشت که لقائی شخصی
 است دانا و شاعری است توانا بر او رقت آورد و
 بمداوا و معالجه اش اقدام نمود چون قدری نار فتنه
 فرو نشست باو مقداری وجه و یک اسب هدیه نمود و
 روانه اش ساخت ، اما لقائی بهنگام خروج با همتی والا
 جمیع هدایا را به فراشان بخشید و سر خویش گرفت
 و ره عافیت در پیش در حالتی که کلیه تار و پود
 وجودش مبین این اشعار بود :
 عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
 تا کرد مرا خالی و پر کرد ز دوست
 اجزای وجودم همگی دوست گرفت
 نامی است ز من بر من و باقی همه اوست
 پس از صباحی چند این ابیات را خطاب به تنی از
 یاران راستان رقم زد :
 ذکر قم غم زدم برد که آنجا خوردیم
 ای بسی جای تو خالی چه مفصل کتکی
 مکن اندیشه تو از جور رقیبان که ذهب

میبردم و بر دیوار نصب میکردم ، در سنه ۱۹۸۴ که جشن افتتاحیه انتستیتو یوکان انعقاد یافته بود با شرکت در جشن مزبور پرچم یا بهی البهی مذکور را طی تشریفاتی باحبابی سرخ پوست بومی به نیابت از طرف جناب موزون هدیه نمودم . آنان نیز با نهایت شفعت و مسرت آنرا در سالن بزرگ انتستیتو نصب کردند و گفتند که حالا دیگر نوبت ماست که قدم بمیدان خدمت نهیم و راه ایشان را دنبال کیم . هیئت تحریریه عندلیب از صعود جناب سیف الله موزون نهایت تحسر و تأسف حاصل نمود : زیرا مشوقی والامقام و همکاری گرانقدر را از دست داده بود . روحش شاد و روانش در عالمبقاء تابناک باد .

زیرنویسها :

- ۱ - جناب محمود پژشکی بعد از حوادث اخیر ایران ناگزیر ترک وطن مألف نموده و در هندوستان در نهایت اخلاص و ثبات و استقامت به عالم انوار صعود نمود . دو فرزند ذکور ایشان باسامی حسین و محمد بعد از صعود پدر بعنوان مهاجر بکانادا وارد و هر دو در انجام تحصیلات عالی دانشگاهی به درجات عالی موفق و در خدمات روحانی امری پیشگام میباشند .
- ۲ - راپرت افتتاح انتستیتو یوکان در شماره ۱۱ سال سوم مجله عندلیب انتشار یافته است .

توضیح :

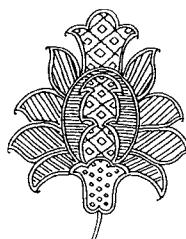
شاهزاده موزون جد متضاد علی الله جناب موزون در دوران جمال قدم جل جلاله اقبال با مرک مبارک نموده و الواحی از قلم اعلی خطاب بایشان نازل و همچنین از کلک گهربار حضرت مولی الوری نیز الواحی بافتخار معزی له صادر گردیده است . خاتم مهرانگیز شوقیان (فرهنگ) در رثای جناب سیف الله موزون قطعه ای سروده که بیتی از آن نقل می گردد :

کلبانگ عاشقانه ای که فکنندی به بروزگار
بیرون زسمع دوست نگردد که ماندنی است
عندلیب

دل آرمید و هجر دمیدن گرفت باز
ورقای قدس زمزمه عشق ساز کرد
کل پیرهن زشوق دریدن گرفت باز
آن شاخ نورسی که از اصل وقدیم رست
چون سروسر کشید و چمیدن گرفت باز
از بارقات نور جیبن مه مبین
آیات با هرات رسیدن گرفت باز
زان خامه که محی کل ام بود
دل ساغر حیات چشیدن گرفت باز
فرعون نقض چون بد بیضای عهد دید
انگشت بر نیاب گزیدن گرفت باز
از کلک رفعتش همه دم گوش اهل هوش
صوت مليح دوست شنیدن گرفت باز
یا حبذا لقانی ازین مژده کز فرج
اطیار جان ز قید رهیدن گرفت باز

منابع و مأخذ

- ۱ - نقل از جزوہ که بقلم جناب عطاء الله لقانی فرزند جناب لقانی نزد نگارنده موجود است و تذکره شعرای قرن اول دیانت بهائی تالیف جناب نعمت الله ذکانی بیضانی .
- ۲ - لوح مبارک شکرشکن نازله از قلم اعلی
- ۳ - نقل از جزوہ مزبور
- ۴ - مجموعه الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء جلت عظمه



دکتر منصور ربانی

موسیقی و هنرهای نمایشی و رقص (۲) همه بعنوان وسائل و وسائط ابلاغ امراللهی و اعلان وحدت عالم انسانی بجمعیت بشر در بسیاری از مناطق مؤثر واقع گردیده است.

دیگر از افتخارات غرور آمیز جوانان مشارکت در روابط خارجی امر با سازمانهای بین المللی ، تعهد یکسان خدمت بجامعه انسانی و پیکری و کوشش در راه اکتساب تحصیلات عالی و درجات علمی و تخصصی است که تاثیرات حال و آینده آن شور و نشور فوق العاده ای را در مسیر ترقی جامعه بهانی موجب شده و خواهد شد . (۲)

دوستان عزیز

عرضه خدمات انسانی بطورکلی در این جهان تاریک و تنگ و در این برده حساس حائز اهمیت خاص بود وظائف حتمیه جامعه بهانی است . منابع نیرو و توان لیزوال و پشتکار جوانان در ارائه و بسط این خدمات ارزنده محتاج توجیه و تذکر نیست .

قبول انجام همکاریهای دسته جمعی و فوری در راستای خدمات اجتماعی ، عشق ایثار و حرکت در میادین تبلیغ و نشر نفحات ، آمادگی کامل فردی از طریق فراگیری و تعلیم و تعمیم نشر معارف ، کوشش در راه آموزش زبان های مختلفه مورد احتیاج منطقه خدمت و بخصوص اهمیت و بیوہ زبان فارسی و تفحص و مرور در منابع فارسی در ادبیات امر که خود مبحثی جدا از زبان فارسی است از دیگر وظائف حتمی و وجودانی شما عزیزان است .

نقشه چهارساله که نهایتاً مسک الختام سالهای بحرانی قرن بیستم است از رضوان امسال آغاز و ارائه شده و

نظری کوتاه به

پیام منیع رضوان ۱۵۳ معهد اعلی

پیام شورانگیز رضوان ۱۵۳ معهد اعلی خطاب به بهانیان عالم شامل چند بخش اساسی است که میتوان اجمالاً چنین خلاصه کرد :

۱ - تحرک و شور و شوق شگفت انگیز یاران الهی در سراسر عالم برای اجرای منویات نقشه سه ساله که تیجتاً جامعه بهانی را آماده طرح و اجرای یکی دیگر از نقشه های ملکوتی کردند .

۲ - پیشرفت شکوهمند مشروعات کوه کرمل با پشتیبانی و علاقمندی جمیع یاران به تهیه و تمهید و نیل باین هدف بزرگ .

۳ - کوششهای پیگیر در راه توسعه و تحکیم مؤسسهای بهانی و همچنین توسعه روابط خارجی امر الهی با جوامع خارج از طریق افزایش فعالیتهای تبلیغی با همکاری و راهنمایی دارالتبلیغ بین المللی .

۴ - یکی از افتخار آمیزترین اثرات و ثمرات نقشه سه ساله کوشش جوانان در سبیل تبلیغ و نشر نفحات و تعهد مسنولیت روز افزونی در عرصه تقویت جوامع بهانی و نیز از دیاباد اقبال نفوس بشریعت الهی است که این کوشش بیدریغ و قیام جمعی عاشقانه مورد تأیید و تشویق معهد اعلی قرار گرفته است (۱)

از آنجله برگزاری کنفرانسها و اجتماعات مخصوص جوانان و موافق با ذوق آنان ، مشارکت در سفرهای تبلیغی است که خود موجب اقبال صدها نفر و نیز تشکیل محافل روحانی در بسیاری از نقاط گردیده است . بکار گیری استعدادات ویژه و خلاقه جوانان مثل

چه بسا شعر که نا گفته نوشتیم
 بر لوح ضمیر
 با کلک خیال
 چه بسا نقش که نادیده کشیدیم
 از جور زمان
 با مرج نگاه
 چه بسا قصه پر درد که گفتیم
 از کردش دوران
 بی لفظ و بیان
 چه بسا پند حکیمانه شنیدیم
 در صحنه ایام
 از بازی دهر
 بشگفتی چه بسا حادثه دیدیم
 بس ساكت و خاموش
 فریاد کشیدیم
 بیش و کم دوران را
 حیران نگریستیم
 بی ناله بنالیدیم
 بی اشگ گریستیم
 در میکده عشق
 با جام تهی
 سر خوش و مستانه نشستیم
 کهکاه به بد مستی
 پیمانه شکستیم
 در مکتب دنیا
 افسو که با این همه استاد نکو
 خطی ننوشتیم
 درسی نگرفتیم

هدف آن اقبال فوج فوج افراد و جوامع بامر الهی است .
 معهد اعلیٰ تقویت بنیه ایمانی و یادگیری معارف امری
 را همچنانکه در گذشته نیرو بخش همت و غیرت شما
 بوده ظرف مدت نقشه ۴ ساله نیز تأکید فرموده اند .
 اهمیت ویژه " فرد " در میادین معرفت ، نشر نفحات ،
 خدمت ، تحقیق باخلق بهائی ، تحصیل کمالات عالیه و
 علوم نافعه ، مشارکت در خدمات تشکیلاتی بهائی و
 بسط و توسعه این خدمات بجمعیت نوع بشر با مهاجرت
 و تبلیغ که همه و همه از خصوصیات اقدام و تصمیم
 فردی است در پیام ملکوتی رضوان تأکید گردیده (۴)
 است و در این سبیل چشم انتظار جامعه بهائی و گروه
 گروه تشنگان خدمات انسانی در اطراف و اکناف عالم
 مشتاق و آرزومند فعالیت های صوری و معنوی شما
 جوانان است چه بفرموده حضرت عبدالبهاء :
 " سن جوانی را توانانی است و ایام شباب از بهترین
 اوقات انسانی "

بامید روزی که گزارش خدمات باهره جو انان بهائی در
 میادین تبلیغ و هجرت در نشریات بهائی چه انگلیسی
 چه فارسی انتشار یابد و موجب تشویق سانتر جوانان
 گردد .

با تقدیم تحيات بهائی

حوریوش رحمانی

شعر نا گفته

بر دفتر دل
با خامه عشق

برنامه رادیویی پرطوفداری در ایرلند شمالی بنام This Anne New Day بمدت نیم ساعت با آنی و کیت مونرو and Keith Munro مصاحبه نمودند . در طی این مصاحبه مواضع متفاوت دیانت بهائی بررسی گردید و چندین سوال پاسخ داده شد .

اتیوبی :

رسانیدن پیام امر بهائی به افراد بلند پایه کشوری ، یکی از آخرین اهداف نقشه سه ساله اتیوبی رساندن پیام حضرت بهاء الله به بزرگان مملکتی بود . محفل ملی هیئت ویژه ای را بمنظور تحقیق این مهم منصوب نمود . جزوای متعدد امری بزبان آرانی مانند پیام صلح ، جزوه حضرت بهاء الله و مجله بهائیان به جمعی از روسای مملکتی ارسال گردید . تعداد این جمع تا کنون به ۱۰۶ نفر رسیده است . در بین ایشان رئیس جمهور ، نخست وزیر ، معاونین نخست وزیر ، استانداران و رؤسای دانشگاهی را میتوان نام برد . هیئت منصوبه در حال حاضر مشغول پیگیری مجهودات تبلیغی خود می باشد .

برزیل :

جامعه بهائی متحرک و نباش در پیشبرد اهداف امری . پنجین کنفرانس بهائی اتحاد ملی در مرکز آموزشی سلطانیه در بین ۶ تا ۹ ماه جون منعقد گردید . عضو هیئت مشاورین قاره ای آقای فرهاد شایانی ، دو مهمان آقای مسعود خمسی عضو سابق هیئت مشاورین دارالتبیغ بین المللی و خانم مری جین

اخبار و بشارات امریکه

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی

استرالیا :

نماز صغیر بلسان نورفولک (Norfolk) ترجمه گردید . یکی از اهداف نقشه سه ساله جامعه بهائی جزیره نورفولک ترجمه آثار امری بزبان بومی خود بود . ترجمه نماز صغیر توسط اولین بهائی بومی این جزیره خانم آلیس بوفت (Alice Buffet) صورت گرفت و به تصویب محفل ملی رسید . لسان نورفولک منشعب از دو لسان انگلیسی و پولینیزی است که جماعت یک هزار نفر بدان تکلم می نمایند .

آمریکا :

یک نفر بهائی از ترینیداد و توباگو Trinidad and Tobago رئیس جمهور امریکا را ملاقات نمود . خانم دیبا امرسینگ (Diba Amarsingh) که در حال حاضر در امریکا مشغول به تحصیل است ، ریاست کلاب بهائی دانشگاه سنترال اکلاهما University of Central Oklahoma را بعده دارد . بعنوان نماینده کلاب ، خانم امرسینگ با آقای بیل کلینتون (Mr. Bill Clinton) رئیس جمهور امریکا ملاقات نموده و در مورد فعالیتهای کلاب و دیانت بهائی توضیحاتی داد .

ایرلند شمالی :

دو بهائی بر روی برنامه پرشونوندۀ رادیویی ،

کشور مختلف و ۶ نفر از معاونین صندوق اروپا از مدعوین حضور داشتند.

هندوستان :

تائید بر نقش زنان در ایجاد خانواده مبرا از خشونت . در ۲۵ اپریل ، سیناری تحت عنوان " خانواده مبرا از خشونت : سکوی سازنده ای بسوی استقرار تمدن صالح " در مرکز بهانی نیودهی (New Delhi) تشکیل گردید . این سینار باحضور نمایندگان کانونشن ملی زنان ، مرکز اطلاعات سازمان ملل ، سازمان رفاه کودکان هند ، سازمان توسعه اجتماعی ، کمیته سواد آموزی زنان هند ، مؤسسه جهانی تربیت ، خبرنگاران و تعدادی از سازمانهای غیر دولتی صورت گرفت . خانم زینا سرابجی Zena Sorabjee عضو هیئت مشاورین اظهار نمودند که خشونت در محیط خانواده ارتباط کامل با نقض حقوق بشر دارد . ایشان در ادامه سخنان خود متذکر شدند که تنها با بکار بردن مواضع روحانی در کادرهای تربیتی میتوان توجه همگان را به وحامت مسئله خشونت معطوف داشت ، سینار مذکور پس از پاسخگویی به سوالات گوناگون پایان پذیرفت .

ترکیه :

حضور فعال جامعه بهانی در دومین کنفرانس محیط زیست سازمان ملل . حدود ۱۵۰ تن بهانی از اکناف عالم ، از افغانستان تا انگلستان در دومین کنفرانس محیط زیست سازمان ملل که در استانبول از

خمسی (Mary Jane Khamsi) و ۷۵۰ تن شرکت کننده در این کنفرانس حاضر بودند . این گرد همایی نمایانگر عشق و اتحاد جامعه بهانی برزیل و آمادگی ایشان در پیشبرد شریعت الله بود . یکی از موارد شاخص کنفرانس اهمیت خاصی بود که به فعالیتهای هنری مبذول گشته بود .

بعنوان مثال پنج گروه مختلف آواز نشان دادند که چگونه موسیقی می تواند وسیله سازنده ای جهت تبلیغ باشد و یا جوانان حاضر چندین نمایشنامه فکاهی در مورد فضایل اخلاقی و نحوه تحقق جوامع سالم انسانی بر روی صحنه آورند . یک نمایش دراماتیک بر اساس حیات جناب ائم سوجب وجود و تاثر حاضرین گردید . در طی کنفرانس ۱۲ نفر تصدیق امر مبارک نمودند ، ۴ تن داوطلب مهاجرت شدند ، ۱۷ نفر آماده شرکت در اسفار تبلیغی گردیدند و ۴۸ جوان آمادگی خود را جهت خدمت در مجاهدات تبلیغی در سطح مدارس و دانشگاهها اعلام نمودند .

آلمان :

انعقاد دومین کنفرانس حقوق الله در سال جاری . کنفرانس حقوق الله که هر سال دو مرتبه زیر نظر هیئت امنای حقوق الله اروپا تشکیل می گردد برای بار دوم در سال جاری در لنگنهاین (Langenhain) (بتاریخ ۲۱ تا ۲۲ ماه جون تشکیل گردید . چهارتن از مشاورین قاره ای ، ۸ نفر از اعضای هیئت معاونت ، ۱۱ تن از نمایندگان محافل روحانی ملی ، ۲۷ نماینده صندوق حقوق الله از ۱۹

روحانی از کمک و دلسوزی جوان بهائی بنام جیمز ایفانا (James Ifana) در پیشبرد این برنامه استفاده فراوان برد . جوان مذکور ، در عالم روزیا خود را توب بدست در میدان ورزشی راگی در حال دویدن بسوی خط پایان مشاهده نمود . با وجود مقاومت و سرسختی افراد تیم مقابل ، او توانست بخط پایان برسد .
جالب آنجاست که جیمز این خواب را در ۴ شب پی در پی دید و چهار تن از روسای قبیله مزبور بدنبال این رویای صادقه با وجود مخالف شدید میشنری های مسیحی ایمان آوردند .

سوند :

آثار امری به خاندان پادشاهی تقدیم گردید .
دو بهائی از انگلستان در جشن شاهنشاهی ویژه ای که توسط بنیان پیشاهنگی جهانی در روزهای ۹ تا ۱۱ ماه می برگزار گردیده بود شرکت جستند . در دهم می دو بهائی مذکور بطور خصوصی حضور اعلیحضرت کارل شانزدهم (King Carl XVI) و ملکه سیلویا (Queen Sylvia) در قصر دراتنیگهولم (Drottningholm Palace) شرفیاب شدند . در طی این ملاقات ذکری از حضور تاریخی ریچارد سنت باری بیکر (Richard St. Barbe Baker) بسال ۱۹۲۵ در همان قصر بعمل آمد . اعلیحضرت اظهار نمود که باحتمال قریب به یقین پدر بزرگ تاجدارش نسخه ای از کتاب « بهاء الله و عصر جدید » را دریافت کرده است . پادشاه و ملکه هر دو شیفتة اصل تساوی حقوق رجال و نسا در شریعت ابھی گردیدند .

تاریخ ۲۰ می تا ۱۴ جون منعقد گردید شرکت نمودند . ۴۰ تن از بهائیان بعنوان نماینده در این کنفرنس حاضر بودند . در این گردهمائی چندین نمایشگاه امری توسط مؤسسات مختلف بهائی تعییه شده بود و تعداد ۵۰۰ جزو امری به السن مختلف توسط جوانان توزیع شد ، در روز اول جون ضیافتی به میزبانی جامعه بهائی ترکیه با حضور ۲۰۰ تن از افراد بهائی و غیر بهائی انجام پذیرفت . در طی این رویداد ، چندین سخنرانی کوتاه توسط افراد Dr. Wendy Momen عضو محفل روحانی ملی انگلستان صورت گرفت شرکت فعالانه بهائیان در گزارشہای رسانه های گروهی بوضوح منعکس گردید .

انگلستان :

در فرودگاه ، آثار امری در دسترس عموم قرار گرفت . محفل روحانی محلی استاک پورت Stock port پس از کسب اجازه از مسئولین فرودگاه منچستر (Manchester) نسخی از کتب ادعیه بهائی و کلمات مبارکه مکنونه را در اطاق دعا و مطالعه ترمینال یک این فرودگاه در اختیار عموم گذاردند .

پاپانیوگینه :

چهار رئیس قبیله ای بدنبال یک پروژه تبلیغی مؤمن گردیدند . در طی یک برنامه تبلیغی که توسط محفل روحانی محلی رومالو (Rumalo) اجرا گردید ، چهار رئیس قبیله ای بشرف ایمان فائز شدند . محفل

أخبار مصور



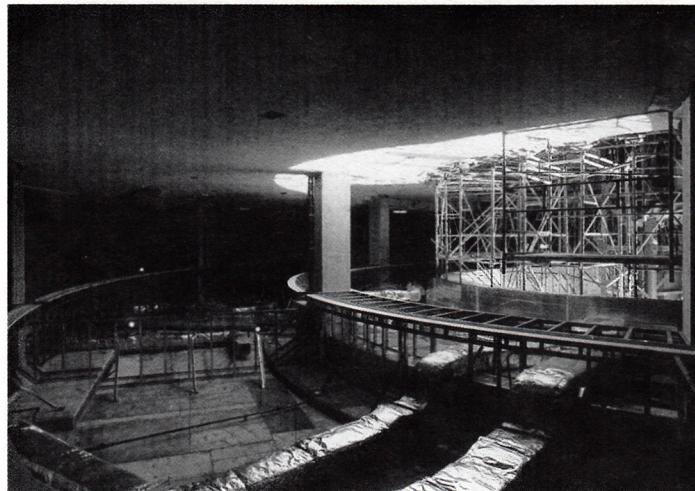
بمنظور بزرگداشت پنجمین سنه تأسیس مدرسه عصر جدید (New Era) در پنجگانی (Panchgani) برنامه های ویژه ای در بین ۲۷ تا ۲۹ ماه دسامبر ۱۹۹۵ اجرا گردید . در رديف جلوی اين تصویر آقاي علي مرچنت (Ali Merchant) عضو محفل روحاني ملي ، از تماشاي يكى از برنامه ها لذت مى برند .

در سري لانكا ، يك کودکستان بهاني در ماتالى (Matale) با ۲۵ دانش آموز جديدا افتتاح گردید در اين تصویر ، در کنار معلوم کودکستان که دست خود را بلند نموده ، عضو هيئت معاونت آقاي پ - گ - چاردارانته (P.G.Chardarantne) و خانم فلورانس اوس (Florence Avis) مشاهده مى شوند .



مرکز اطلاعات و کتابفروشی کینگزفورد (Kingsford) در حومه سيدني ، از حمایت و پشتیبانی بهانيان از نژادها و فرهنگهاي گوناگون برخوردار مى باشد .

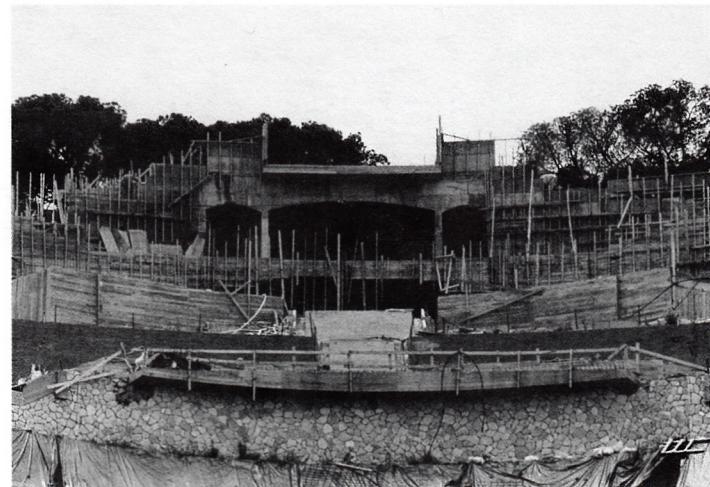
مشروعات جبل كرمل : هر ماه بطور متوسط ۵۰۰ متر مكعب سيمان در ساختمان مقر آينده دارالتبليغ بين المللي ریخته می شود .

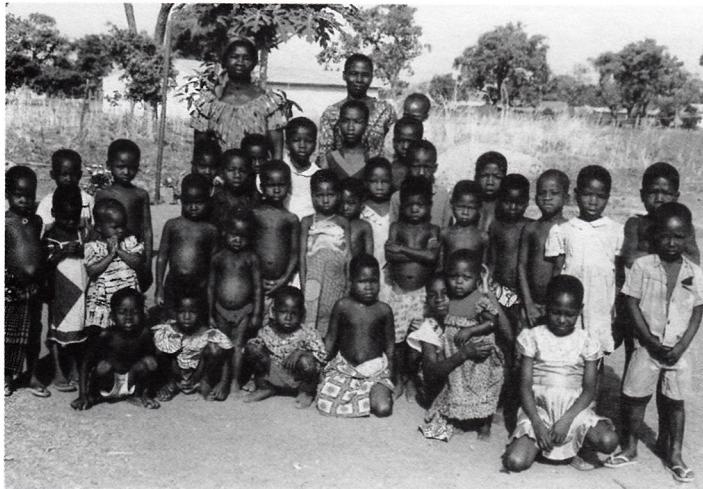


مشروعات جبل كرمل : در داخل بنای مرکز مطالعات نصوص والواح تاسیسات تهویه هوای مطبوع نصب می کردد .

مشروعات جبل كرمل : طبقه نوزده فوكانی ترين طبقه از طبقات ۱ - ۶ مقام اعلى میباشد .

این طبقه مشتمل از دو قسمت و هر قسمت دارای ایوان مخصوص بخود است ، در حال حاضر ، باسلامت بندی طبقه نوزده اتمام یافته و عملیات سنگ گزاری آن بزودی آغاز خواهد گردید .





در توگو (Togo) ، جمعی از بهانیان بمنظور کمک به اطفال بدون سرپرست ، مؤسسه‌ای بنام " دارالایتماهای بلاسرحد " تشکیل داده اند .

بیست و هفتمین کانونشن ملی ساموا Samoa با حضور عضو محترم هیئت مشاورین جناب آفیماتا مولی چنگ Afemata Moli Chang ه تن از اعضای هیئت معاونت و ۲۲ نماینده برگزار گردید .



انتخاب اولین محفل روحانی محلی Berlin Prenzlauer Berg در ماه دسامبر گذشته که از اهداف نقشه سه ساله آلمان بود موجب شوق و شور فراوان گردید .

مشروعات جبل كرمل : زانرين ارض اقدس از طبقات تحتاني مقام اعلى که پس از رضوان سنة ۱۵۲ کشایش یافته است دیدن می نمایند .



مشروعات جبل كرمل : عمليات ساختماني بمنظور پائين آوردن سطح خيابان هتزي نوت در حال پيشرفت است . تراس طبقه مقام اعلى و طبقه فوقاني آن بوسيله پلي که بر فراز اين خيابان ساخته خواهد شد ، متصل می گردند .

در اين عکس خانم پشري روحاني با کلک يك جوان آمرikanی که مشغول انجام خدمت يك ساله می باشد در حال اداره يك کلاس درس اخلاق کودکان در بوتسوانا Botswana دیده می شود .



بهره ننمایید .

۲ - خانم جمیله شکیبا نژاد یک قطعه شعر تحت عنوان مهاجر، سروده سرکار خانم سرور اتحادیه فرستاده اند که عیناً ذیلاً درج می گردد :

ای مهاجر که جهان وفق مراد تو نگشت زین سبب اجر شهیدان بتو ارزانی شد گه وطن گاه به هجرت غم جانان خوردی جلوه گاه دل تو عالم رحمانی شد ز بر دوست رسد آنچه بما قسمت ما است شرح حال دل ما قصه پنهانی شد تو که نیکو بجهان خدمت ابهی کردی غم و اندوه زمان لذت روحانی شد حاصل هجرت تو وحدت نوع بشر است ره و رسمت بجهان شیوه سبحانی شد گر که یادت نمودم ز پریشانی نیست بلیل طبع من اکنون به غزلخوانی شد

۲ - سرکار خانم مهرانگیز خسروی شرح حال حیات و خدمات مهاجر عزیز جناب دکتر فرخ مجدوب را که در سن ۴۷ سالگی در نقطه مهاجرتی بر فرق اعلی صعود نموده با نسخه ای از تلگراف منیع بیت العدل اعظم که مشتمل بر عنایت دعا در مقامات متبرکه علیا برای ارتقاء روح آن متصاعد الی الله در مکلوت ابهی و ابراز همدردی و تسليت بخانواده معزی له بود برای درج در عنديليب فرستاده اند . بپاس خدمات باهره آن مهاجر گرانقدر شرح حال مزبور عیناً ذیلاً درج میگردد :

نامه هائی از دوستان

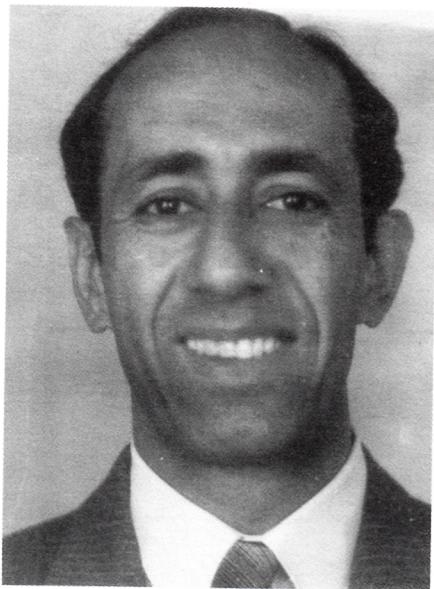
۱ - جناب بدیع ندیمی که از دوستداران عنديليب میباشند در نامه ای از عدم وصول مجله شماره ۵۸ که گویا بدست ایشان نرسیده بوده به نهایت مهربانی و محبت و رافت که لازمه حیات بهائی است چنین مرقوم میدارند :

« با نهایت شرمندگی زحمت افزا میشود که بعد از مجله شماره ۵۷ مسلسل مجله دیگری باينجانب نرسیده است :

جهان جوان شد و در کوهسار سبزه دمید ز عنديليب شما نغمه ای بما نرسید بر سبیل مزاح عرض میشود :

ای عنديليب قدس کجائي بروزگار نامد بگوش ما نعمات در این بهار گویا که قهر کرده ای یا چیز دیگری است تقصیر ماچه بود ، که برگشتی از قرار باز آ ، بمهر و سر آشتی بگیر گر قهر کرده ای ز من ای یار باوقار

ما وجه اشتراك که ارسال داشتیم نی دیرتر ز موقع هر سال بلکه پار دوست عزیز همه محسن را ما در شما سراغ داشتیم جز طبع شعر آنهم اشعار چون آب روان ، شکر خدا را که از طبع سیال شما نیز آکاهی یافتیم از اشعار خودتان بفرستید و ما را از این فیض بی



بالاخره در مانهايم مستقر شده و بعد از چندی در اثر عارضه قلبی دکتر در مانهايم صعود بملکوت ابهی نمود ، در حالیکه فرزندانش فلورا خانم و آقایان فرخ و فیروز هر سه بلاوققه با تحصیلات عالی باخذ مدارک مهندسی و دکترا نائل آمدند . فلورا خانم مهندس راه و ساختمان و بافريقا مهاجرت نموده و در آنجا تشکيل عائله داده و بخدمت امرالله و نشر نفحات الله مشغول ، فرخ عزيز ضمن اخذ مدارك تحصيلي تا درجه دکترا در ماشين در هر فرصتی امرالله را مقدم داشته با تبليغ امرالله و نشر نفحات الله و عضويت محفل مقدس روحاني و حضور در لجنه هاي متعدد مثل تبليغ شرق آسيا و غيره و مسافرت متمادي بشهرهای ديگر بمنظور اجرای اهداف عاليه الهي که گاه پنج سال متولي در شهری اين سفرها ادامه داشت بامرالله عشق میورزید و چون شمع در جمع نورافشان بود و با دختر

مطرب عشق عجب سازونوائي دارد
نقش هر پرده که زد راه بجائی دارد
عالم از ناله عشاق مبادا خالی
که خوش آهنگ و فرح بخش نوائي دارد
حافظ

جناب دکتر فرخ مجدوب يکی از عشاق فداکار جمال اقدس ابهی بود که سال گذشته در نقطه مهاجرتی زامبیا در اثر تصادفي ناگهانی جان بجانان سپرد او اول ژانویه ۱۹۴۷ در شهر طهران از مادری مؤمنه فعال و جانفشان بنام طاهره خانم مجدوب (هزاري) و پدری مدیر و مدبر و مؤمن و فداکار بنام دکتر رحمت الله مجدوب پا بعرصه وجود گذاشت ، در سن هفت سالگی بود که آن خانواده متمسك بامرالله ندای مولای عزيز و مهربان حضرت ولی عزيز امرالله را لبیک گفته هستی ظاهري و آسایش موقتی را فدای رضای حق کرده به تركيه مهاجرت نمودند و در شهر آنکارا مقر گزیدند .

فرخ عزيز دوره ابتدائي و متوسطه تحصيلي را در انکارا بپيان رساند و معلومات امري و آثار مباركه را در کلاسهای درس اخلاق فرا گرفت ، در دو سالی که پدر بزرگوارش دکتر مجدوب اجباراً بايران سفر نموده بود او مساعدی بي نظير برای خانواده بود بالاخره پس از ۱۰ سال اقامت در تركيه بهيچوجه اجازه کار بدکتر ندادند و ناچار تركيه را بقصد مهاجرت و اسکان در آلمان ترك نمودند ، پس از دريدري در چهار شهر مختلف آلمان غري

حضرت باب اعظم است . میگوید پس از این عدد که با حساب ابجد احتساب نمائی مهدی حق و حقیقت ظاهر خواهد شد و گنج پنهانی و مخفی را آشکار خواهد ساخت . آن مهدی شخصی است که دارای علم عرفان الهی است و با آمدن او تعداد زیادی از مذاهب از بین رفته محظوظ نابود می شود (...)

خامساً - یادگار مسافرت به شهر اسکندریون ترکیه از دفتر یادداشت مهاجر عزیز و فداکار آن مدینه جناب جعفر رحمانی یگانه استنساخ شده است . جمالی شاعر اردستانی که ۲۰۰ سال قبل از ظهر

مبارک رب اعلیٰ میزیسته چنین گوید :

جمالی ز شیراز و شیرازیان

همان روح خیزد که از تازیان

که شیراز دارد نشان از حجاز

حقیقت شنو این سخن بی مجاز

دنباله شعر جمالی : در سفری که در خدمت سرکار بهیه خانم نادری شهیده بزرگوار عالیمقام به مدینه مبارکه ادرنه (ارض سر) نموده بودم از ایشان قسمت اخیر شعر جمالی تکمیل شد که بدین شرح درج میگردد :

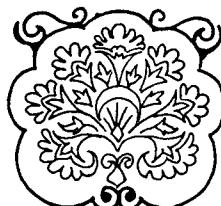
جمالی فرو بند لب از طلب

که قصد عرب کرده شاه عجم

سادساً : حکیم عالیقدر شاعر عالیمقام سعدی نیز چنین گوید :

جز آستانه فضلش که ملجاء ام است
کجاست در همه عالم پناه اهل بهاء

خانمی آمریکائی بنام (گیل) که خود بامرالله اقبال نموده و برای تبلیغ امرالله بالمان آمده بود آشنا شده و ازدواج نمودند و چون هر دو عاشق خدمت و تبلیغ بودند با شور و ولہی بی نظری هر دو در میادین خدمت تاختند و بمحبوب خود نزد محبت باختند صاحب ۴ دختر بنامهای شیرین و سونیا و نورا و نیسان شدند تا اینکه در سال ۱۹۸۲ برای هجرت عازم زیمباوه یکی از ممالک افریقا شدند و والده ماجده طاهره خانم نیز که همیشه مشوق ایشان در سبیل خدمت بود آنان را همراهی نموده در محل مهاجرتی مستقر و آن عائله شریفه کلاً بالاخص فرخ عزیز دقیقه ای آرام نداشت و با مسافرت بشهرها و نقاط اطراف بمنظور تبلیغ امرالله و تشویق احباء الله و مذاکره در باره امرالله با بزرگان و زعمای قوم و اولیای امور و شرکت و خدمت در مدارس تابستانه آنحدود و اقدام مجددانه برای نمایش کتب امری و خدمات گوناگون با کمال خضوع و خشوع و فروتنی که شایسته عاشقان فداکار امرالله است چنان توشه ای اندوخته نمود که روح پاکش در سن ۴۷ سالگی بمحضر حق راه یافت و در جوار قرب و لقا بیارمید ، بتاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۹۵





بیان طرفه ۱۵۱۹ - ۱۳۰۶

د- میرزا علی محمد شیراز از پنج سعیم ۶ مردم

۱- آنکه از احمد اتفاق نیست که از احمد اتفاق نیست

۲- هجده بزرگ احسان خراسان در وقت به صاحب شیراز از پنج سعیم ۶ مردم

۳- هفده بزرگ احسان خراسان در وقت به صاحب شیراز از پنج سعیم ۶ مردم

۴- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۵- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۶- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۷- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۸- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۹- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

۱۰- هجده بزرگ احسان از پنج سعیم ۶ مردم

'ANDALÍB

